

## پیشگفتار

# اولین نامه به قرنتیان

بودند. قبل‌اً در زمان «آریستوفان» (نویسنده قرن پنجم قبل از میلاد) اصطلاح «زنگی» به شیوه قرنتیان «دارای معنی تحقیرآمیزی بود که توضیح آن روشن است. نتیجه قابل پیش‌بینی آن، ثروت‌بی حساب یک اقلیت و فقر اکثریت بود. ضمناً باید اضافه کرد که این شهر جهان وطن مرکزی فرهنگی بود و بسیاری از گروه‌های فکری متنوع در آنجا حضور داشتند. در قرن دوم، قرنتس به خاطر تعداد مدارس، فیلسفان، ادبیان و اهل قلم که در هر گوشه و کنار خیابان ها یافت می‌شدند مورد ستایش قرار می‌گرفت. همچنین قرنتس یک مرکز مذهبی بود که اجرای آیین‌های عبادتی رازگونهٔ شرقی در آنجا جاذبه‌های مؤثری بوجود آورده بود.

با ترکیب خاص خود، جامعه مسیحی که برای شنیدن گفتوارهای پولس گرد می‌آمد، بازتاب درست آن شهر بود. در آن میان از غنی و فقیر وجود داشت (۲۱:۱۱، ۲۲:۲۱)، اما اغنية اقلیت ناچیزی را تشکیل می‌دادند (۲۶:۱)، اکثریت این جامعه از افراد خرد پا، غلامان (۷:۲۱) و خلاصه افراد مورد تنفسِ جامعه بودند (۱:۲۸).

این مسیحیان جامعهٔ زنده و پر شوری را تشکیل می‌دادند اما بسیار در معرض خطر

### جامعهٔ قرنتس<sup>۱</sup>

پولس از سال ۵۰ تا ۵۲ برای اعلام انجیل به مدت ۱۸ ماه در قرنتس بسر برده است (اع:۸-۱۸). برابر برخی برآوردها که محل تردید است، قرنتس در آن زمان بیش از نیم میلیون جمعیت داشت که دو سوم آن را برگان تشکیل می‌دادند. این شهر در سال ۱۴۶ قبل از میلاد ویران و صد سال بعد بوسیلهٔ سزار بازسازی گردید و شهر جدیدی بوجود آمد که رونق بی‌نظیر خود را مدیون وضع جغرافیائی و دو بندرش بود. یکی بندر «کنخره» (Cenchreæ) در ساحل دریای اژه (خلیج سارونیک) و دیگری «لخه» (Lechæ) در ساحل دریای آدریاتیک (خلیج قرنتس).

قرنتس دارای ویژگی‌های کلیهٔ بنادر بزرگ در همهٔ ادوار بود: جمعیتی بسیار در هم داشت که از همه نژادها و مذاهب در کنار هم بسر می‌بردند و تفریحگاه‌های پر ریخت و پاش و عیاشی برای ملاحمانی که پس از ماه‌ها دریانوردی، حریص لذات دنیوی بودند. آیین اصلی قرنتس، پرستش «آفرودیت» بود که معبدی را به او تخصیص داده بودند و خدمهٔ معبد خود را وقف فحشای مقدس گردانیده

۱- شهری در مجاورت آتن و واقع در مجمع الجزاير بلوبونز.

اغلب آن را نامه قبل از نامه های رسمی Precanonique می نامند) ارسال گردیده بوده است که محفوظ نمانده است. پولس در آن نامه، علاوه بر دیگر مطالب، درباره روابط مسیحیان با «هرزگان» تذکراتی داده است. این نامه که برخی از پژوهشگران را نظر بر آن است که بخشی از آن را در نامه دوم به قرنتیان (۱۴:۶ تا ۱۷:۱) یافته اند، احتمالاً دنباله یک یادداشت فرستاده شده از سوی قرنتیان، حاوی پرسش هائی بوده است که پولس به آنها پاسخ داده است. علاوه بر این از روایات کتاب آعمال رسولان (۲۸:۲۴-۱۸) می دانیم که یک واعظ مسیحی برجسته دیگری بنام آپلنس، از یهودیان شهر اسکندریه که به ایمان جدید روی آورده و در افسس بصورت قطعی توسط آکیلا و فرسکا به آئین مسیح گرویده و دارای معرفی نامه از طرف ایشان، به قرنتس آمده بود، در آن شهر به نیکی پذیرفته شده بود. در کتاب آعمال رسولان آمده است که آپلنس سخنگوئی فصیح و دارای معلومات بسیاری درباره کتاب مقدس بوده و در قرنتس یکی از تکیه گاه های بزرگ پاری قرنتیان مسیحی، بویژه در اختلاف هایشان با یهودیان، بوده است. احتمالاً او از پولس که دارای فصاحت بیانی نبود، بیشتر مقبول گردیده بوده است (قرن ۱۰-۲). از همینجا بر می آید که گروهی بوجود آمده بودند که اعلام موجودیت کرده و خود را رقیب کسانی می دانستند که مدعی شاگردی پولس بودند (۱۲:۱). آپلنس مسلمان روح خوشی به این گروه بنده نشان نداده و اقامتش در قرنتس کوتاه بوده است. وقتی پولس نخستین نامه خود را به قرنتیان می نوشت، اپلنس در افسس به نزدش بود و

فساد زندگانی و محیط اطراف بودند، چه فساد اخلاق جنسی، (۱۱-۱۲:۶)، نزاع و نفاق های شخصی (۱۱-۱۲:۱)، فربیائی حکمت های فلسفی مشرکان که در کلیساها با جلاهی مصنوعی مسیحی نفوذ کرده (۱۹:۱ تا ۲۰:۱۰) و ایقان بنیانی ایمان جدید را در معرض تباہی قرار داده بود (باب ۱۵)، همچنین جاذبه های مذاهب رازپروری که بیم می رفت رفتارهای بی نظم و ترتیب آنها در مجتمع مسیحی نیز سرایت پیدا کند (۱۴-۲۶:۳۸). درخت مسیحی که نشانده شده بود سالم و تنومند بود اما ریشه هایش در زمینی دویده بود که با آن همسانی نداشت. وضع بس نامتعادل و ناهمجاري بود که روح القدس با فیضان وسیع موهبت های استثنائی خود به یاری آمد (۱۲-۱۴) و پولس در نامه های خود با فراهم آوردن خاک مرغوب مسیحی در صدد اصلاح آن برآمده بود.

این است آنچه در این نامه مورد توجه قرار می گیرد. اینجا پولس به طور زنده مسائل ناشی از گنجانیدن ایمان مسیحی در یک فرهنگ مشرک و وسائلی را که برای حل این مشکلات بکار برد است به ما نشان می دهد.

## اوضاع و احوالی که موجب ارسال نامه گردید

پیش آمدهایی که بین نخستین گفتار پولس در قرنتس و ارسال این نامه به قرنتیان فاصله انداخته است، به این صورت خلاصه می شود. پولس پس از عزیمت، با جامعه مسیحی که خود پی افکنده بود در تماس باقی مانده بود. همانطور که از ۵:۶-۱۳ آید پیش از نامه اول به قرنتیان نامه دیگری (که

یکجا بیاورد: گروه بندها و حکمت‌های کاذب که خود در برابر آنها حکمت مسیح و حکمت صلیب را برافراشته است. (۱۱:۳-۴).

این وضع خطرناک جامعه مسیحی باید زمانی به اطلاع پولس رسیده باشد که وی برای سومین بار در سفرش در افسس بسر می‌برد (اع باب ۱۹). نخست از سوی اپلس و سپس توسط ساکنان خلوتیه (Chloe، ر.ک ۱۱:۱، توضیح «۱») خبرهای ناراحت کننده دیگری نیز مسلمان از همان مجاری به وی رسیده بود. از جمله موضوع زنای با محارم: مردی که با زن پدرش روابط نامشروع داشت (۱۳:۵-۱:۱۳). و یا اقامه دعاوی متقابل مسیحیان در محضر دادگاه‌های مشرکان (۱۱:۶-۱:۱۱) یا مواردی از هرزگی و فسق و فجور (۲۰:۱۲-۶) یا اغتشاش و بی‌نظمی بهنگام بریائی آئین شکرگزاری در گردهمائی‌های آئین‌های نیایشی (۱۱:۲-۴۲) یا اشتباهات عقیدتی درباره قیام مردگان (باب ۱۵). از سوی دیگر مداخله پولس، بوسیله میانجیگری فرنتیان که خود به پولس درباره برخی مسائل نوشته بودند حل و فصل می‌گردید. از جمله می‌توان مسائل مربوط به رهبانیت و ازدواج را متذکر گردید (ر.ک ۷:۱) و یا مشروعیت مصرف گوشت گوشت‌های قربانی به پای بتان را. آیا خوردن چنین یا موهبت‌های روحانی: سلسله مراتب آنها، کاربرد آنها (ر.ک ۱۲:۱)، اینها مسائل هستند که در نامه پولس مطرح و به آنها پاسخ داده شده است. پولس خواهان آن است که تندروی‌ها را عنان زده، صلح را برقرار داشته

علی‌رغم تشویق‌های پولس، از بازگشت به فرنتیس انصراف حاصل می‌کند تا مبادا آن گروهی را که خود را به وی منتب می‌داشتند مورد تأیید قرار داده باشد (۱۶:۱۲). در

برابر این گروه که خود را به اپلس بسته بودند، گروه پولس، گروه کیفا و گروه مسیح قرار داشت (۱:۱۲-۱۲). گروه اول احتمالاً از کسانی تشکیل می‌شد که در تبعیت پولس بودند و تعلق خاطر آنان به او دارای مشخصات ایمانی و آیینی فرقه‌ای بود.

گروه دوم کسانی بودند تابع مسیحیانی که در فرنتیس موقعتاً آمده بودند و خود را وابسته پطرس رسول می‌دانستند (کیفا اسم آرامی است معادل پطرس). شاید خود پطرس هم زمانی به فرنتیس آمده باشد. آنچه از ۹:۵ برمی‌آید به نظر می‌رسد که فرنتیان وی را بخوبی می‌شناخته‌اند. اما در باره «طرفداران مسیح» فرضیات گوناگونی ارائه گردیده است: یا اینان یهودیانی بودند که در یسوع جز مسیح موعود یهود نمی‌دیدند، یا عارفان غنوی که خود را روحانی مسیح مرتبط می‌دانستند و هر گونه تشکیلات کلیساپی را طرد کرده بودند. شاید هم این گروه هرگز وجود خارجی نداشته است. «من از آن مسیح» (۱۲:۱) ممکن است به سادگی تذکری از سوی یک ناسخ باشد که در متن وارد شده است یا پاسخ پولس به ادعاهای این گروه بوده است. این گروه بندهای بدون ارتباط با جاذبه‌هایی که در فرنتیس وجود داشت نبوده است. از جمله طرفداران حکمت باطنی فلاسفه عرفانی. این درگیری‌های عقیدتی پولس را برآن واداشت تا در نامه خود هر دو مضمون را

- (۱۰:۱) ۲۱:۴ الى ۱۰:۱
- ۲- موارد زنای با محارم (۱۳:۵) ۱:۱۳
- ۳- رجوع به دادگاه های مشرکان (۶:۱) ۱۱:۶
- ۴- روپیپرگری (۶:۱۲) ۲۰:۲۰
- ۵- ازدواج و رهباتیت (باب ۷)
- ۶- گوشت قربانی شده به پای بتان (۸:۱) ۱:۸ الى ۱۰:۱۱

- ۷- برگزاری مجتمع مذهبی (۱۱:۱۱) ۲:۱۱ الى ۱۰:۱۴
- ۸- قیام مردگان (باب ۱۵)
- ۹- توصیه ها، سلام ها و نتیجه گیری (باب ۱۶).

توجه شود که برخی بخش ها تشکیل دهنده موضوعات مشابه اند و با وجود این، تفاوت هائی با هم دارند و دارای اهمیت یکسان نیستند. این چنین سه چهارم بخش ۷ (برگزاری مجتمع مذهبی) به موهبت های روحانی تخصیص داده شده است (باب های ۱۲ الى ۱۴) و در این خصوص سرانجام برتری محبت را بر تمام مواهب خدا که پولس ستایش آن را در سرایش معروف در باب ۱۳ می سراید، نشان می دهد. در نخستین ربع این بخش ۷، از پوشش زنان و برگزاری آئین خوان خداوند به سرعت رد شده است. لذا در این بخش هیچ اندیشه هدایت کننده یا تفکر بصورت مجموعه ای پیش گفته شده که موضوع ها را تنظیم نماید وجود ندارد.

شیوه ای که پولس اندیشه خود را در درون یک موضوع شرح و بسط می دهد، گاهی برای یک روحیه و ذهن عقل گرای معاصر حیرت آور است. اغلب در نوشه های پولس وجود یک برگردان از نوع 'A □ A' دیده شده است. همچنین در باب ۷، پولس نخست عقیده خود

و نظم و هماهنگی را در جامعه مسیحی مستقر گرداند و به پرسش های بسیاری که در زندگانی روزمره مسیحیان قرنتس پیش می آمد پاسخ گوید. تاریخ تحریر این نامه را می توان بهار سال ۵۶ دانست (ر. ک اشاره به جشن گذر در ۵:۷) ۸:۵).

### طرح نامه و روش های نگارش

برخلاف نامه به رومیان، تقسیم بخش های مختلف نامه نخستین به فرنتیان هرگز محل بحث قرار نگرفته است و این امری بدیهی است. پولس فقط به موضوع های مختلفی که در بالا ذکر شد یکی پس از دیگری می پردازد. آیا می توان این بخش های فرعی را در تقسیم بندهی های مهمتری، گروه بندهی کرد؟ در این باره اغلب یک طرح دو بخشی را پیشنهاد کرده اند: گروه بندهی ها و لغزش ها از یک سو (باب های ۱ الى ۶)، راه حل مربوط به مسائل گوناگون که جامعه مسیحی مطرح کرده است از سوی دیگر (باب های ۷ الى ۱۵). البته محل تردید است که رجوع به محاکم مشرکان (۱۱:۶)، امری جنجالی تر از گروه بندهی ها در برپائی مراسم شکرگزاری (۱۷:۱۱) ۳۴:۱۷) یا رفتار کسانی که ناتوانان را به «لغزش» می کشانند (۱۳-۷:۸) پنداشته شده باشد. بهتر آن است که چنین قبول کنیم که پولس به مسائل و موضوعات مختلفی که در این نامه مطرح گردیده به ترتیبی که به ذهنی های فرعی زیر، بدون آنکه بتوان از یک طرح به معنای واقعی آن سخن گفت اشاره کرد:

### سلام و شکر گوئی ها

- ۱- گروه بندهی ها در جامعه مسیحی قرنتس

شده است: هستی مسیحی، در مسیح مستقر است که سرچشمه منحصر بفرد حکمت و نجات است. از این به بعد پولس ویژگی های حکمت حقیقی را می تواند ترسیم کند: این حکمت موهبت روح است، (A'، ۲:۶-۱۶) و فضاحت تفرقه را بر ملاعه می کند. این تفرقه ها برخلاف هویت جامعه مسیحی اند که بر سنگ پایه واحدی، یعنی مسیح بنا شده است (A'، ۳:۳-۱۶). یک ساختار جدید به صورت «جناس متقابل» (Chiasm) در بخش نتیجه گیری (۲۳:۱-۱۸) که هر دو مضمون آغازین را از سر گرفته است، دیده می شود (تفرقه و حکمت کاذب)، اما در جهت معکوس: آن کس که خود را به شیوه این دنیا حکیم می پنداشد، موهبت حکمت مسیح را - حتی اگر دیوانه اش پنداشد - بپذیرد. (۱۸:۳) سرانجام بجای تفرقه که مسیحیان را برگان انسان ها می کند، (۱:۱۲)، «من از آن پولس هستم، من از آن اپلس هستم، من از آن کیفا هستم») تعلق تنها به مسیح، به مسیحیان نه فقط آزادی و اتحاد در مسیح را اعطای می کند بلکه تسلط بر همه چیز را: «همه چیز از آن شماست... جهان، زندگانی یا مرگ، زمان حال یا آینده همه از آن شماست» و انسان هائی که از خود برده می سازند در حقیقت خدمتگر خویش اند: «همه چیز از آن شماست، پولس، اپلس، کیفا...» (۲۲:۳). ساختار A'، □A در بخش دیگر نیز دیده می شود: از جمله در خوان خداوند (۱۱:۱۷-۱۷:۱)، بندی که یادآور راز سپاسگزاری است (۱۱:۲۲-۲۶) نشان دهنده حقیقت بینانی است (□) که در پرتو آن بی نظمی های مطرح شده در آغاز (A'، ۱۱:۱۷-۲۲) قابل

را درباره ازدواج و تجرد بیان کرده، (A: ۱-۱۶) سپس اصول اولیه و بنیادی را شرح می دهد: هر کس در وضعی بماند که بهنگام فراخوانی خداوند داشته است (□: ۱۷-۲۴). سرانجام در پرتو این اصل، به تدقیق و تعمق آموزه خود می پردازد (A': ۲۵-۴۰). در توصیف مخصوص به گوشت های قربانی شده به پای بتان (۸: ۱۱-۱: ۱۱) و موهبت های روحانی (باب ۱۴-۱۲) نیز به طرح مشابه برخورد می گردد. اصل □ به ترتیب هم حاوی ارجحیت محبت و خدمت به انجیل است (۸: ۱۰-۷: ۱۳، ۱۰: ۱-۷: ۱۳) و سپس همبستگی موجود بین اعضای بدن واحدی (۱۲: ۱۲-۲۶).

تشخیص ساختار بخش نخست (۱: ۱۰-۱: ۴، ۲۱: ۴)، گروه بندی های جامعه مسیحی قرنتس) مشکل تراست. این همان طرح بنیانی A □ A' است اما با شرح و بسط بیشتری. بدون آنکه در صدد مطرح کردن شرح تفصیلی طرح این فصول که حاوی انحراف مکرر از اصل مطلب است برآئیم می توان روش کلی را به وضوح مطرح ساخت. نخست تقسیم بندی دو بخش به چشم می رسد: اول، گفتار آموزه ای (۱: ۱۰-۱: ۳-۲۳)، و سپس گفتار واعظانه یا نصیحت دهنده ای جهت اجرای اصول مهم بیان شده (باب ۴). در بخش نخست ساختار مذکور به شکل طرح 'AA, A'، □A' درآمده است: تفرقه به دو بی نظمی اشاره گردیده است: تفرقه (A, ۱: ۱۰-۱: ۱۶)، یعنی هوشمندی استدلالی این دوران (A: ۱: ۱۷-۱: ۲۵). اصل اساسی □ که از آن به بعد پولس انحراف های آن را بر ملا و محکوم می کند، در ۱: ۱۱-۳۰ شرح داده

چنین پدیده‌هائی که اغلب بوجود آمده است بویژه در برخی از جریان‌های غنوی مسیحی قرن دوم و در طی ادوار، در کشورهائی که با شتاب پیام انجیلی را دریافت کرده بودند و نتیجه آن ابقاء آئین شرک سابق که به طور سطحی با عناصر برگرفته از ایمان مسیحی شکل پذیرفته بوده است. در برابر این مسئله، رفتار پولس هم مستحکم و هم انعطاف‌پذیر است: با شجاعت درباره جنبه انقطع از آئین قدیم پای می‌فرشد و بدون گذشت، رفتار و عقیدت‌هائی را که با پیام اعلام شده خود غیرقابل سازش باشد، محکوم می‌کند. اما وقتی تعرض و تناقضی در کار نباشد وی روحیه‌ای موافق تر دارد.

اکنون در نظر داریم به طور گذرا مسائل مهم مورد بررسی در این نامه مرور کنیم.

آنچه مربوط به مسئله‌گروه بندی و تفرقه در جامعه مسیحی و حکمت راستین و کاذب است، غیرقابل اجتناب بود که مسیحیان در معرض وسوسه قرار گیرند و ایمان خود را در الگوی مکاتب بیشمار مختلف ابراز کنند. از این رو به سخنگویانی نظیر اپلس می‌گراییدند که مانند خطیبان درخشنان یونانی با استفاده از ابزار فصاحت و بلاغت حضار را جذب می‌کرد. در نتیجه گروه بندی و تفرقه ایجاد می‌شد و هر کس طرفداری از این و آن بین سخنوران می‌کرد. واکنش پولس بسیار جدی بود. وی در برابر این جریان‌ها بشدت مخالفت ورزید زیرا در آن خطر تنزل ایمان مسیحی را به یک حکمت فلسفی بشري و رقابت مکاتب را که نتیجه آن بود بخوبی می‌دید. هم و غم وی بر آن بود تا حکمت

سرزنش و اصلاح می‌باشدند (A' ۱۱: ۳۴). سرود محبت (باب ۱۳) بر همین الگو بنا گردیده است. پس از شرح و بسطی درباره برتری محبت که بدون آن موهبت‌های روحانی هر چند عالی اما بی‌فایده اند (A: بندهای ۱-۳) نوبت به توصیف آثار برخاسته از محبت می‌رسد (□: بندهای ۴-۷). در بخش نتیجه، پولس می‌تواند به شیوه‌ای عمیق تر مضمون برتری محبت را از سرگیرد که هرگز در طول زمان زایل نخواهد شد در صورتی که بقیه، همه اش، از بین خواهد رفت.

### مسائل مهم مورد بررسی

مسائل مهم خاصی که پولس در این نامه مورد بررسی قرار داده است مشتق از یک مسئله بس اساسی است که در تمام اعصار تاریخ کلیسا، بخصوص در فعالیت تبشیری مطرح بوده است که امروز نیز بیش از هر زمانی مطرح است و آن «فاسسله فرهنگی» است، یعنی مسئله ریشه دوanدن پیام مسیحی در فرهنگی غیر از آن فرهنگی که قبل این پیام در آن شکوفائی کرده بود. در اینجا موضوع عبارت از گذر فرهنگ فلسطینی یهودی تبار (Judéo-Palestinien) به فرهنگ یونانی است که با تحرکی بس مقاوت شکل پذیرفته است که نه تنها بیم آن می‌رود که پیام را مخدوش کند، بلکه عمیقاً به مانند روند همسان‌گرائی در زیست‌شناسی، همسانی یابد. فرهنگ یونانی، که از رگ و ریشه فرهنگی مشرک بوده است از پیام انجیلی فقط آن را برگرفته بود که در هماهنگی با اصول خود بود و بقیه را به کنار نهاده بوده است. این

قرار گیرد که با زندگی نوین در روح سازگار باشد.

این همان اصلی است (ر.ک ۱۰: ۲۳). که مسئله گوشت های قربانی بتان را حل می کند (باب ۸ الى ۱۰). در اینجا نیز در برابر وضعی قرار داریم که ایمان مسیحی باید جانب موافق یا مخالف جنبه ای از فرهنگ محیط را بگیرد. در اینجا نیز اصل حل مشکل، همان است: آنچه راه را بر ایمان می بندد، من نوع است و این همانا موضوع مشارکت در خوراکی های مذهبی مشرکان است (ر.ک ۱۰: ۲۲-۱۴).

بر عکس خوردن گوشتی که بازمانده مراسم فربانی مشرکان است، چه در خانه و چه در نزد دیگری از نقطه نظر مسیحی امر کاملاً علی السویه ای است (۸: ۷-۸) اما ملاحظه دیگری بر پیروان مسیح تحمیل می گردد: محبت برادرانه، مانع از آن است که شخص باعث لغزش ناقوانان گردد. (۸: ۹-۱۳).

بی نظمی در مجتمع مذهبی (باب ۱۱ الى ۱۴)، یکی دیگر از اثرهایی نفوذ رفتار محیط فرهنگی و مذهبی مشرکان بر زندگی مسیحی است. چه موضوع عبارت از رفتارهای غیر مطلوب در بر بابی آین راز سپاسگزاری، که رسوم مشکوک غذاهای تقدیمی مشرکان در آن سراست کرده بود (مت ۱۱: ۲۱)، چه عبارت از جوّ مجتمع آین های عجیب و غریبی است که بدون شک مسیحیان، پیش از گرویدن به ایمان جدید، در آنها شرکت می کردند، هدف پولس همواره همان است که بود: حفظ ویژگی و اصالت خاص عبادت مسیحی که قابل انطباق و سازش با آداب و رسوم مذهبی محیط نبوده، بلکه باید منعکس کننده رازی باشد که بدان روی آور گردیده است، یعنی اتحاد

بشری را در مقابل «دیوانگی» نوید انجیل قرار دهد (۱۷: ۱-۲۵). این اندیشه دائم او از نظر هدف اصلی، زیاده روی نیست: پولس بنحوی اقدام می کرد که «ایمان شما، نه بر مبنای حکمت آدمیان، بلکه بر قدرت خدا باشد» (۵: ۲). اما ضمناً در این اندیشه نیز بود که جستجو و تشنجی حکمت اصیل را که در قرنتس بود، دچار سرخوردگی نگردد. برای همین سعی در معرفی حکمت راستین به خوانندگان خود می کند که فرایند یک جستجوی فلسفی بشری نیست، بلکه موهبتی است از سوی خدا در روح القدس. (۶: ۲-۱۶).

مسائل مربوط به اخلاق در قلمرو روابط جنسی از تلاقی ایمان نوین و تأثیر فرهنگ محیط، چه از فرط شهوترانی رایج (۵: ۱-۱۳؛ ۶: ۱۲-۱۹؛ ۱۴: ۶ ر.ک ۱۴: ۶ توضیح)، چه بخاطر خوار داشتن تن و جسم که در برخی از گرایش های فلسفی زمان رواج داشت (ر.ک ۷: ۱)، توضیح) و احتراز از ازدواج را یک آرمان مطلق جلوه داده بودند بر می خاست. دل نگرانی پولس در برابر این افراط و تغفیری ها ارائه طریق صواب است. بر محکوم کردن قطعی هر نوع بی نظمی در امور جنسی اصرار می ورزد. مشروعیت و ارزش ازدواج را یادآوری می کند و رهبانیت و پرهیز از روابط زناشوئی را تجلیل می کند (باب ۷). اصلی که باعث ایجاد این تشخیص ها است همانی است که در ۱۰: ۶ گفته شده و در ۲۳: ۱۰ تکرار گردیده است: «همه چیز مجاز است اما همه چیز برای من مفید نیست». فرد مسیحی از هر گونه قید و بند قانونی آزاد است ولی این آزادی باید در جهت هر چیزی مورد استفاده

قوت تأکید می‌ورزد. وی در صدد آن بر نمی‌آید که از دید فلسفی آن را به اثبات برساند، اما می‌گوید که «اگر رستاخیز مردگان وجود ندارد، پس مسیح هم برنخاسته است» (۱۳:۱۵-۱۶) بنابراین ایمان فرنتیان پوج است (۱۵:۱۴).

کاملاً مشهود است که در این نکته اخیر مسئله‌ای وجود دارد که با واژه‌هایی مشابه امروز نیز مطرح است. نخستین نامه پولس به قرنتیان شاید از همه نامه‌های دیگر پولس امروز با معنی تر باشد. بدون تردید راه حل‌های مطرح شده گاهی با شرایط فرهنگی متفاوت از فرهنگ ما رفم زده شده است (ر.ک. ۱۱:۲-۱۶)، اما در وضعی که پولس با آن رو در رو در آمده بود، همان وضع کنونی ماست و اصولی که تعیین کننده پاسخ‌های اوست مطلقاً ارزش‌های خود را از دست نداده است.

جامعه در شخص مسیح. و پایه‌های بنیانی در فایدت اشتراک و هم پیوندی (۱۲:۱۲-۳۰) و تهذیب جامعه مسیحی (۱۴:۱-۱۹) و برتر از همه محبت (۱۳:۱-۱۳) از این اصل بر می‌خizد.

سر انجام در باب ۱۵ باز به تضاد پیام مسیحی با طرز تفکر و روحیه محیط بر می‌خوریم. اعتقاد به قیام مردگان با سنت یهود که انسان را به طور واحدی در تمامیتش مطرح می‌کرد اطباق داشت ولی در فرهنگ متاثر از فلسفهٔ ثنویت، به موانع فکری بر می‌خورد. در مورد این نقطهٔ صعب الادراک پولس می‌توانست در برابر محدودیت‌های آمادگی فکری خوانندگانش همانطور که در اوضاع و احوالی مشابه نویسندهٔ کتاب حکمت و فیلون کرده بودند، برزنده‌گانی جاودان جان‌ها اصرار کرده باشد. ولی بر عکس، در بارهٔ موضوع مورد اختلاف رستاخیز مردگان، با

# اولین نامه به قرنیان

همه چیز در او شروتمند شده اید، در هر سخن و در هر دانشی،<sup>۶</sup> بر طبق اینکه گواهی مسیح در شما استوار گردیده است.<sup>g</sup>  
<sup>۷</sup> به طوری که فاقد هیچ موهبتی<sup>gg</sup> نیستید، در انتظار ظاهر شدن<sup>h</sup> خداوند ما یسوع مسیح.<sup>۸</sup> او] که نیز شما را استوار خواهد کرد تا به پایان، در روز خداوند ما یسوع مسیح<sup>i</sup> بی نقص باشید. <sup>j</sup> وفادار است<sup>l</sup> خدایی که بوسیله او خوانده شده اید به همراهی پرسش یسوع مسیح، خداوند ما.

تفرقه در کلیسا  
اما ای برادران، شما را تشویق می کنم  
به نام خداوند ما یسوع مسیح، همگی

## سلام و سپاسگزاری

<sup>a</sup> از پولس که به اراده خدا، رسول مسیح یسوع خوانده شده و از برادر سوستانیس<sup>b</sup>، به کلیسای خدا<sup>c</sup> که در قرن ۱۱:۶ قرنیس است، به آنان که در مسیح یسوع مقدس شده اند، خوانده شده اند مقدس باشند با تمام آنان که در همه جا نام یسوع مسیح را یاد می کنند<sup>d</sup> [که خداوند] ما و ایشان<sup>e</sup> است؛<sup>f</sup> فیض و صلح بر شما [باد] از سوی خدا، پدر ما و از خداوند یسوع مسیح!

<sup>f</sup> خدا را همیشه درباره شما سپاسگزارم؛ به خاطر فیض خدا که به شما در مسیح یسوع عطا شده است؛<sup>g</sup> زیرا شما در

. ر. ک روم ۱:۱<sup>a</sup>.

b- شاید همان کسی است که در اع ۱۷:۱۸ ذکر شده است.

c- کلیسای خدا یا جمعیت خدا. در بکار بردن این اصطلاح از نوشته های عهد عتیق الهام گرفته شده است مثلاً: جمعیت خداوند (اث ۲:۲۳-۹) و عبارت از اجتماع قوم بود که بوسیله خدا احضار شده بود. در اینجا منظور کلیسای محلی است که عملاً اجتماع می کردند؛ ولی ارتباط آن با کلیسای جهانی در اینجا کاملاً اظهار و تأکید شده است.

d- این اصطلاح از کتاب یوئیل ۵:۵ آمده که می گوید: هر کس نام خداوند را یاد کند نجات خواهد یافت. در نوشته های عهد جدید این اصطلاح نقل شده است و آنچه در عهد عتیق در مورد خدا گفته شده به یسوع منتقل می شود (اع ۲:۲؛ روم ۱۰:۱۳؛ وغیره).

e- ترجمه دیگر: که خداوند ایشان و ما است. ترجمه دیگر: که در سرزمین ایشان و در نزد ما است.

f- در بعضی از نسخه های خطی: خدای من...

g- ترجمه دیگر: جون گواهی که به مسیح داده شد در شما استوار گردیده است. همچین می توان درک کرد: در نزد شما، در این صورت اشاره به معجزه هایی است که همراه با موضعه پولس بوده است.

gg- ترجمه دیگر: فاقد هیچ عطیه ای نیستند. ترجمه دیگر: فاقد هیچ استعدادی نیستند.

h- منظور ظاهر شدن شکوهمند در پایان روزگار است.

i- رور خداوند، نام دیگر برای بیان همان حقیقتی است که در بند ۷ ظاهر شدن گفته شده است. این اصطلاح از نوشته های عهد عتیق می آید؛ ر. ک ع ۵:۱۸.

j- وفاداری خدا به وعده ای که داده است موضوع مهمی در نوشته های عتیق است و این امر در دعوت آدمیان به همراهی با مسیح و شرکت با او در فرزندی خدا و در زندگی او تحقق می پذیرد.

<sup>۱۷</sup> زیرا مسیح مرا نفرستاده است که تعمید دهم بلکه انجیل را اعلام کنم و نه با حکمت سخن<sup>۹</sup>، تا صلیب مسیح بیهوده نباشد.<sup>۱۰</sup>

## حکمت و دیوانگی

<sup>۱۸</sup> زیرا سخن صلیب برای آنان که همانا هلاک می شوند دیوانگی<sup>۸</sup> است ولی برای <sup>۲-قرن ۱۵:۲</sup> آنان که نجات می یابند، یعنی ما قدرت روم <sup>۱۶:۱</sup> خدا است. <sup>۱۹</sup> زیرا نوشته شده است: اش <sup>۱۲-۱۱:۱۹</sup> حکمت حکیمان را نابود خواهم کرد، و هوشمندی هوشمندان را به دور خواهم افکند!<sup>۱۰</sup> حکیم کجا است؟ کاتب کجا است؟ مناظره این دوران کجا است؟ آیا خدا حکمت<sup>۱۱</sup> این دنیا را دیوانه نکرده است؟ <sup>۱۲</sup> زیرا چون بر جسب حکمت خدا، دنیا، خدا را از طریق حکمت<sup>۷</sup> نشناخته است، [بلکه] بوسیله دیوانگی موعظه،

یک چیز بگویید<sup>k</sup>، در بین شما تفرقه ای نباشد؛ بلکه با یکدیگر متحد باشید، در یک فکر و در یک عقیده.<sup>۱۱</sup> زیرا، ای برادران من، بوسیله مردم خلوتی<sup>۱</sup> درباره شما مرا معلوم شده است که در بین شما نفاق هایی است.<sup>۱۲</sup> لیکن این را می گویم که هریک از شما می گوید: «من حقیقتاً از پولس هستم»<sup>m</sup> - «و من از آپولس» - «و من از کیفا» - «و من از مسیح»<sup>n</sup>.<sup>۱۳</sup> آیا مسیح تجهیز شده است؟ آیا پولس به خاطر شما مصلوب شده است؟ یا اینکه بنام پولس تعمید یافته اید؟<sup>۱۴</sup> خدا را سپاسگزارم از اینکه هیچ یک از شما را تعمید نداده ام بجز کریسپس و قایوس<sup>۱۵</sup>، تا کسی نگوید که بنام من تعمید یافته است.<sup>۱۶</sup> و خانواده استیفان را نیز تعمید داده ام.<sup>P</sup> وانگهی نمی دانم اگر کس دیگری را تعمید داده باشم.

- ترجمه دیگر: متفق القول باشید. ترجمة دیگر یک دل و یک زبان باشید.

۱- برطبق فرضیه جالی، زنی تاجر بوده که کارمندانش بین قرنتس و جایی که پولس بوده رفت و آمد می کرده اند.

m- ترجمه دیگر: من به پولس تعلق دارم. برای معنی این جمله ر. ک ۲۳:۳.

n- در مورد اپلس و کیفا (یعنی پطرس) ر. ک مقدمه. و اما در مورد طرفداران مسیح در قرنتس، با وجود نظریات بسیاری که فرض شده است نمی توان گفت چه کسانی بوده اند و شاید منظور پولس گروه چهارمی نیست بلکه پاسخ پولس به کسانی است که خود را طرفدار اپلس یا کیفا می دانسته اند.

۰- در مورد کریسپس ر. ک اع ۸:۱۸ و در مورد قایوس روم ۱۶:۲۳.

P- ر. ک ۱۶:۱۶، ۱۷، این عبارت نشان می دهد که پولس نامه های خود را دیکته می کرده و احیاناً اشتباه را تصحیح می نموده است. ولی در اینجا آنچه را که بار اول گفته است تصحیح نکرده است. ر. ک ۲۱:۱۶.

q- ترجمه دیگر: حکمت سخنرانی. در اینجا حکمت به معنی مهارت آمده است و منظور پولس فن سخنوری است که در نزد یونانیان مورد توجه بوده و برای آن قواعد معین و دقیق داشتند.

r- نظریه ای که در این بند اظهار شده است در ۱:۲-۵ تشریح خواهد شد. در بند ۲:۵ توضیح داده می شود به چه سبب حکمت سخنوری، صلیب مسیح را از بین خواهد برد.

s- کلمه دیوانگی در اینجا و در تمام این قسمت نامه به مفهوم می بازد و حمایت بکار برده شده است.

t- اش ۱۴:۲۹. قبلاً در هنگام مهاجمة آشوریان، خدا اعلام می کرد که فقط حساب های حکمت بشری اسرائیل را نجات نخواهد داد. در اینجا نیز همین موضوع مطرح شده است.

u- در تمام این قسمت، از حکمت که فعالیت قوه عاقله بشری است به طور مطلق انتقاد نمی شود بلکه پولس حکمت را که پرمدعا بوده است و آن را اصل منحصر به فرد و نهایی بدانند نمی پذیرد و افشاء می کند.

v- منظور حکمت خدا است که در آفرینش جهان تجلی کرده است ر. ک روم ۱:۱۹-۲۰ و نزدیک به مفهوم این متن است. ولی مفسران دیگری این جمله را چنین درک و ترجمه کرده اند: بوسیله ترتیب حکمت خدا یا در زمان حکمت خدا.

خود را بنگرید<sup>a</sup>: که نه بسیاری از حکیمان برحسب جسم<sup>b</sup> [حکیم هستند]، نه بسی قدرتمندان و نه بسیاری نجیب زادگان هستند.<sup>c</sup> اما آنچه در دنیا دیوانه است خدا برگرید تا حکیمان را شرمنده سازد؛ و آنچه در دنیا ناتوان است خدا برگرید تا نیر و مندان را شرمنده سازد؛<sup>d</sup> و [آنچه] در دنیا اشراف زادگی ندارد<sup>e</sup>، و [آنچه را] حقیر می‌شمارند، خدا برگزیده است و آنچه نیست هست کرد تا آنچه را که هست باطل سازد،<sup>f</sup> تا هیچ آفریده‌ای<sup>g</sup> در برابر خدا افتخار نکند.<sup>۳۰</sup> اما از او، شما در مسیح یسوع هستید<sup>۳۱</sup>، که بوسیلهٔ خدا<sup>۳۲</sup> برای ما حکمت، عدالت و نیز تقدس بازخرید<sup>۳۳</sup> گردید،<sup>۳۴</sup> تا بر طبق آنچه نوشته شده است: آنکه می‌بالد، از خداوند ببالد.<sup>۳۵</sup>

غلا: ۱۴:۶  
قرن: ۱۷:۱۰  
کل: ۴:۱۰

خواهایند خدا بوده است ایمان آورندگان را نجات دهد.<sup>۳۶</sup> چون که نیز یهودیان نشانه‌هایی می‌طلبند و یونانیان حکمت می‌جوینند<sup>۳۷</sup>، اما ما مسیحی<sup>۳۸</sup> را اعلام می‌کنیم که مصلوب شده است، همانا یهودیان را رسوای و مشرکان را دیوانگی است،<sup>۳۹</sup> اما برای آنانکه خوانده شده اند، چه یهودیان و چه یونانیان، مسیح قدرت خدا و حکمت خدا است<sup>۴۰</sup>: زیرا [آنچه] دیوانگی خدا است از انسان‌ها حکیم تر است و [آنچه] ناتوانی خدا است از انسان‌ها نیر و مندتر است.<sup>۴۱</sup>

## حکمت و دیوانگی در پی ریزی کلیسا

<sup>۴۲</sup> زیرا، ای برادران فراخوانده شدن

w- مالاً تقاضای هردو طرف (يهودیان و یونانیان) یک است و هردو طرف اطمینان و امنیت بشری می‌خواهند: نشانه و معجزه‌ای تقاضا می‌کنند تا ضامن صحت و اصالت پیام باشد و عقاید و نظریاتی تقاضا دارند که از نظر فراست بشری رضایت بخش باشد. این تقاضاهای به نظر پولس مستوجب نکوهش است، نه به سبب خود تقاضاهای (و عجیب آنکه بوسیله صلیب مسیح برآورده خواهند شد. بند ۲۴) بلکه بدین دلیل که این تقاضاهای شرایط مقدم بر قبول ایمان هستند.

x- مسیحی، یعنی یک مسیح یعنی آنکه برای ایمان‌داران مسیح موعود است (بند ۲۴).

y- در نظر اول، اعلام صلیب و موضعه درباره آن برخلاف چیزی است که مردم انتظار دارند. زیرا بجای نشانه قدرت خدا موضوع سقوط و بجای حکمت، دیوانگی است ولی هنگامی که این تاریکی برطرف شود و ایمان آورده و بیدریند صلیب همچون تحقق والای این انتظار جلوه خواهد کرد که حکمت و قدرت برتر است.

z- این مقررات عمل الهی (بندهای ۲۶-۳۰) در مورد برگزیدن قرتیان (بندهای ۲۵-۱۸) در موضعه پولس بکار برده خواهد شد. (۵-۱:۲).

a- ترجمه دیگر: ای برادران، ملاحظه کنید، شما که دعوت را دریافت کرده اید چه کسانی هستید.

b- ترجمه دیگر: نه بسیاری از حکیمان به نظر آدمیان، ر. ک روم ۳:۱ قسمت اول.

c- ترجمه تحت الفظی: آنکه تولد ندارد (یعنی از خاندان زادگان نجبا و اشراف زادگان نیست) در مقابل کسانی که از خانواده نجیب زادگان هستند بند ۲۶.

d- ترجمه تحت الفظی: تا هیچ جسمی... ر. ک روم ۳:۱ باداشت g، قسمت اول.

e- این فعل را باید به معنی واقعی و کامل کلمه گرفت: خدا شما را برگزیده است، شما که به نظر دنیا وجود نداشته‌ید (بندهای ۲۶-۲۹)، شما را برگزیده تا در یسوع مسیح وجود داشته باشید. بنابراین به خود ببالید نه به سبب آنچه خودتان هستید و در نظر مردمان هستید بلکه به سبب آنچه در یسوع مسیح و به نظر خدا هستید (بندهای ۲۹، ۳۱).

f- در مقابل حکمت بشری که پرمدعا و به عنوان دستور و مقررات مطلق است حکمتی در مشیت خدا در کار است که در یسوع تجسم یافته و در برگزیده شدن مسیحیان قرنتس آشکار می‌شود.

g- ر. ک روم ۲:۳

h- ار ۲۲:۹، ۲۳-۲۲، نقل قول آزاد.

نه از حکام این زمانه<sup>۰</sup> که از بین ۱۵:۲۵-۲۴:۱۵ آفس ۶:۱۲-۶ می‌روند.<sup>۷</sup> بلکه از حکمت خدا سخن

می‌گوییم که مرمز و پنهانی<sup>۸</sup> و همان که روم ۱۶:۲۵-۱۶:۲۵ آفس ۹:۱ پیش از روزگاران، خدا برای شکوهمندی ما ۹:۵، ۵:۴، ۳:۲ کول ۱:۲۷-۲۶:۲ کقدر کرده است،<sup>۸</sup> [حکمتی] که هیچکی از حکام این زمانه نشناخته است زیرا اگر می‌شناختند، خداوند شکوه را مصلوب نمی‌کردند.<sup>۹</sup> ولی بر طبق آنچه نوشته شده است [اعلام می‌کنیم]: آنچه را چشم ندیده و گوش نشنیده و بدل انسانی بر نشده، هر آنچه خدا برای آنان که به او محبت دارند<sup>۹</sup> آماده کرده است.<sup>۱۰</sup> زیرا خدا به وسیله روح [القدس] بر ما مکشوف کرده است؛ زیرا روح [القدس] همه چیز، حتی اعماق<sup>۱۱</sup> خدا را سنجش می‌کند.<sup>۱۱</sup> زیرا چه کسی در میان انسان‌ها، امور انسان را می‌شناسد مگر روح انسان که در او است؛ همچنین نیز هیچ کس

۱- پولس اعتبار و نفوذ سخن و حکمت بشری را در برابر سخن و حکمتی که از خدا آمده است می‌آورد (ر. ک. بندۀای ۴، ۷) ر. ک. ۱:۳۰-۱:۳۰.

۲- در بعضی از نسخه‌های خطی به جای گواهی خدا، راز خدا نوشته شده است.

۳- آین متن از نظر قواعد دستور زبان مهم و دشوار است بین سبب در این مورد تردیدهایی وجود دارد ولی به هر صورت در مفهوم آن شکگی نیست.

۴- این تظاهر روح القدس را مسلمان<sup>۱۲</sup> به عنوان معجزه‌هایی بشمار می‌آورد (و انگهی در باب ۱۸ اعمال ذکر نگردیده است)، بلکه این تظاهر عبارت از فعالیت روح القدس در پولس و در قرنتیانی است که به مسیحیت گرویده‌اند (ر. ک. ۱:۱۴-۱:۲۵، ۱:۱-۱:۵).

۵- پولس گفتارهایی را که بر مبنای حکمت بشری بوده و بوسیله کلمات قاطع کننده ادا می‌شود نمی‌پذیرد (بند ۴) زیرا ایمان به صورت گرویدن خواهد بود که کاملاً بشری است (بند ۵) گفтар او نوعی استدلال و اثبات است (بند ۴) ولی ارائه و اثبات قدرت روح القدس است که از سوی خدا می‌آید و مستلزم نوع دیگری از گرایش یعنی گرایش روح می‌باشد.

۶- ترجمه دیگر: مسیحیان بالغ. منظور از اشخاص کامل گروه ممتاز و برتری از گروندگان به مسیحیت نیستند که جرگه خاصی

تشکیل دهند بلکه کسانی است که در زندگی مسیحیت بعد کمال رسیده باشند. این اصطلاح در برابر کودکان در مسیح، در بند ۱:۳ آمده است. ر. ک. همچنین ۱:۱۴-۲۰:۱۴.

۷- شکی نیست منظور از حکام این زمانه قدرتهای شرّ فوق الطبيعه و عوامل آنها هستند یعنی مقامات و قدرتهای غیرمذهبی که در مخالفت خود با مسیح و انجیل محصور بودند (بند ۸).

۸- ترجمه دیگر. مرمز و مستور مانده است. منظور حکمتی اسرار آمیز نیست که بصورت معنّا باشد بلکه حکمتی است که با رمز بیان می‌شود به مفهومی که پولس در ک می‌نماید یعنی سرمهشت نجات که در مسیح تحقق یافته است. ر. ک. روم ۱:۱۶-۲:۲۷-۲:۲۵.

۹- در اینجا دو عبارت از اش ۳:۶ و از ۱۶:۳ و از ۳:۶ گرفته شده و با هم تلفیق گردیده است، بر طبق روشهی که در آن دوران در بین یهودیان مرسوم بود و مجموعه‌های امثال و حکم تهیه می‌کردند (مثلاً کتابی به نام شاهدت نامه).

۱۰- منظور کلی بندۀای ۱۰ الی ۱۶ است که منع و منشأ این حکمت خدا است (بندۀای ۱۰-۱۱) و فقط بوسیله کسی ابلاغ می‌شود که روح خدا را دریافت کرده است (بندۀای ۱۲-۱۳) و به کسانی ابلاغ می‌گردد که ایشان هم روح خدا را دریافت کرده‌اند و می‌توانند این حکمت را در ک نمایند؛ در غیر این صورت این حکمت برای ایشان دیوانگی است (بندۀای ۱۴-۱۶).

## حکمت و دیوانگی سخنان پولس

### در قرنتیان

۱- اما من، ای برادران، [چون] به نزد

۲- شما آمدم، با تفوق سخن یا حکمت

۳- نیامدم تا به شما گواهی خدا را اعلام کنم.

۴- زیرا قصد نکرده ام هیچ چیز در میان شما

۵- بدانم جز یسوع مسیح، و او را مصلوب شده.

۶- و خودم با ناتوانی، و در ترس و لرز زیادی

۷- به نزد شما آمدم.<sup>۱</sup> و سخن من و ندای من با

۸- سخنان معنی حکمت<sup>k</sup> نبود؛ بلکه نمایاندن

۹- روح [القدس]<sup>kk</sup> و قدرت بود.<sup>۵</sup> تا ایمان

۱۰- شما، نه بر [منیای] حکمت انسان‌ها، بلکه

۱۱- تسا ۵:۱ بر قدرت خدا<sup>m</sup> باشد.

## حکمت خدا

۱۲- اما ما در میان اشخاص کامل<sup>n</sup> از حکمت

۱۳- سخن می‌گوئیم ولی نه از حکمت این زمانه و

۱۴- ر. ک. ۱:۳۰:۱ پولس اعتبار و نفوذ سخن و حکمت بشری را در برابر سخن و حکمتی که از خدا آمده است می‌آورد (ر. ک. بندۀای ۴، ۷)

۱۵- ز- در بعضی از نسخه‌های خطی به جای گواهی خدا، راز خدا نوشته شده است.

۱۶- k- آین متن از نظر قواعد دستور زبان مهم و دشوار است بین سبب در این مورد تردیدهایی وجود دارد ولی به هر صورت در مفهوم آن شکگی نیست.

۱۷- kk- این تظاهر روح القدس را مسلمان<sup>۱۲</sup> به عنوان معجزه‌هایی بشمار می‌آورد (و انگهی در باب ۱۸ اعمال ذکر نگردیده است)، بلکه

۱۸- این تظاهر عبارت از فعالیت روح القدس در پولس و در قرنتیانی است که به مسیحیت گرویده‌اند (ر. ک. ۱:۱۴-۱:۲۵، ۱:۱-۱:۵).

۱۹- m- پولس گفتارهایی را که بر مبنای حکمت بشری بوده و بوسیله کلمات قاطع کننده ادا می‌شود نمی‌پذیرد (بند ۴) زیرا ایمان به صورت گرویدن خواهد بود که کاملاً بشری است (بند ۵) گفтар او نوعی استدلال و اثبات است (بند ۴) ولی ارائه و اثبات قدرت روح القدس است که از سوی خدا می‌آید و مستلزم نوع دیگری از گرایش یعنی گرایش روح می‌باشد.

۲۰- n- ترجمه دیگر: مسیحیان بالغ. منظور از اشخاص کامل گروه ممتاز و برتری از گروندگان به مسیحیت نیستند که جرگه خاصی

۲۱- تشكیل دهند بلکه کسانی است که در زندگی کمال رسیده باشند. این اصطلاح در برابر کودکان در مسیح، در بند ۱:۳ آمده است. ر. ک. همچنین ۱:۱۴-۲۰:۱۴.

۲۲- o- شکی نیست منظور از حکام این زمانه قدرتهای شرّ فوق الطبيعه و عوامل آنها هستند یعنی مقامات و قدرتهای غیرمذهبی که در مخالفت خود با مسیح و انجیل محصور بودند (بند ۸).

۲۳- p- ترجمه دیگر. مرمز و مستور مانده است. منظور حکمتی اسرار آمیز نیست که بصورت معنّا باشد بلکه حکمتی است که با رمز بیان می‌شود به مفهومی که پولس در ک می‌نماید یعنی سرمهشت نجات که در مسیح تحقق یافته است. ر. ک. روم ۱:۱۶-۲:۲۷-۲:۲۵.

۲۴- q- در اینجا دو عبارت از اش ۳:۶ و از ۱۶:۳ و از ۳:۶ گرفته شده و با هم تلفیق گردیده است، بر طبق روشهی که در آن دوران در بین یهودیان مرسوم بود و مجموعه‌های امثال و حکم تهیه می‌کردند (مثلاً کتابی به نام شاهدت نامه).

۲۵- r- منظور کلی بندۀای ۱۰ الی ۱۶ است که منع و منشأ این حکمت خدا است (بندۀای ۱۰-۱۱) و فقط بوسیله کسی ابلاغ می‌شود که روح خدا را دریافت کرده است (بندۀای ۱۲-۱۳) و به کسانی ابلاغ می‌گردد که ایشان هم روح خدا را دریافت کرده‌اند و می‌توانند این حکمت را در ک نمایند؛ در غیر این صورت این حکمت برای ایشان دیوانگی است (بندۀای ۱۴-۱۶).

گویم بلکه همچون به افراد جسمانی<sup>w</sup>، همچون به کودکانی در مسیح.<sup>۲</sup> به شما شیر نوشانیده‌ام، نه خوراک [معمولی]<sup>x</sup>; زیرا هنوز نمی‌توانستید<sup>x</sup> چنانکه اکنون هم نمی‌توانید.<sup>۳</sup> چون که هنوز جسمانی هستید. زیرا همین که در بین شما حсадت و نزاع وجود دارد، آیا جسمانی نیستید و بر طبق بشری<sup>y</sup> رفتار نمی‌کنید؟<sup>۴</sup> زیرا وقتی که کسی می‌گوید: من از آن پولس هستم، دیگری: من از اپلس، آیا بشر نیستید<sup>z</sup>؟  
پس اپلس کیست؟ و پولس کیست؟ خدمتگزارانی که بوسیله آنان ایمان آورده‌اید و بهر کدام برابر آنچه خداوند ار  
عطای کرده است.<sup>۶</sup> من کاشته‌ام، اپلس آبیاری کرده ولی خداست که رشد می‌داده است.<sup>۷</sup> بدن گونه، نه آن که می‌کارد چیزی است، نه آن که آبیاری می‌کند؛ بلکه خدا که رشد می‌داده است.<sup>۸</sup> لکن آنکه می‌کارد و آنکه آبیاری می‌کند یکی هستند<sup>a</sup>، و هر کدام مزد خود را بر طبق زحمت خود دریافت خواهد کرد.<sup>۹</sup> زیرا ما همکاران<sup>b</sup>

امور خدا را نمی‌شناسد مگر روح خدا.  
باری ما، روح جهان را دریافت نکرده‌ایم  
بلکه روح [القدس] را که از خدا می‌آید تا  
موهبت هائی را که خدا به ما عطا نموده است  
بشناسیم.<sup>۱۳</sup> که نیز ما از آن سخن می‌گوئیم،  
نه با سخنانی که به وسیله حکمت انسانی  
آموخته شده بلکه آنچه روح [القدس]  
می‌آموزد که با روحانی ها<sup>۱۴</sup>، روحانی هارا  
بیان می‌کند. اما انسان نفسانی<sup>۱۵</sup> آنچه را  
از روح خدا است نمی‌پذیرد: زیرا برای او  
دیوانگی است، و نمی‌تواند بشناسد چون که  
با روح قضاوت می‌کنند.<sup>۱۶</sup> اما، انسان  
روحانی همه چیز را قضاوت می‌کند و خودش  
بوسیله کسی قضاوت نمی‌شود.<sup>۱۷</sup> زیرا چه  
کسی فکر خداوند را شناخته است تا به او  
تعلیم دهد؟<sup>۱۸</sup> اما، فکر مسیح را در دست  
داریم.

نقش سخنرانان انجیل

اما، اي برادران، من نتوانسته ام به  
شما همچون به افراد روحانی سخن

-۸- این متن دشوار است و گاهی ترجمه‌هی کنند: ما بزبانی که حکمت بشری می‌آموزد سخن نمی‌گوییم بلکه بزبان روح و با کلماتی که روحانی هستند. ترجمه دیگر: امور روحانی را به روحانی تلقی می‌دهیم.

-۹- انسان نفسانی در برای انسان روحانی یعنی کسی که بواسیله روح خدا هادیت می‌شود.

-۱۰- یعنی بواسیله کسی که روحانی نباشد. بنابراین فرنتینان نفسانی نبایست پولس را قضاوت کنند<sup>(۲)</sup>). ولی در فصل ۱۴ پولس نشان خواهد داد برای مسیحیانی که از روح القدس الهام می‌گیرند مقرراتی وجود دارد. همچنین ر. ک ۱۲:۱، ۱۰:۱-۱۹:۵ تسا-

X- یعنی نهی توانستید تحمل کنید.

W- در مورد مفهوم کلمه جسمانی ر. ک روم ۳:۱ g. چنین بنظر می رسد که در اینجا کلمه جسمانی به معنی انسانی است که فقط به طبیعت خود رها شده است. (نفسانی) و در بند ۱۴:۲ ذکر شده است؛ همچنین ر. ک ۳:۳ آیا جسمانی نیستند و برطبق بشری رفتار نمی کنید؟

Z- ترجمه تحت الفظی. آیا انسان نیستند؟ ترجمه دیگر: آیا کاملاً بروش انسانی رفتار نمی کنید؟

a- در اینجا بررسی و تفکر درباره وحدت وظایف کشیشان و جنبه‌های آن آغاز می شود که در فصل ۱۲ ادame خواهد یافت.

b- ترجمه دیگر: در عمل خدا با هم کار می کنیم. شرکت خدا و انسان در این عمل مشترک بدون هیچ گونه ابهام در بندهای ۶-۷ تصریح شده است. ر. ک ۱-تسا ۳:۲- مر ۱۶:۲۰- ب-۸. بولس، دو تصویر کاشتن و بنا کردن را از نوشته های عهد عتمه،

است باقی بماند، وی پاداشی دریافت خواهد کرد.<sup>۱۵</sup> اگر [نتیجه] کارش نابود شده است خسارت آن را تحمل خواهد کرد<sup>f</sup>، با این همه خودش نجات خواهد یافت پس اما چنان که از آتش گذشته باشد.<sup>۱۶</sup> آیا نمی دانید که شما قدس خدا هستید و روح خدا در شما مسکن دارد؟<sup>g</sup><sup>۱۷</sup> اگر کسی قدس خدا را نابود کند<sup>h</sup> خدا او را نابود خواهد کرد؛ زیرا قدس خدا مقدس است<sup>i</sup> که شما هستید.<sup>۱۸</sup> نباید کسی خودش را بفریبد، اگر کسی در بین شما هست که می پندرار در این زمانه حکیم است، دیوانه گردد تا حکیم شود.<sup>۱۹</sup> چون که حکمت این جهان به نزد خدا دیوانگی است زیرا نوشه شده است:

خدائیم، شما مزرعه خدا، عمارت خدائید.  
روم ۲:۱۲ ۱۰ بر طبق فیضی که خدا که به من عطا کرده است، همچون معماری دانا پی ریزی کرده ام، و دیگری بر روی آن ساخته است. اما هر کس، متوجه باشد که چگونه عمارت می کند.<sup>۲۰</sup> زیرا هیچ کس نمی تواند پایه دیگری قرار دهد در کنار آن چه قرار داده شده است که یسوع مسیح است.<sup>۲۱</sup> اگر کسی بر روی آن پایه با طلا، نقره، احجار کریمه، چوب، علف، کاه<sup>c</sup> بسازند، کار هر کدام آشکار خواهد شد زیرا روز<sup>d</sup> [داوری] آن را نشان خواهد داد، چون که در آتش ظاهر خواهد شد<sup>e</sup> و خود آتش، کار را خواهد سنجید که چگونه است.<sup>۲۲</sup> اگر کار کسی که بر روی پی ریزی مقدس است وانگهی پولس نسبت به او اعتقاد دارد (۱۲:۱۶).

گرفته است. مخصوصاً در کتاب ارمیا مأموریت پیامبر با تصاویر مذکور از ریشه کنند در برابر کاشتن و خراب کردن در برابر بنا کردن بیان شده است. ولی پولس هرگونه مأموریت انهم و خرابی را نفی می نماید (ر. ک ۲-قرن ۸:۱۰-۱۳) اما نظیر کتاب ارمیا که عمل کاشتن و بنا کردن هم عمل و خدا و هم عمل بیامر است (ر. ک ار ۱:۱۰)، بی ریزی قوم جدید خدا عمل خود خدا و عمل رسولان است که برای شرکت در این عمل آن فراخوانده شده اند.

۵- این مواد به ترتیب مقاومت در برابر آتش ذکر شده و پولس با توجه به این نکته انتخاب و ذکر کرده است بدون اینکه مواد مذکور برای ساختمان بنا مناسب باشد. ضمناً نباید پرسید که پولس کدام یک از آنها را برای نشان دادن عمل اپس آورده است وانگهی پولس نسبت به او اعتقاد دارد (۱۲:۱۶).

۶- آتش نشانه و مظہر عامل پاک کننده ای است که معمولاً پیامران ذکر کرده اند زیرا با سوزاندن و از بین بردن مواد زاید، عناصر قیمتی را تصفیه و پاک می نماید (اش ۱:۲۵-۲۹:۶).<sup>e</sup>

۷- معمولاً اصطلاح های «پاداشی دریافت کردن در برابر خسارتی تحمل کردن» با اصطلاح های «نجات یافتن در برابر نابود شدن» تطبیق می کنند. (مر ۳۳:۸ و متنون مشابه). ولی در اینجا چنین نیست و داوری درباره اشخاص نبوده بلکه درباره اعمالشان است. بدین سبب پولس تصریح می کند که کارگر نجات خواهد یافت، حتی اگر جان بدر بردن او در آخرین لحظه باشد چنانکه از آتش سوزی نجات یافته و یا از میان شعله های آتش بگذرد.

۸- پولس در تصویر کلیسا که ساختمان خدا است فراتر رفته و آن را قدس خدا می نامد. ضمناً کلمه «ساختمان» به مفهوم بنایی پایان یافته، کامل و قطعی است و سکونت خدا به صورت توده ابر با شکوهی نیست که مظہر حضور او باشد بلکه روح خدا است که در جمعیت سکونت گرده است و بدین طریق وعده های عهد و بیمان جدید تحقق می یابد (ر. ک حز ۲۷:۳۶).

۹- پس از کسانی که با مصالحی بنا می کنند که باقی می ماند (بند ۱۴) و آنکه با مصالحی می سازند که در برابر آتش مقاومت نمی نماید (بند ۱۵). اکنون سخن از کسانی است که بجای ساختن نابود می کنند. اینان عمل کفرآمیز و بی حرمتی کرده، کیفر خواهند یافت. ر. ک طرز بیان ادبی مشابهی که در مر ۳۸:۸ و متنون مشابه اجنبیها بکار برده شده است.

۱۰- این عبارت متنضم این معنی است که جمعیت مسیحیان اختصاص به خدا دارد و نذر شده به خدا است بنا براین هر صدمه ای که بر آن وارد شود اهانت و بی حرمتی به خدا تلقی می شود که مستوجب مرگ است.

۱۱- ترجمه دیگر: و شما مقدس هستید.

کم اهمیت دارد که به وسیله شما یا در روز [جلسه دادگاه] انسانی<sup>۰</sup> داوری شوم، حتی من درباره خودم داوری نمی کنم.<sup>۴</sup> زیرا در خودم هیچ [عیبی] نمی شناسم ولی از این حیث تبرئه نشده ام؛ بلکه داوری کننده من خداوند است.<sup>۵</sup> پس پیش از وقت درباره چیزی داوری نکنید تا اینکه خداوند باید مت<sup>۱:۷</sup> که هم اسرار ظلمات را روشن خواهد کرد و هم تمایل های دلها را آشکار خواهد نمود. و روم<sup>۲:۱۶، ۲:۱۶</sup>

آنگاه هر کسی ستایش [خود] را از خدا خواهد داشت.

<sup>۶</sup>اما ای برادران، [تمام] این چیزها را به خاطر شما، در مورد خودم و اپلیس نسبت دادم<sup>P</sup> تا درباره ما یاد بگیرید.<sup>۹</sup> نه ماورای آنچه نوشته شده است، تا هیچ یک تفاخر نکنید، برای یکی بر دیگری.

[خدا] حکیمان را با نیرنگ خودشان می گیرد.<sup>k</sup> <sup>۲۰</sup> و همچنین: خداوند استدلالهای حکیمان را می شناسد که بیهوده هستند.<sup>۲۱</sup> پس هیچ کس به انسان ها فخر نکند. زیرا همه چیزها از آن شما است.<sup>۲۲</sup> چه پولس، چه اپلیس، چه کیفا، چه جهان، چه زندگانی چه مرگ، چه اکنون، چه آینده، همه از آن شما است.<sup>۲۳</sup> ولی شما از آن مسیح و مسیح از آن خدا است.<sup>m</sup>

## روابط پولس با قرنیان

<sup>۱</sup> پس باید مارا انسانی همچون خدمتگزاران مسیح و ناظران اسرار لوح<sup>۱:۱۲</sup>: خدا بشمارند.<sup>n</sup> <sup>۲:۱</sup> باری، بالآخره آنچه از ناظران خواسته می شود اینست که هر یک افس<sup>۷:۱</sup>: [از آنان] را وفادار یابند.<sup>۳</sup> اما برای من

- این کلمات از کتاب ایوب<sup>۵:۱۳</sup> به طور آزاد نقل شده است.  
- مز<sup>۹:۱۱</sup>، ترجمه یونانی.

- بندهای ۲۲-۲۳ را باید با توجه به بند<sup>۱:۱۲</sup> در ک کرد که تقریباً به همان گونه و با همان کلمات بیان می شود: هر یک از شما چنین می گوید: «من از آن پولس هستم، من از کیفا» رسول یاسخ می دهد: «غیر! بر عکس، شما به این اشخاص تعلق ندارید بلکه ایشان خدمتگزار شما هستند. ایشان بمانند سایر مخلوقات آفرینش در خدمت شما هستند تا شما در خدمت بوده و بوسیله مسیح در خدمت خدا باشید».

- دو عنوان: خدمتگزار مسیح و ناظر اسرار خدا که پولس ذکر می کند نامتجانس بوده و اختلاف دارند (کلمه یونانی را که خدمتگزار ترجمه شده تنها موردنی است که پولس بکار می برد و در انجیلها به معنی کارمندان طبقه پائین آمده است). به هر صورت بکار بردن این دو عنوان مختلف را می توان توجیه کرد زیرا در دوران توسعه فرهنگ یونانی به خدمتگزارانی که اصلاً پایین بودند گاهی مسئولیت های مهمی محول می شوند. اصطلاح اسرار خدا را باید با اعماق خدا<sup>(۱۰:۲)</sup> و موهبت های اعطائی خدا<sup>(۱۲:۲)</sup> نزدیک و به یک معنی گرفت که به پولس الهام شده است و باید به دیگران بشناساند. این اصطلاح به دفعات در نوشته های قرآن آمده است.

- ترجمه تحتاللفظی: روز، پولس به استهزاء می گوید که یک دادگاه بشری گمان می کند مجاز است موضوعی را داوری کند که فقط در صلاحیت روز خداوند یعنی داوری نهایی است.

- این نکته یک اصل کلی است که همگی خدمتگزارانی هستیم که به مسیح تعلق داریم<sup>(۲۱:۳)</sup> و هر آنچه داریم آن را دریافت کرده ایم<sup>(۲:۴)</sup>. همچنین می توان این اصل را در مورد مأموریت رسالت ذکر کنیم<sup>(۱۶:۵-۳)</sup>.

- ترجمه تحتاللفظی: کلمه نه در بالای آنچه نوشته شده. مشکل بتوان معنایی برای این عبارت تصور کرد. بعضی از مفسران فرضیه ای پذیرفته اند دایر بر اینکه یکی از رونویس کنندگان، در حاشیه درباره طرز مخصوص نوشتن، این عبارت را یادداشت کرده است: (کلمه «نه» در بالای «به» نوشته شده) و سیس ممکن است رونویسی کننده نادانی این عبارت را در متن وارد کرده باشد. بعضی از مفسران دیگر تصور می کنند این عبارت ضرب المثلی است که با اوضاع و احوال تطبیق می کرده و برای پولس و خوانندگان نامه او کاملاً روشن بوده است در صورتی که ما امروز مفهوم آن را نمی دانیم.

مانند زباله‌های<sup>۱۰</sup> جهان شده‌ایم و تاکنون  
مطربود همگان.

### توجه پدرانه پولس

<sup>۱۴</sup> برای شرمنده کردن شما نیست که  
اینها را می‌نویسم بلکه همچون به کودکان  
محبوب خود پند می‌دهم، <sup>۱۵</sup> زیرا اگر  
دهزار معلم<sup>۷</sup> هم در مسیح داشته باشید اما  
چندین پدر ندارید چون که شما را به وسیله<sup>۸</sup> <sup>۱۱:۲</sup>  
انجیل<sup>W</sup> در یسوع مسیح من آورده ام.<sup>۱۰</sup> فیل<sup>۱۰</sup>  
<sup>۱۶</sup> پس شما را تشویق می‌کنم: از من تقلید  
کنید.<sup>۱۷</sup> به همین سبب تیمومتاؤس را به<sup>۲</sup> تیمو<sup>۱</sup>  
نزد شما فرستاده ام که فرزند محبوب من و  
وفادار در خداوند<sup>۹</sup> است: او طریقه‌های  
[رفتار] مرا در مسیح یسوع به شما یادآوری  
خواهد کرد به همان‌گونه که همه‌جا، در هر  
کلیسا [آنها را] آموزش می‌دهم.<sup>۱۸</sup> اما  
چون به نزد شما نمی‌آیم، بعضی‌ها مغور  
شده‌اند.<sup>۱۹</sup> ولی اگر خداوند بخواهد

<sup>۷</sup> زیرا چه کسی تورا برتری می‌دهد؟ و چه  
داری که دریافت نکرده‌ای؟ اما اگر نیز  
دربافت کرده‌ای چرا می‌بالی چنان که  
دربافت نکرده باشی؟<sup>۸</sup> هم اکنون سیر  
شده‌اید! هم اکنون شروتنند شده‌اید!<sup>۹</sup> و  
مکا<sup>۱۷:۳</sup> بدون ما سلطنت می‌کنید!<sup>۱۰</sup> کاش سلطنت  
می‌کردید تا ما هم حداقل با شما سلطنت  
می‌کردیم!<sup>۹</sup> زیرا به نظر من، خدا ما رسولان  
را به پائین ترین مرتبه مانند محکومان به  
مرگ نشان داده است چون که تماسائی<sup>۱۱</sup>  
جهان و فرشتگان و انسان‌ها شده‌ایم.<sup>۱۰</sup> ما  
به سبب مسیح دیوانه‌ایم، اما شما در مسیح  
هوشیارید؛ ما ناتوانیم ولی شما قادر تنند،  
شما شکوهمند ولی ما بی‌حرمت هستیم.<sup>۱۱</sup>  
<sup>۱۱</sup> تا بدين ساعت هم گرسنه ایم، هم  
تشنه ایم، هم برهنه ایم، هم سیلی خورده ایم و  
هم سرگردانیم<sup>۱۲</sup> و با دست‌های خود کار  
کرده رحمت می‌کشیم؛ دشنام شنیده، دعای  
خیر می‌کنیم؛<sup>۱۳</sup> جفا دیده، صبر می‌کنیم،  
به ما افتراء می‌زنند، ما تسلی می‌دهیم. به

۲- یعنی شما مدعی هستید که خودتان، بدون ما، در ملکوت آسمانها مستقر شده، سلطنت می‌کنید.

۸- این کلمه بادآور میدانهای بازی است که در آنجا در مقابل تماساچیان محکومان را جلو حیوانات وحشی می‌انداختند.

۹- این قسمت لحنی استهزا آمیز داشته و بادآوری موضوع‌های فصلهای ۱ و ۲ است: بدین معنی که عظمت‌های آدمیان در برابر خدا به هیچ است (قرنیان) و آنچه در نظر خدا عظمت دارد (پولس) آدمیان تحقیر می‌کنند.

۱۰- دو کلمه ای که در این مورد آمده همچنین افراد زبون و بیتوائی را تعیین می‌کند که به هزینه شهر نگهداری و تغذیه می‌شدند تا در هنگام فراسیدن بله‌های عمومی به عنوان کفاره قربانی شوند.

۱۱- کلمه یونانی که در اینجا معلم ترجمه شده است به معنی بوده‌ای است که از کودک ارباب خود مراقبت می‌کرده و در بازگشت به خانه او را همراهی می‌نموده است. عبارتی که در اینجا آمده لحن استهزا و تحقیر دارد. ر.ک غلا<sup>۲۴:۳</sup>.

۱۲- در اینجا کلمه انجیل با معنی دیگری که اندکی تفاوت دارد بکار برده شده است و گاهی در نامه‌های پولس مشاهده می‌شود.

۱۳- بدین معنی که انجیل غیر از پیام نوید و محتوای آن (ر.ک ۱:۱ d) در اینجا به معنی اعلام پیام است (ر.ک ۱-قرن ۹:۲-۱۲:۹)؛ غلا<sup>۷:۲</sup>؛ افس<sup>۳:۶</sup>؛ فی<sup>۱:۵</sup>؛ ۲:۲۲؛ ۳:۴؛ ۱:۱۵؛ ۳:۳؛ فیل<sup>۱۳:۱</sup>) که می‌توان در فارسی پیام انجیل را ابلاغ کردن ترجمه کرد.

۱۴- فعل یونانی که آورده‌ام ترجمه شده است به معنی فرزند آوردن، زادن و... است.

۱۵- پولس از قرنیان درخواست می‌کند از او تقلید کنند زیرا خودش از مسیح تقلید می‌نماید (۱:۱۱). بدین‌گونه قرنیان از مسیح تقلید خواهند کرد (ر.ک ۱-تسا<sup>۶:۱</sup>؛ ز:۵؛ فی<sup>۲:۵</sup>).

۱۶- در مورد مأموریت تیمومتاؤس ر.ک اع<sup>۲۱:۹</sup>-۲۲.

شما برداشته شود!<sup>c</sup> زیرا من، که جسمًا کول<sup>۲</sup> غایب و روحًا حاضر بودم، هم اکنون چنان که حاضر باشم کسی را که چنین عملی مرتکب شده است داوری کرده ام.<sup>۴</sup> به نام خداوند یسوع، شما و روح من با یکدیگر<sup>d</sup>، با توانائی خداوند ما یسوع،<sup>۵</sup> چنین کسی، برای نابودی جسم [تن]<sup>e</sup> به شیطان سپرده شود، تا اینکه روح او در روز خداوند نجات یابد.<sup>۶</sup> افتخار شما نیکو نیست. آیا نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه، همه خمیر را ور می‌آورد؟<sup>۷</sup> خود را از خمیرمایه کهنه پاک کنید تا خمیری تازه شوید، چونکه هم اکنون فطیر هستید<sup>f</sup>، زیرا [قربانی] عید گذر ما، مسیح ذبح شده است،<sup>۸</sup> بنابراین،

بزودی به نزد شما خواهم آمد و نه فقط سخنان آنان که مغروند بلکه قدرت ایشان مت<sup>۲۱:۷</sup> را خواهم شناخت.<sup>۷</sup> زیرا ملکوت خدا در سخن نیست بلکه در قدرت است.<sup>۲۱:۸</sup> چه قرن<sup>۲:۱۰</sup> می‌خواهید؟ آیا با یک چوبیدست به نزد غلا<sup>۱:۶</sup> شما بیایم، یا با محبت و با روح نرمخوئی؟

### یک مورد فحشاء

<sup>۱</sup> خلاصه، شنیده می‌شود در بین شما [بقداری]<sup>۲</sup> زناکاری<sup>۳</sup> هست که حتی نزد امت ها مانند این زناکاری وجود ندارد؛<sup>۴</sup> تا به جائی که کسی زن پدر خود را<sup>b</sup> دارد!<sup>۵</sup> و شما که مغروف هستید، و حتی بیشتر، عزا نگرفته اید تا آنکه چنین عملی کرده از میان

Z- ترجمه دیگر: اعمال ایشان را خواهیم شناخت. متنظر آن است که ملاحظه کند نیروی روح القدس در ایشان چه چیزهایی انجام می‌دهد (ر.ک ۴:۲-۱-تسا ۵:۱) و بدؤاً بایستی اعمالی باشد که گواه بر گرایش ایشان است.

a- کلمه یونانی که در اینجا زناکاری ترجیحه شده است منحصرًا به معنی زناکاری نبوده و مفهوم کلی تری دارد و شامل کلیه اعمال فحشا و بی تربیتی در امور جنسی است.

b- یعنی بازن پدر خودش ازدواج کرده است. این نوع وصلت برطبق شریعت یهود مجاز نبوده (لاو ۸:۱۸) و در قوانین حقوق رومیان نیز ممنوع بوده است. ولی بعضی از کاهنان یهود در مورد مشرکانی که به آئین یهود می‌گرویدند این نوع وصلت را اجازه می‌دادند و بدین سبب است که جمیعت مسیحیان قرنت در برابر این وضعیت عکس العملی نشان نداده بودند. به هر صورت نمونهٔ خوبی برای نشان دادن تجاوز از مقررات اخلاقی است و نشان می‌دهد که در قرنت در بین کسانی که خود را از «طبقهٔ منور الفکر» می‌پنداشتند چه گرایشهایی پیدا شده بود.

c- قرنتیان از مدت‌ها بیش بایستی مجرم را طرد می‌کردند و او را همچون مرده‌ای بشمار آورده، برایش ماتم می‌گرفتند چنانکه در مرگ برادری ماتم می‌گیرند.

d- ترجمه دیگر: به نام خداوند یسوع و با قدرت او در طی یک گردهم آئی که روحًا در میان شما خواهم بود. پولس از مجمع جمیعت مسیحیان درخواست می‌کند (بند ۴) رأیی را که صادر کرده است تصویب کنند (بند ۳) ولی این رأی به نام یسوع و به قدرت او صادر شده است (ر. ک مت ۱۸:۱۸).

e- به نظر پولس، مجرم به طرز غیرمستقیم به شیطان تسليم شده است و کسی که از جمیعت مسیحیان طرد می‌شود از وسائل دفاعی که جمیعت برای مقابله با شیطان دارد محروم می‌گردد و بنابراین به قدرت او تسليم می‌شود. ولی این کفر جنبه «معالجه ای» دارد زیرا رنج هایی که بر اثر عمل شیطان ایجاد می‌گردد فرد گناهکار را به توهی و گرایش و بالنتیجه به نجات در روز خداوند یعنی داوری نهائی می‌رساند.

f- ترجمه تحت الفظی: چون که شما بدون خمیرمایه هستید. در اینجا خمیرمایه به عنوان مظہر و نشانهٔ فساد گرفته شده است (ر. ک مت ۱۶:۶ و مشابه آن در انجیل‌های دیگر؛ به معنی مخالف مت ۱۳:۳۳ و مشابه آن در انجیل‌های دیگر) در صورتی که نان فطیر (بدون خمیرمایه) مظہر پاکی و درستکاری است (بند ۸). ضمناً در اینجا یک نمونهٔ دستور دادن آمرانه پولس مشاهده می‌شود: آنچه واقعاً هستید باشد، بر اثر همسان شدن با مسیح، زندگی خود را به همان گونه انجام دهید. ر. ک روم ۱۱:۱۲-۱۲:۳ کول ۳:۵.

خارج هستند خدا داوری خواهد کرد. شرور را از میان خودتان بردارید.<sup>1</sup>

**۶** هنگامی که یکی از شما اختلافی با دیگری دارد، آیا جرأت می کند به مقابله بیدادگران<sup>m</sup> و نه قدسیان به داوری برود؟<sup>۲</sup> یا اینکه نمی دانید که قدسیان<sup>n</sup> جهان را داوری خواهند کرد؟ و دان<sup>۲۲:۷</sup> اگر جهان به وسیله شما داوری می شود آیا برای کوچکترین داوری ها ناشایست هستید؟<sup>۳</sup> آیا نمی دانید که ما فرشتگان<sup>۵</sup> را داوری خواهیم کرد؟ پس چقدر بیشتر امور این زندگی را؟<sup>۴</sup> سپس وقتی درباره امور این زندگی داوری می کنید آیا کسانی را که برای کلیسا ارزشی ندارند<sup>p</sup> [در مقام داوری] می نشانید!<sup>۵</sup> برای شرمندگی شما

عید<sup>g</sup> را برگزار کنیم، نه با خمیرمایه کهنه، نه با خمیرمایه بدخواهی و شرارت بلکه با فطیرهای پاکی و حقیقت.

<sup>۹</sup> در نامه به شما نوشته ام<sup>h</sup> با زناکاران روم<sup>۲۱-۲۹:۱</sup> معاشرت نکنید.<sup>۱۰</sup> نه مطلقاً با زناکاران این جهان یا با طمعکاران و آزمدنان، یا بت پرستان، زیرا در این صورت باید از جهان خارج شوید.<sup>۱۱</sup> بلکه الان به شما نوشته ام حتی با آنکه خود را برادر می نامد<sup>j</sup> اما زناکار است معاشرت نکنید یا با آنکه طمعکار یا بت پرست یا فحاش یا دائم الخمر یا آزمند است و حتی با چنین آدمی غذا نخورید.<sup>۱۲</sup> زیرا چه کار است آنان را که در خارج هستند<sup>k</sup> داوری کنم؟ آیا شما آنان را که در داخل هستند داوری نمی کنید؟<sup>۱۳</sup> ولی آنان را که در

<sup>g</sup>- منظور عید گذر یهودیان است که به زودی فرا می رسد. از جمله مراسم یهودیان در عید گذر اینست که نانهای تخمیر شده را که در خانه باقی مانده است جستجو کرده از بین می برند (ر. ک بند ۷) و به جای نان معمولی نان فطیر می خورند (بند ۸). این کارها تصاویری از واقعیت قاطع مسیح است که بره حقیقی عید گذر می باشد، به وسیله او خمیرمایه کهنه گناه به کلی نابود شده و زندگی با تقىس و پاکی که نشانه آن نان فطیر است در عید گذر مقدور گردیده است.

<sup>h</sup>- نامه ای که قبل<sup>۱</sup> پولس به قرنیان نوشته بود و از بین رفته است. ر. ک مقدمه.

<sup>i</sup>- همان کلمه ای است که در بند ۱:۵ آمده و در پادداشت<sup>a</sup> توضیح داده شده است.

<sup>j</sup>- یعنی یک نفر مسیحی. ر. ک اع ۱۵:۱. در این اوقات عنوان مسیحی در بین یهودیان معمول بوده است و اعضای قوم خدا را به این نام می خوانندند. ضمناً مسیحیان که فرزندان خدا شده اند برای عنوان «مسیحی» واقعیت و ثرفاً بیشتری می دهد.

<sup>k</sup>- منظور غیرمسیحیان هستند. این اصطلاح هم در بین یهودیان معمول بوده است. ر. ک مر ۱۱:۴. ۱- تث ۱۷:۷.

<sup>m</sup>- ترجمه تحت الفظی: بی عدالت ها. یعنی آنان که به وسیله ایمان در یسوع مسیح برایت نیافته اند. ر. ک روم ۸:۱. در این قسمت (بندهای ۱-۱۱) پولس مخصوصاً قرنیان را ملامت می کند که نمی توانند اختلافات بین خود را به طرز مسالمت آمیز فیصله دهند. استدلالی که بکار برده شده فقط به همین منظور است و نباید آن را به عنوان اصول مطلق بشمار آورد: ضمناً پولس اعتبار و منشأ الهی سازمانهای کشوری را می شناسد. (روم ۷-۱۳).

<sup>n</sup>- یعنی اعضای جمیعت مسیحیان. ر. ک روم ۷:۱ m ۷:۱ h ۲۵:۱۵

<sup>o</sup>- منظور فرشتگان مغضوب خدا هستند.

<sup>p</sup>- این عبارت که پولس تحت تأثیر هیجان فکری خود بیان کرده است باید با توجه به فصل ۱۳ نامه به رومیان (روم ۷-۱:۱۳) خواهد شود و مخصوصاً بند ۷ آن فصل که تصریح می کند مسیحیان باید مرد و حقوق مقرر مقامات کشوری و قضائی را بپردازند. این عبارت را همچنین می توان ترجمه کرد: اگر شما مرافعه هایی از این قبیل دارید کسانی را به عنوان داور تعیین نمایید که به نظر کلیسا اهمیتی ندارند، یعنی کسانی که اهمیت کمتری در بین مسیحیان دارند. و برای داوری های کم اهمیت کافی خواهد بود (بند ۳).

### همه چیز برای من مجاز است

۱۲ همه چیز برای من مجاز است<sup>۱</sup> اما ۲۳:۱۰  
همه چیز مفید نیست<sup>۲</sup>: همه چیز برای من مجاز  
است اما من تحت تسلط هیچ چیز نخواهم بود. ۲۵-۲۴:۷  
۱۳ خوراک‌ها برای شکم و شکم برای  
خوراک‌ها است و خدا هم این و هم آن را  
نابود خواهد کرد. و تن برای بی عقّتی نیست  
بلکه برای خداوند است و خداوند برای تن؛  
۱۴ و خدا که خداوند را برخیزانیده نیز ما را ۱۵:۱۵  
به وسیله قدرت خود برخواهد خیزاند<sup>۳</sup>. آیا ۱۵:۱۵ روم ۱:۱۴-۴ فتن ۲:۱۴:۴  
نمی‌دانید که تن های شما اعضای مسیح  
هستند؟ پس آیا اعضای مسیح را برمی‌آورم<sup>۴</sup> روم ۵:۱۲  
تا اعضای بی عقّتی بکنم؟ هرگز چنین مباد!  
۱۶ یا اینکه نمی‌دانید که پیوستن به یک بی  
عقّت [با او] یک تن [جسم] است؟ زیرا گفته  
شده است: دو جسم [تن] یکی خواهد بود.<sup>۵</sup>  
۱۷ اما پیوستن به خداوند [با او] یک روح  
است.<sup>۶</sup> از بی عقّتی بگیرید. هرگناهی  
که احیاناً آدمی بکنند خارج از تن [جسم]  
است ولی آنکه بی عقّتی می‌کند علیه

می‌گوییم. پس آیا در بین شما یک فرزانه<sup>۷</sup>  
نیست که بتواند [اختلاف] میان برادر خود  
را داوری نماید؟<sup>۸</sup> ولی برادری علیه برادری  
به دادگاه می‌آید، آن هم در برابر  
بی ایمانان؟<sup>۹</sup> البته الان روی هم رفته برای  
شما شکست است که بین خودتان  
مرافعه هائی داشته باشید. چرا بیشتر  
بی عدالتی را تحمل نمی‌کنید؟ چرا بیشتر  
محرومیت را نمی‌پذیرید؟<sup>۱۰</sup> بلکه شما  
بی عدالتی می‌کنید و محروم می‌سازید، آن  
هم برادران را.<sup>۱۱</sup> یا اینکه نمی‌دانید که  
بیدادگران وارث ملکوت خدا نخواهد شد؟<sup>۱۲</sup>  
گمراه نشوید: نه بی عقّتان، نه بت پرستان،  
نه زناکاران، نه مختنان، نه لوّاطان،<sup>۱۳</sup> نه  
غلا<sup>۱۴</sup> ۲۱-۱۹:۵ دزدان، نه آزمندان، نه میخوارگان، نه  
فحاشان، نه اخاذی کنندگان وارث ملکوت  
خدا نخواهد شد.<sup>۱۵</sup> بعضی از شما چنین  
بودید؛ اما شسته شده اید، اما مقدس  
شده اید، اما به وسیله نام خداوند ما یسوع  
مسیح و به روح خدای ما؛ برائت یافته اید.

- ۹- پولس با اشاره به قرنیزان که مدعی عقل و حکمت بودند آنان را استهzaء می‌کند.  
۱۰- شکی نیست این عبارت از پولس است که قرنیزان آن را به معنی مفهوم دیگری می‌گرفتند.  
۱۱- این عبارت چکیده و خلاصه اصول اخلاقی است که پولس اظهار می‌نماید. به جای طرح مسئله آنجه مجاز و آنجه ممنوع است باید  
دانست چه چیزی موافق یا مخالف با زندگی جدید فرد مسیحی است که به وسیله روح القدس تغییر یافته است. ر.ک روم ۸:۷-۸.  
۱۲- شکی نیست پولس با قرنیزان که بین احتیاجات غذایی و زندگی جنسی هیچ تقاضا نیافریده ای مخالف است (بند ۱۳) و به  
ایشان چنین پاسخ داده و خطاب می‌کند: احتیاجات غذایی مربوط به دنیاگی کنونی بوده است و با آن نابود خواهد شد.  
در صورتی که زندگی جنسی حسّ آدمی را در گیری می‌کند یعنی شخص تمام بدن خود را به دیگری ارائه می‌نماید (ر.ک ۱:۱۲)  
۱۳- بدین گونه کسی که کاملاً با مسیح رستاخاسته موافق است باید زندگی جنسی او به طوری باشد که شایسته یکی از اعضای  
مسیح است (بند ۱۲).  
۱۴- فعل یونانی که در این مورد بکار رفته است به معنی برکندن، بلند کردن یا برداشتن است بنا بر این بین اتحاد و واپستگی به  
مسیح با واپستگی و امیزش جنسی غیرمشروع تناقض مطلق وجود دارد. برعکس برطبق این استدلال، اتحاد زناشویی مسیحیان  
باید با تعهد به اتحاد و واپستگی با مسیح باشد. ر.ک ۱-۱۴:۴ تسا ۱:۱۳-۱۴.  
۱۵- ر.ک پید ۲:۴-۲.  
۱۶- پیوستگی با یک فاحشه جنبه جسمانی دارد و بدین سبب پولس می‌گوید: «[با او] یک تن است» در صورتی که پیوستن به  
مسیح، اتحاد روحی است و گفته است: «[با او] یک روح است».  
۱۷- لازم به بادآوری است در متن یونانی کلمه‌ای که در بندهای ۱۶-۱۸ تن ترجمه شده همان کلمه‌ای نیست که در عبارت سفر  
پیدایش نقل می‌شود (بند ۱۶ ب) و بدین سبب ترجمه شده است: «دو جسم یکی خواهد بود». بکار بردن این سه کلمه (تن،  
جسم و روح) نشان می‌دهد که تأیید در مورد معنی و مفهوم این کلمات نیست بلکه تأکید درباره «یکی بودن با» می‌باشد.

[زنی] شوهر خود را داشته باشد.<sup>b</sup> <sup>۳</sup> شوهر وظیفه خود را نسبت به زنش انجام دهد، و همچنین نیز زن نسبت به شوهر خود.<sup>۴</sup> زن اختیار بدن [جسم] خود را ندارد، بلکه شوهر [دارد]. و همچنین نیز شوهر اختیار بدن [جسم] خود را ندارد بلکه زن [دارد].<sup>c</sup>

<sup>۵</sup> خود را از یکدیگر محروم نکنید، مگر به هر حال برای مدت معینی، با هم آهنگی مشترک، تا با فراغت به نیایش پیردادید؛ و دوباره همانطور با هم باشید تا شیطان شما را به سبب عدم خویشتن داری و سوسه نکند.<sup>d</sup> اما این را که می‌گوییم امتیازی

تن [جسم] خود گناه می‌نماید.<sup>x</sup> <sup>۱۹</sup> یا اینکه نمی‌دانید که تن [جسم] شما، معبد روح [القدس] در شما است و [آن را] از خدا دارید؟ و شما از آن خود نیستید.<sup>۲۰</sup> <sup>۱-پطر ۱۸:۱-۱۹:۷</sup> زیرا شما به قیمتی خریده شده اید، پس خدا را در تن [جسم] خود شکوهمند سازید.<sup>۲۱</sup>

### پاسخ به سؤالهائی درباره ازدواج

<sup>۱</sup> اما درباره آنچه نوشته اید<sup>z</sup>، برای انسان خوب است که از زن پرهیز کند.<sup>۲</sup> ولی به سبب بی عقّتی ها، هر مرد باید زن خود را داشته و هر شخصی

X- در اینجا هنر بکار بردن مفاهیم متناقض در برابر یکدیگر، به روش زبانهای سامی دیده می‌شود (ر. ک روم ۹:۱۳؛ مت ۱۲:۳۱). بدین معنی که اگر کسی به عیاشی و هرزگی پیردادزد بر ضد بدن خود بیشتر گناه می‌کند تا آنکه گناه دیگری بکند.

y- ترجمه دیگر: کسی قیمت بازخرید شما را پرداخته است. ر. ک روم ۳:۲۴.

yy- در بعضی نسخه ها، عبارتی افرون دارد.

Z- قرنیان به پولس نامه نوشته اند تا نظر او را درباره بعضی نکات پیرسند. در این نامه نظریات پولس درباره ازدواج و بکارت (فصل ۷)، در مورد گوشت هایی که برای خدایان بت پرستان ذبح شده (فصل ۸ و بعدی)، در مورد پدیده های روحی (فصلهای ۱۲-۱۴)، و بالآخره درباره جمع آوری اعانه برای کلیسا اورشليم (۱۶-۱:۱۲) ذکر شده است.

a- در آن تاریخ گرایش به «اصل تقدم روح» (یا گنوستیک و عرفان) که جنبه جسمانی انسان را تحقیر می‌کرد موجب شده بود که دو نوع انحراف مختلف و متضاد به وجود آید: در یک سو توجه به زهد و ریاضت که هرگونه زندگی جنسی را طرد کرده، نمی‌پذیرفت (ر. ک تاریخ فرقه کاتار که در قرن ۱۲ میلادی در جنوب فرانسه ایجاد گردید)، از سوی دیگر کشیده شدن به عیاشی و خوشگذرانی بی بند و بار که آن را به عنوان نشانه کامل آزادی می‌پنداشتند. اگرچه بعضی از قرنیان اصل «هچیز برای من مجاز است» را پذیرفته بودند (۶:۱۰-۱۲)، برخی دیگر فکر می‌کردند: برای آدمی بهتر است که از زن پرهیز نماید. ولی این نظریه با اصل کلی که در پید ۲:۱۸ آمده مغایرت دارد زیرا می‌گوید: خوب نیست که آدمی تنها باشد. بدین ترتیب پولس این نکته را به استثنای موارد مردان مجرد و کسانی که زنشان مرده است با احتیاط تمام ذکر کرده است (بند ۸).

لام ره به یادآوری است پولس برای قرنیان رساله ای درباره ازدواج و بکارت نوشته است بلکه موارد مختلفی را که واقعاً وجود داشته است مطرح می‌نماید: اشخاصی که ازدواج کرده اند (بندهای ۱-۲)، و از جمله کسانی که همسرشان مسیحی نیست (بندهای ۱۲-۱۶)، کسانی که با جنس مخالف رابطه نیافته، بکر مانده اند (بندهای ۲۵-۳۵)، کسانی که نامزد شده اند (برابر تفسیری که از بندهای ۳۶-۳۸ بشود)، کسانی که همسرشان فوت کرده است (بندهای ۳۹-۴۰). در بندهای ۱۷-۲۴ که در مرکز این فصل است اصل کلی که حاکم بر ا Rah حل های مختلف است بیان شده است: بدین معنی که هر کس در همان وضعیتی بسند که در موقع گرویدن به مسیحیت در آن وضع بوده است. ولی طرح این متن به هیچ وجه شدید و قاطع نیست: بلکه فکر و استدلال مرتباً از موضوع ازدواج به تجرد اختیاری رفته و برمی گردد و به این ترتیب نشان داده شده است که ارزش این دو وضعیت را جدا از یکدیگر نمی‌توان درک کرد.

b- این اندرز به تمام کسانی خطاب شده است که موهبت مجرّد ماندن را در نیافته اند و پولس در اینجا فقط به کسانی که متأهل هستند توصیه می‌کند از نزدیکی با همسر خود پرهیز و خودداری نکنند.

c- در روابط زناشویی، از خود گذشتگی قانون کلی است و هیچ گونه خودنخواهی روا نیست. در همین باره در افس ۵:۲۵ رفتار مسیح به عنوان نمونه به همسران پیشنهاد خواهد شد.

d- ترجمه تحت اللفظی: از ترس اینکه شیطان شما را وسوسه نکند به دلیل عدم خویشتن داری شما.

قدس شده<sup>a</sup>، وزن بی ایمان به وسیله برادر مقدس گردیده؛ پس و گرنه کودکان شما نایاک می بودند در صورتی که اکنون مقدس هستند.<sup>k</sup><sup>۱۵</sup> ولی اگر فرد بی ایمان جدا می شود، جدا شود!<sup>۱</sup> در چنین وضعی جدرا یا خواهر مقید نیستند<sup>II</sup>؛ و خدا روم ۱۴:۱۹

در صدد تغییر وضعیت نباشد  
 از سوی دیگر، هر کدام همچنان که خداوند سهم داده، هر کدام چنان که خدا خوانده است بنابر این رفتار کند. و بدین گونه در تمام کلیساها دستور می دهم.  
 اگر کسی که خوانده شده است مختون بوده، خود را نامخون نشان ندهد.<sup>m</sup> اگر کسی که خوانده شده، نامخون بوده است خود را مختون ننماید.<sup>۱۹</sup> ختان هیچ نیست

است<sup>e</sup>، نه یک فرمان. <sup>۷</sup> اما میل دارم که همه مردمان نیز به مانند خود باشند؛ ولی هر کس موهبت [مخصوص] خود را از خدا دارد، حقیقتاً کی چنین، و دیگری چنان.<sup>f</sup>

اما به مجردان<sup>g</sup> و به بیوه زنان می گوییم:  
 برای ایشان خوب است چنانچه مثل من نیز ۱۴:۵ تیمو بمانند.<sup>۹</sup> ولی اگر نمی توانند خوبیشتن داری کنند، ازدواج نمایند: زیرا بهتر است ازدواج کنند تا اینکه بسوزند.<sup>g</sup><sup>۱۰</sup> اما به آنان که ازدواج کرده اند توصیه می کنم، نه من بلکه خداوند<sup>h</sup>: زن از شوهر جدا نشود،<sup>۱۱</sup> ولی نیز اگر جدا شده است، مجرد بمانند، یا اینکه با شوهر خود آشتبای نماید و شوهر زن خود را رها نکند.<sup>۱۲</sup> و به دیگران من می گویم و نه خداوند: اگر برادری زنی بی ایمان دارد و آن زن راضی است با او سکونت نماید، او را رها نکند;<sup>۱۳</sup> و زن اگر شوهری بی ایمان دارد که راضی به سکونت با او است، شوهر را رها نکند.<sup>۱۴</sup> زیرا شوهر بی ایمان به وسیله زن [خود]

۵- آنچه را پولس موافقت می کند لحظاتی از خوبیشتن داری در زندگی زناشویی است ولی آن را الزامی نمی نماید. به نظر مفسران دیگری آنچه را به عنوان امتیاز اجازه می دهد، خود ازدواج است.

f- به طوری که ملاحظه می شود پولس یک مانند را که موهبت الهی است در مقابل ازدواج نمی آورد که وضعیت عادی است؛ بلکه هر دو وضعیت عطیه های الهی و موهبت بشمار می آیند.

g- کلمه یونانی را که در اینجا مجردان ترجیح می شود پولس برای تعیین کلیه کسانی آورده است که همسری ندارد: یعنی مجردان، بیوه شدگان، کسانی که از همسر خود جدا شده اند. ر. ک بندهای ۱۱-۳۴.

gg- یعنی در آتش اشیاق بسوزند.

h- ر. ک مر ۱۰:۹-۱۲ و به همین نکته در انجلهای دیگر.

i- منظور مقدس بودن اخلاقی نیست بلکه تعلق به جمیعت مسیحیان است که جمیعت مسیحیان می باشد. زیرا شوهر و زن به وسیله ازدواج جسم واحدی شده اند (بید ۲:۲۴؛ ر. ک ۱۶:۶-۱۶) و همسر بمحرومی از تقدس جمیعت بهره مند می شود.

j- به وسیله برادر، یعنی به وسیله فرد مسیحی که شوهر او شده است.

k- ر. ک باداشت<sup>a</sup> بالا، بنابر علم مردم شناسی، در نظر ملت های سامی، فرزندان با پدر و مادر خود یک موجود بشمار می آیند.

l- همین کلمه جدا شدن در بند ۱۱ بکار برده شده و در آنجا پولس صریحاً ازدواج تازه ای را نفی می کند. اسپیک می نویسد: «پولس فقط حق جدا شدن را با کلمات روشن و به صراحت مجاز می شمارد».

ll- ترجمه تحت الفظی: برده نیستند.

m- یعنی مختون بودن خود را پنهان نکند، همان عملی که در ۱-مک ۱۵:۱ ذکر شده است.

نظری می دهم. <sup>۲۶</sup> پس گمان می کنم، این نیکوست به سبب پریشانی کنونی<sup>۹</sup> برای انسان خوب است که چنین باشد. <sup>۲۷</sup> اگر به زنی پیوند داری در صدد جدائی میباش؛ اگر به زنی پیوند نداری، زنی جستجو مکن. <sup>۲۸</sup> با این همه اگر نیز ازدواج بکنی، گناه نمی کنی؛ و اگر دوشیزه ازدواج کند، گناه نمی کند. اما اینان در فشار خواهند بود، <sup>۲۹</sup> لیکن من شما را از آن برکنار می دارم. <sup>۳۰</sup> اما ای برادران، این را به شما می گویم؛ وقت تنگ است<sup>۵</sup>: تا از این پس روم <sup>۱۱:۱۳</sup> نیز کسانی که زنی دارند مثل این باشد که ندارد. <sup>۳۱</sup> و گریه کنندگان مثل اینکه نمی گریند؛ و شادی کنندگان مثل اینکه شادی نمی کنند؛ و خریداران مثل اینکه ندارند. <sup>۳۲</sup> و آنان که از جهان بهره <sup>۱:۱۵-۲</sup> یو <sup>۱۷-۱۵</sup> می گیرند، مثل اینکه بهره نمی گیرند. زیرا چهره این جهان می گذرد<sup>۶</sup>. <sup>۳۳</sup> اما می خواهم بی دغدغه خاطر باشید. [مردی که] ازدواج نکرده نگران امور خداوند است،

و نامختونی هیچ نیست؛ بلکه رعایت فرمانهای خدا [به حساب می آید]. <sup>۲۰</sup> هر کس در همان حالی بماند که در آن خوانده شده است. <sup>۲۱</sup> اگر برده [بودی] خوانده شده ای، نباید برایت پروائی باشد. <sup>۲۲</sup> افس <sup>۶:۶</sup>، اما حتی اگر بتوانی آزاد شوی [از وضع فیل <sup>۱۶</sup> بردگی خود] ترجیحاً بهره برگیر. <sup>۲۳</sup> زیرا برده خوانده شده در خداوند، آزاد شده خداوند است؛ همچنین آزاده خوانده شده، <sup>۲۴</sup> برده مسیح است. <sup>۲۵</sup> شما به بهای خیلی گران خریداری شده اید، برده انسان ها <sup>۱۷:۷</sup> نشوید. <sup>۲۴</sup> ای برادران، هر کدام به همان حالی که خوانده شده است در آن، پیش خدا باقی بماند.

## در مورد مجردان، نامزدان و بیوگان

<sup>۲۵</sup> اما درباره افراد بکر<sup>P</sup>، فرمانی از خداوند ندارم، با این همه به عنوان کسی که به وسیله رحمت خدا مورد اعتماد است

n- این عبارت را همچنین می توان تفسیر کرد: از موقعیت خود استفاده کن تا خود را آزاد کنی. ولی با توجه به موضوع و ترتیب عبارات ترجمه بالا پذیرفته شده است.

o- یعنی پیش داوریهای آدمیان را نباید که می خواهند شما را از وضعیتی که به هنگام فراخواندن داشته اید منصرف کنند. p- کلمه یونانی که بکر ترجمه شده، به هر پسر یا دختر جوانی اطلاق می شود که هنوز ازدواج نکرده است و به طوری که از بندهای <sup>۲۷</sup> و <sup>۲۸</sup> برمی آید منظور از افراد بکر هم پسران و هم دختران جوان است.

q- شکی نیست منظور پولس پریشانی هایی است که بر اثر گرایش و فوادی به مسیح در خانواده ها ایجاد می شد و در لو <sup>۱۲</sup> <sup>۵۱:۵-۵۳</sup> و موارد مشابه سایر انجیلها ذکر شده است. ضمناً کلمه یونانی که در این بند آدمی ترجمه شده به معنی مرد یا زن نیست بلکه شامل کلیه افراد بشر می شود و باقیتی به این مفهوم درک گردد.

r- ترجمه تحت اللفظی: اینان در جسم خود محنت خواهند داشت. ترجمه دیگر: اما افراد متأهل آزمونهای دشواری را تحمل خواهند کرد. کلمه یونانی که در این بند در فشار ترجمه شده است معمولاً به معنی محنت، فلاکت، مضیقه... است ولی با توجه به موضوع عبارت این مفاهیم مناسب نیستند. در مورد موضوع این بند که به نظر پولس دارای اهمیت است ر. ک روم <sup>۱:۵-۶</sup> تسا <sup>d. ۳:۳</sup>.

s- این جمله بلغی، اصطلاحی است که در فن کشتی رانی بکار می رود. ترجمه تحت اللفظی: زمان بادیانهای خود را پیچیده است. ترجمه بالا: وقت تنگ است به خوبی مفهوم آن را می رسانند. به هر صورت هریقدار مدتی که به باز آمدن مسیح باقی مانده باشد با برخاستن مسیح از میان مردگان جهان آینده از هم اکنون حاضر است.

t- در بندهای <sup>۲۹-۳۱</sup> که شیوه سخن بردازی بکار برده شده، پولس نه فقط توصیه می کند نیست به حقایق زندگی دنیوی بی اعتمنا باشند بلکه هوشیار بوده و مراقبت نمایند در این گرفتاریها غرق نشده، فرو نزوند زیرا حقایق اساسی در جای دیگری است.

اجام دهد؛ گناهی نمی‌کند: ازدواج کنند. <sup>۳۷</sup> اما آنکه در دل خود استوار است، اجباری ندارد بلکه در اراده، به اختیار خود تصمیم قلبی گرفته است [تا] دوشیزه خود را نگاه دارد، خوب خواهد کرد. <sup>۳۸</sup> لذا نیز آنکه دوشیزه خود را به عقد ازدواج درآورد خوب می‌کند، و آنکه به عقد ازدواج درنمی‌آورد بهتر خواهد کرد.

روم ۲:۷

<sup>۳۹</sup> یک زن تا موقعی که شوهرش زنده است به او پیوند دارد؛ ولی اگر شوهر بمیرد، او آزاد است با هر که می‌خواهد ازدواج نماید، ولی در خداوند<sup>۴۰</sup>. ولی به نظر من خوشبخت تر است اگر همان طور بماند؛ من هم فکر می‌کنم روح <sup>۲</sup> قرن ۷:۱۰ خدا را دارم.

[که] چگونه خوشایند خداوند باشد.  
[برعکس] آنکه ازدواج کرده، نگران امور جهان است، [که] چگونه خوشایند زنش باشد. <sup>۳۴</sup> و بدین سان بین دو امر مردد است<sup>۴۱</sup>. زنی که ازدواج نکرده و دوشیزه است نگران امور خداوند است تا در جسم و روح مقدس باشد<sup>۷</sup>، اما آنکه ازدواج کرده نگران امور جهان است و چگونه خوشایند شوهر باشد. <sup>۳۵</sup> اما این را برای نفع شما می‌گویم، نه اینکه دامی به روی شما بیندازم بلکه به منظور شایستگی و ملازمت خداوند، بدون تشییش<sup>۷</sup>.

<sup>۳۶</sup> با این همه اگر کسی تصوّر می‌کند که نسبت به دوشیزه خود<sup>۸</sup>، اگر از سن بلوغ می‌گذرد و باید چنین شود، به طرز مناسب رفتار نمی‌کند، آنچه می‌خواهد

۱۱- ترجمه تحت الفظی: تقسیم شده است. در نسخه خطی دیگر: ... در پی آن است خوشایند زن خود باشد... و بین زنی که ازدواج کرده است و یک دوشیزه تقاوی نیست. زنی که ازدواج نکرده در اندیشه امور خداوند است.

۷- منظور مقدس بودن اخلاقی نیست بلکه تمام وجود شخص، ائمّ از جسم یا روح در خدمت خداوند باشد.

۸- ترجمه تحت الفظی: به منظور آنچه شایسته را بایستی به مفهوم صفت تفضیلی: شایسته تر در کنمود.

۹- ترجمه دیگر: نامزد خود. در درک و تفسیر بندهای ۳۸-۳۶ این فصل اشکالی وجود دارد زیرا کلمه بونانی که دوشیزه ترجمه شده ممکن است به معنای مختلف دوشیزه، دختر، باکره، نامزد... گرفته شود. در بیشتر کلیساها طوری تفسیر می‌کنند که مربوط به پدری است و در درون وجود دختر خود فکر می‌کند آیا دختر خود را به شوهر بدهد یا خیر؟ در این صورت ترجمه بندهای مذکور چنین خواهد بود: <sup>۳۶</sup>- با این همه اگر کسی فکر می‌کند که در مورد دختر خود به طور شایسته رفتار نکرده، اگر دختر از سن بلوغ گذشته و وظیفه او ایجاب می‌نماید، آنچه می‌خواهد انجام دهد، گناهی نمی‌کند: ازدواج کنند. <sup>۳۷</sup>- ولی آنکه در دل خود تصمیم قاطع اتخاذ کرده، بدون هیچ بار و با داشتن اراده کامل، در اندرون دل خود تصمیم می‌گیرد دختر خود را نگاه دارد، این شخص خوب رفتار خواهد کرد. <sup>۳۸</sup>- بدین سان آنکه دختر خود را شوهر می‌دهد خوب می‌کند، و آنکه شوهر نمی‌دهد بهتر رفتار خواهد کرد.

ضمناً لازم به یادآوری است بعضی از دختران باکره، عفاف و پاکدامنی خود را تحت حکایت مرد موثق و مطمئنی قرار داده و با او در یک جا زندگی می‌کردنند که ابته این وضع، نزدیکی و صمیمیت خطرناکی ایجاد می‌کرد. بدین سبب بعضی از مفسران تصور کرده اند بندهای ۳۸-۳۶ مربوط به این وضعیت است در صورتی که این رسم به قرون بعدی است و نوشه های کلیسا وجود آن را در قرون بعدی گواهی می‌کند. در تفسیر بندهای مذکور ساده تر آنست که فکر کنیم پولس پس از سخن گفتن درباره همسران و درباره کسانی که بکر هستند و پیش از آنکه به موضوع بیوگان بپردازد در اینجا درباره کسانی سخن می‌گوید که در هنگام گرایش به مسیحیت نامزد بوده اند؛ و چون نامزدی طبعاً وضعيتی موقتی است با اصلی که سه بار تکرار کرده (بندهای ۱۷، ۲۰ و ۲۴) و گفته است: فرد مسیحی باید در همان وضعی بماند که به هنگام خواندن خدا بوده است تطبیق نمی‌کند. بدین سبب راه حلی را که رسول پیشنهاد می‌کند برطبق همان اصلی است که در بندهای ۸-۹ ذکر نموده است.

۱۰- ترجمه تحت الفظی: ولی فقط در خداوند. یعنی باید شوهری مسیحی بگیرد.

## گوشت‌های قربانی شده برای بُتان

八年

۱ اما در مورد قربانی های بُتان<sup>z</sup>

[این را] می دانیم که همگی دانش

داریم. [اما] دانش مغزور می کند<sup>a</sup>

در صورتی که محبت تهذیب می نماید.

۲ اگر کسی می پندارد که چیزی می داند،

هنوز چنان که باید بداند نمی داند؛<sup>b</sup> ۳ اما

اگر کسی به خدا محبت دارد، به وسیله او

شناخته شده است.<sup>c</sup>  
۹:۴ ۱۲:۱۳

۴ پس در مورد مصرف قربانی های بُتان،

می دانیم که بت در جهان به چیزی نیست و

خدایی جز یکی نیست.<sup>d</sup> و زیرا با اینکه چه

در آسمان و چه بر روی زمین هستند که

خدایان خوانده می شوند، چنانکه خدایان

بسیار و خداوندان بسیاری هستند.<sup>e</sup> ولی

برای ما یک خدا هست، پدری که همه چیز

[از او می آید] و ما برای او [هستیم] و یک خداوند، یسوع مسیح، که همه چیز و ما، توسط او.<sup>c</sup>

اما همگی دانش ندارند. بعضی‌ها بنا<sup>۷</sup> به عادت به بُت<sup>d</sup>، هنوز زیرا قربانی<sup>e</sup> را می خورند و چون وجود انسان ضعیف است آلوهه گردیده است.<sup>f</sup> اما خوراک ما را به عبر<sup>۹:۱۳</sup> خدا نزدیک نخواهد کرد.<sup>f</sup> و نه اگر نخوریم چیزی کم داریم، و نه اگر بخوریم افزوده می شویم.<sup>g</sup> اما مواطن باشید مبادا که این حق شما به طوری وسیله لغزش ناتوانان بشود.<sup>۱۰</sup> زیرا اگر کسی تورا که دانش داری ببیند در معبد بُتان [بر سفره ای]<sup>۱۱</sup> نشسته ای، آیا او که وجود انسان ناتوان دارد در مورد خوردن قربانی های بُتان تهذیب خواهد شد؟<sup>h</sup> زیرا به سبب دانش تو

۷- این گوشت اضافی بود که در مراسم برستش بت پرستان بکار برده نشد و در بازار به فروش می رسید (۲۵:۱۰) یا اینکه در مؤسسه مربوط به معبد مصرف می شد (۸:۱۰). قرنیان تردید داشتند آیا می توانند این گوشت‌ها را خریده و بخورند بدون اینکه در گناه بت پرستی شرکت کرده باشند. وقتی این سوال را از پولس کرده بودند به طوری که در فصلهای ۱۴-۱۵ نامه به رومیان ذکر شده پاسخ می دهد: فرد مسیحی آزاد است ولی مروت و نوع دوستی ایجاب می کند نظریات کسانی را که در امور مذهبی دقیق و موشکاف هستند رعایت کرده و آنان را دچار لغزش نکند. لازم به یادآوری است پولس به تصمیمی که در کلیسا اورشلیم گرفته شده و در اع ۲۸:۱۵-۲۹ آمده است اشاره نمی نماید.

۸- منظور دانشی است که در خدمت احسان و نوع دوستی نباشد و گرنه دانش موهبتی الهی بشمار می رود (۸:۱۲).

۹- البته منظور خدایان و رب النوع ها و قهرمانان اساطیر مشرکان است و پولس در آنها واقعیت ها و اصول ارواح ناپاک و دیوان را می بیند (۱۰:۲۱-۲۰).

۱۰- در من یونانی این عبارات غالباً فعل حذف شده است ولی در ترجمه برای سهولت در ک مطلب فعل اضافه شده است. جمله دومی را می توان چنین درک کرد: و یک خداوند، یسوع مسیح که به وسیله او همه چیز به وجود می آید و به وسیله او ما [به سوی پدر] می رویم. در اینجا نظیر کول ۱۵:۱-۲۰ مسیح به طوری ارائه می شود که سابق بر خلت جهان و آفریننده آن است.

۱۱- ترجمه تحت الفظی: به سبب عادت تاکنون به بت. در نسخه دیگری: بعضی‌ها تاکنون با وجودان بُت (یعنی با اعتقاد به اینکه باز هم اکنون در بت پرستی شرکت نمایند).

۱۲- ترجمه تحت الفظی: می خورند به عنوان گوشت‌های قربانی شده.

۱۳- ترجمه دیگر: یک خوراک نیست که ما را در برابر خدا حاضر خواهد کرد (که البته مستتر است: در روز داوری).

۱۴- ترجمه دیگر: اگر از آن نخوریم چیزی کم نداریم و اگر از آن بخوریم چیزی بدست نمی آوریم.

۱۵- ترجمه تحت الفظی: آیا وجودان او، آنکه ناتوان است طوری ساخته نخواهد شد که گوشت‌های قربانی شده را بخورد؟ در اینجا و در بند بعدی در برابر رفتار کسانی که فکر می کنند وجود ناتوانان را می سازند (تهذیب می کنند) سخنان پولس مسخره‌آمیز و نیشدار است زیرا این افراد وجود ناتوانان را جریحه دار می سازند (بند ۱۲).

نکنیم؟<sup>۷</sup> کیست، هرگز به هزینه خود خدمت نظامی کند؟ چه کسی تاکستانی می‌کارد و میوه آن را نمی‌خورد؟ یا اینکه چه کسی گله‌ای را می‌چراند و از شیر آن گله نمی‌خورد؟<sup>۸</sup> آیا اینها را که می‌گوییم برطبق روش انسانی است؟ یا اینکه قانون [تورات] اینها را نمی‌گوید؟<sup>۹</sup> زیرا در قانون موسی نوشته شده است: گاوی را که خرمن می‌کوید پوزه بند نخواهی زد.<sup>۱۰</sup> آیا خدا در اندیشه گاوان است؟<sup>۱۱</sup> یا اینکه مطلقاً به خاطر ما سخن می‌گوید؟ زیرا به خاطر ما نوشته شده است تا آنکه شخم می‌زند با امید شخم بزنند و خرمن کوب با امید به اینکه سهم خود را برگیرد.<sup>۱۲</sup> اگر برای شما [نعمت‌های]<sup>۱۳</sup> روحی کاشته‌ایم، آیا زیاده است از شما [نعمت‌های] جسمانی درو کنیم؟<sup>۱۴</sup> اگر دیگران در چنین حقی بر شما شریکند، آیا ما بیشتر نداریم؟ ولی ما از آن حق استفاده نکرده‌ایم؛ بلکه همه چیز را تحمل می‌کنیم تا مانعی در راه انجیل مسیح نگذاریم.

آیا نمی‌دانید آنانکه در آداب نیایشی<sup>۱۵</sup> تث-۱:۱۸ معبد خدمت می‌کنند [از آنچه از معبد

آنکه ناتوان است گمراه می‌شود، برادری که مسیح به خاطر او مرده است!<sup>۱۶</sup> و این چنین گناه کردن علیه برادران و جریحه دار کردن وجدان آنها که ناتوان است [این]<sup>۱۷</sup> علیه مسیح است که گناه می‌کنید.<sup>۱۸</sup> بدین سان اگر خوراکی برادرم<sup>۱</sup> را دچار لغزش کند تا ابد گوشت نخواهم خورد تا روم ۲۱-۲۰:۱۴ اینکه برادرم را به لغزش نیندازم.

## پولس از حقوق خود صرف نظر کرده است

**۹** <sup>۸:۱۵</sup> مگر من آزاد نیستم؟<sup>۱</sup> مگر رسول نیستم؟ مگر یسوع ، خداوندeman را ندیده‌ام؟ آیا شما عمل من در خداوند نیستید؟<sup>۲</sup> اگر برای دیگران رسول نیستم، لاقل برای شما هستم؛ زیرا مهر<sup>k</sup> رسالت من، شما در خداوند هستید.<sup>۳</sup> دفاع من در برابر کسانی که مرا داوری می‌کنند این است:<sup>۴</sup> آیا اجازه خوردن و آشامیدن<sup>m</sup> نداریم؟<sup>۵</sup> آیا حق نداریم یک خواهر<sup>n</sup> [دینی]<sup>۶</sup> یک زن را به مانند رسولان دیگر و برادران خداوند و کیفا به همراه ببریم؟<sup>۶</sup> یا اینکه، فقط من و بارنا به<sup>۷</sup> حق نداریم کار

- با عمل کردن برضد وجدان خود که خوردن گوشت‌های قربانی شده را منع می‌نماید مرتكب گناه می‌شود.  
- پولس خود را به عنوان نمونه و سرمشق ارائه و دستور می‌دهد که طرز رفتار توانمندان نسبت به ناتوانان چگونه باشد. در مورد اعلام انجیل از حقوق خود صرف نظر کرده است: با اینکه نسبت به همه آزاد همه کرده‌ام (۱۹:۹). امّا با ذکر این نکته به هیجان درآمده و مطلب به شکل اخراج از موضوع درآمده است (۲۳-۱:۹).

- k مهر کردن معمولاً برای گواهی صحت و اعتبار مدرکی می‌باشد؛ چنانکه وجود جمعیت مسیحیان قرنت دال برآنست که پولس وظيفة رسالت خود را به خوبی انجام داده است.

- l در این جمله مستتر است: به هزینه شما.

- m ترجمه تحت الفظی: یک زن خواهر. همچنین باید در ک نمود: و از شما بخواهم وسائل زندگی او را فراهم کنید. بعضی فکر می‌کنند منظور همیزان اشخاصی هستند که ذکر شده است: همچنین ممکن است زنان مسیحی باشند که فرستادگان مسیح را یاری می‌کردند، چنانکه برطبق لو ۸:۲-۳ زنانی به همراه یسوع بوده و به او کمک می‌کردند. در مورد مأموریت و فعالیت کیفای (یعنی پطرس) و همچنین برادران خداوند اطلاعات دقیق تری نداریم.

- n در مورد بارنا به ر. ک اع ۳۶-۲۶:۱۱؛ ۲۶-۲۵:۱۱؛ ۱۴:۱۳؛ ۳۶:۱۵-۳۹.

- o تث ۴:۲۵.

آورم.<sup>۲۰</sup> و برای یهودیان مثل یک یهودی شده‌ام، تا یهودیان را بدست آورم؛ به تابعان قانون مثل تابع قانون شده‌ام، با اینکه خودم تابع قانون نیستم، تا تابعان قانون را بدست آورم.<sup>۲۱</sup> با بی قانون<sup>۷</sup> مثل بی قانون شدم با اینکه بی قانون خدا نیستم روم ۱:۱۴<sup>۱:۱۵</sup> بلکه تحت قانون مسیح هستم<sup>۷</sup>، تا اینکه بی قانونان را بدست آورم.<sup>۲۲</sup> با ناتوانان، ناتوان شده‌ام تا ناتوانان را بدست آورم، برای همگان خود را همه گونه کرده‌ام تا به هرگونه تعدادی را نجات دهم.<sup>۲۳</sup> اما تمام اینها را به خاطر انجیل کرده‌ام تا در آن سهیم باشم.

### اضباط ورزشکاران

آیا نمی‌دانید تمام آنان که در میدان می‌دوند، حقیقتاً همگی می‌دوند اما یکی جایزه را می‌برد.<sup>w</sup> پس شما هم بدوید تا بدست آورید.<sup>۲۵</sup> و هر که تلاش می‌کند [در ورزش] از همه چیز خودداری می‌کند؛

است] تغذیه می‌نمایند، آنانکه به [امور] قربانگاه می‌پردازند از قربانگاه سهم می‌گیرند؟<sup>۱۴</sup> بدین گونه خداوند هم به اعلام کنندگان انجیل دستور داده است از انجیل امرار معاش نمایند.<sup>p</sup><sup>۱۵</sup> اما من از هیچ یک از اینها استفاده نکرده‌ام، و اینها را نمی‌نویسم تا در مورد من چنین باشد!<sup>۹</sup> ۱۰:۱۱ زیرا برای من ترجیحاً بهتر است بمیرم<sup>r</sup> تا اینکه... پس این سرفرازی مرا هیچ کس بی ارزش نخواهد کرد.<sup>۱۶</sup> زیرا اگر نوید می‌دهم، سرافرازی نیست؛ زیرا ضرورتی است که بر من تحمیل شده است. زیرا، وا! بر من است اگر نوید ندهم!<sup>۷</sup> زیرا افس ۲:۳ اگر به میل خودم این را انجام می‌دادم، مزدی می‌داشتم، اما اگر برخلاف میل من است، وظیفه ای<sup>s</sup> به من سپرده شده است.<sup>۱۸</sup> پس مُزد من چیست؟ اینست که با نوید دادن به رایگان<sup>t</sup> انجیل را ارائه کنم.<sup>tt</sup> ۱۹ زیرا با اینکه نسبت به همه آزادم، خود را برده همه کرده‌ام، تا بسیاری را بدست

p- ر.ک لو ۷:۱۰. یکی از موارد نادری (با ۷:۱۱-۱۰ و ۲۳:۱۱ و ۲۵-۲۳:۱۱) که در آن پولس صریحاً به یکی از سخنان یسوع استناد می‌کند.

q- ترجمه تحت الفظی: این را نمی‌نویسم تا در مورد من چنین باشد.

r- ترجمه تحت الفظی: زیرا برای من بهتر خواهد بود که بمیرم از اینکه... عبارت قطع شده است.

s- کلمه یونانی که وظیفه ترجمه شده است که می‌توان کارپردازی یا ناظر نامید (ر.ک ۴:۱). این شخص برده‌ای بود که در مقابل آنجهه اجباراً انجام می‌داد فردی دریافت نمی‌کرد در صورتی که یک فرد آزاد می‌توانست کار را قبول کرده، یا نپذیرد و در برای انجام کار پاداشی مطالبه نماید.

t- توجه کنید که عبارات متصادی تعمیداً بکار رفته است: «مزد من چیست؟ اینکه مزدی نگیرم.»

tt- در سایر نسخه ها، عباراتی اضافه دارد.

u- منظور از بی قانونان مشترکانی هستند که هیچ گونه قانونی که خدا اظهار کرده است ندارند.

v- به معنایی که در ۱:۱۱ و غلا ۲۰:۲ آمده است.

w- کلماتی که در این قسمت از نامه (بندهای ۲۴-۲۷) بکار رفته اکثراً اصطلاحات ورزشی است؛ شاید بدین سبب که هر دو سال یک بار در فصل بهار مسابقه های ورزشی در ناجهه بزرخ قرنت انجام می‌گردید. این قسمت کاملاً مربوط به گوشت های قربانی شده برای بتان است. پولس می‌گوید به همان گونه که در مسابقه های ورزشی، دوندگان خود را از هرچیز محروم می‌کنند تا جایزه مسابقه را ببرند، اشخاص توانمند هم باید با رحم و شفقت حقوق خود را فدا کنند تا اجر و پاداش آسمانی دریافت نمایند.

دریا<sup>b</sup>، در موسی تعمید یافته‌اند<sup>c</sup>،<sup>۳</sup> و همگی همان خوراک روحی را خورده‌اند<sup>۴</sup> و همگی همان نوشابه روحی<sup>d</sup> را آشامیده‌اند؛ زیرا از یک صخره روحی که به همراه ایشان می‌آمد<sup>e</sup> می‌آشامیدند، و عرب<sup>f</sup>:<sup>۱۷:۳</sup> اما اینها این صخره مسیح بود.<sup>۵</sup> ولی از بیشتر<sup>یهو<sup>۵</sup></sup> ایشان خدا خشنود نبود، زیرا در بیابان انداخته شدند.<sup>۶</sup> و این امور برای ما نمونه‌ها شد<sup>g</sup> تا ما خواستار بدی‌ها نباشیم چنانکه آنان خواستار بودند.<sup>۷</sup> و نه به مانند بعضی از آنان بُت پرست.<sup>۱: یو:۵: ۲۱</sup>

شوید چنانکه نوشته شده است: قوم برای خوردن و برای آشامیدن نشست و برای تفریح برخاستند.<sup>h</sup> بی‌عفتن نکنیم چنانکه بعضی از ایشان بی‌عفتنی کردند و

اما اینان برای آنکه تاجی فناپذیر دریافت نمایند، اما ما برای یک [تاج] فناپذیر.<sup>۱: یع:۱: ۱۲</sup> پس من بدین گونه می‌دوم، نه چون بدون مقصد؛ بدینسان مُشت زنی می‌کنم،<sup>۴: ۱-پطر:۵</sup> بدین چون [کسی که] به هوا مُشت بزند.<sup>۲۷</sup> اما بدن خود را فرسوده می‌کنم<sup>x</sup> و آن را در مهار نگه می‌دارم<sup>y</sup> مباداً پس از آنکه برای دیگران اعلام کننده بودم<sup>z</sup> خودم برکنار شوم.

## غونه اسرائیل در صحراء

**۱۰** روم ۱: ۱۳<sup>۱</sup> <sup>۱</sup>زیرا ای برادران<sup>a</sup>، نمی‌خواهم که شما بی‌خبر باشید؛ که پدران ما همگی زیر [سایه]<sup>b</sup> ابر بودند و همگی از دریا عبور کردند،<sup>۲</sup> و همگی در ابر و در

X- عبارتی که در اینجا بکار رفته اصطلاحی فنی در مسابقه مُشت زنی است. ترجمه تحت الفظی: من می‌زنم بدنم را زیر چشمان.  
Y- ترجمه تحت الفظی: من اسیر می‌کشم. همچنانکه در مسابقه مُشت زنی و گشتن گرفتن کسی را که شکست خورده بود آنکه پیروز شده بود به روی زمین می‌کشد.

Z- ترجمه تحت الفظی: چنانکه مأمور اعلام، نتیجه بازیهای ورزشی را اعلام می‌کند.  
a- توضیحات بندهای ۱-۳-۱ مستقیماً مربوط به کلمه «برکنار شوم» است که در پایان فصل قبلی آمده است زیرا خطر برکنار شدن وجود دارد و کافی است که تاریخ اسرائیل ملاحظه شود ولی بولس مخصوصاً می‌خواهد با مثالی از سفر خروج به قدر تمدن ای از فصل ۸ ذکر شده است خطرهای تکبر و پرمدعایی را نشان دهد.

b- موسی تصویر مسیح است. ابر (خروج ۲۱: ۱۳) و عبور از دریای احمر (خروج ۲۲: ۱۴) تصاویر تعمید مسیحی هستند. بدین سبب اصطلاح تعمید یافتن در موسی از روی تعمید یافتن در مسیح گرفته برداری شده است.

c- در نسخه‌های دیگری: خود را تعمید دادند. (برطبق رسوم یهودیان، فرد ایماندار شخصاً در آب فرو می‌رفت).

d- پس از تصاویر تعمید، در اینجا تصویر مائده آسمانی (خروج ۴: ۱۶) و آبی که از صخره فوران می‌کند (خروج ۵: ۱۷-۱۷: ۵)، تصاویر آیین سپاسگزاری هستند. این خوراک و این نوشابه، روحی نامیده شده زیرا تصویرهای آیین سپاسگزاری بوده، مسیح بوسیله آنها به آدمیان وجود روحی خود را عطا می‌نماید. در این تصاویر، از هم‌اکنون آنکه اعلام می‌شود به نوعی وجود دارد: بدین سبب قبلاً صخره مسیح بود. بولس از خوانندگان دعوت می‌کند محاط و فروتن باشد؛ زیرا عربیان بیانند ایشان از همین عطا‌ایا بطریق مجازی بهره‌مند شده‌اند؛ که عبارت از تعمید و آیین سپاسگزاری است با این همه طرد شده‌اند (ر.ک ۱۱: ۲۲).

e- بولس از یکی از روایات کاهنان الهام گرفته است که برطبق آن صخره اعد ۲۰ بدنبال اسرائیل می‌آمد.  
f- اعد ۱۴: ۱۶.

g- این قسمت متنضمّن دو تصویر از نوع نوشته‌های عهد عتیق است. وقایعی که ذکر شده جنبه‌هایی از راز مسیحیت را نشان می‌دهند (بندهای ۱-۴)، از وسی دیگر رفتارهایی را به عنوان نمونه ارائه می‌نماید که نباید از آنها تقلید کرد و به عنوان هشدار ذکر گردیده است (بندهای ۶-۱۱).

h- خروج ۳۲: ۶. ترجمه تحت الفظی: بازی کنند. ولی به طوری که برمی‌آید به مفهوم پرداختن به کارهای ناشایست است.

بُت پرستی بگریزید.<sup>۱۵</sup> [به شما] همچون  
به خردمندان سخن می‌گوییم؛ خودتان آنچه  
را می‌گوییم داوری کنید.<sup>۱۶</sup> جام تبرسکی را  
که برکت می‌دهیم<sup>۱۷</sup> آیا همرائی به خون  
مسیح نیست؟ نانی را که تگه می‌کنیم آیا  
همرائی به جسم مسیح نیست؟<sup>۱۸</sup> چون  
[فقط] یک نان، [پس] ما یک جسم در لاؤ<sup>۱۹</sup>  
تعداد زیادی هستیم<sup>۲۰</sup>، زیرا همگی در  
همین یک نان شرکت می‌کنیم.<sup>۲۱</sup>  
اسرائیل را برابر طبق جسم [تن]<sup>۲۲</sup> ملاحظه  
کنید!<sup>۲۳</sup> مگر آنان که قربانی را می‌خورند  
در همرائی با قربانگاه نیستند!<sup>۲۴</sup> پس چه مز<sup>۲۵</sup>  
۳۶:۳۶-۳۷ در همرائی با کیمی گوشت قربانی شده چیزی  
می‌گوییم؟ که اینکه بُت چیزی است?<sup>۲۶</sup> اما  
است؟ یا اینکه بُت چیزی است؟<sup>۲۷</sup> اما  
آنچه را قربانی می‌کنند<sup>۲۸</sup> برای دیوها و نه  
برای خدا [قربانی می‌کنند]. باری،  
نمی‌خواهم که شما با دیوان در همرائی  
۱۵:۶-۱۶ قرن باشید.<sup>۲۹</sup> شما نمی‌توانید [هم] جام  
خداوند را بیاشامید و [هم] جام دیوها را.  
شما نمی‌توانید [هم] در سفرهٔ خداوند<sup>۳۰</sup> تیمو<sup>۳۱</sup>  
۴-۳:۴

[فقط] در یک روز بیست سه هزار نفر به خاک افتادند.<sup>۹</sup> خداوند را هم به آزمایش نگذاریم چنانکه بعضی از آنان آزمایش کردند و به وسیله مارها هلاک شدند.<sup>۱۰</sup> غرغر نکنید، چنانکه بعضی از ایشان غرغر کردند و به وسیله نابود کننده<sup>۱</sup> به عبر<sup>۱۱</sup> هلاکت رسیدند.<sup>۱۲</sup> و این امور نمونه بر ایشان روی داد و به خاطر آموزش ما نوشته شده اند که به پایان دورانها می رسمیم.<sup>۱۳</sup> بدین سان آنکه خود را ایستاده می پندارد مراقب باشد به خاک نیفتند.<sup>۱۴</sup> آزمایشی بر شما نرسیده به جز آنکه بشري است<sup>m</sup>. اما خدا و فدادار است: اجازه نخواهد داد فراتر از آنچه می توانید به آزمایش درآئید، بلکه با آزمایش نیز وسیله اي فراهم می کند که از آن بیرون  
۱- پطر<sup>۴</sup>: ۷- متن موافق<sup>۴</sup>: ۷- قرن<sup>۱</sup>: ۱- تسا<sup>۵</sup>: ۲- تسا<sup>۳</sup>: ۲- عبر<sup>۱۰</sup>: ۱- بطر<sup>۳</sup>: ۱- پطر<sup>۴</sup>: ۷- روم<sup>۱۶</sup>: ۲- غلام<sup>۱</sup>: ۱- قرن<sup>۱</sup>: ۱- تسا<sup>۴</sup>: ۱- تسا<sup>۳</sup>: ۲- عبر<sup>۹</sup>: ۱- بطر<sup>۲</sup>: ۲- آئید تا بتوانید تحمل کنید.

## با دیوها هم رائی مکنید

۱۴ بدین سبب ای محبوبان من، از

- ۱- اشاره به اعد ۲۵:۹ که تعداد تلفات را ۲۴۰۰ ذکر کرده است.

۲- در بعضی از نسخه های خطی؛ مسیح.

۳- اعد ۶:۵-۲:۱

۴- فرشته مرگ، فرشته ای است که مأمور اجرای کفرهایی است که خدا مقرر می کند. نام فرشته مرگ در خروج ۲۳:۱۲ ذکر شده در مورد مرگ نخستین زاده های مصریان ولی در روایت اعد ۱۵:۶-۷ ذکر نگردیده است.

۵- جام تبرک را برکت دادن. ظاهراً تکرار بیهوده کلمه ای است که در فن کلام حشو قبیح می نامند ولی در اینجا می توان توضیح داد: بدین معنی که جام تبرک اصطلاح مخصوصی در آیین مذهبی بهودیان در هنگام صرف غذای عید گذر بوده است و برکت می دهیم از کلمات سپاسگزاری است که بیسوع بیان کرده است. (ر. ک مر ۲۳:۱۴ و موارد مشابه در انبیاء‌ای دیگر).

۶- ترجمه تحت الفظی: ما که تعداد زیادی هستیم.

۷- ترجمه دیگر: زیرا همگی یک نان هستیم، یک جسم. استدلالی که در بندهای بعدی می شود در صورتی مناسب و بجا است که اصطلاح یک جسم به مفهوم یک جسم واحد با سیمیح درگ چنانکه در ۱۶:۶ و در ۱۷:۶ کلمه [با او] مستتر است.

۸- در همراهی با جسم مسیح، مسیحیان در جسم واحد مسیح یکی هستند. لازم به یادآوری است در توضیح نظریات و افکار مذهبی بولس، ارتباط بین شام آخرین بیسوع و وحدت کلیسا به طریق مختلفی تعبیر و درک می شود.

۹- ترجمه دیگر: پسران اسرائیل را ملاحظه کنید (ر. ک روم ۴:۹، برادران من، آنانکه از نظر جسم از نژاد منند) که غیر از اسرائیل خدا است (ر. ک غالیا ۶:۱۶). (d)

۱۰- ترجمه تحت الفظی: اما ایشان قربانی شده یا بُت ارزشی دارند؟

۱۱- ترجمه دیگر: اما ایشان قربانی می کنند... (در بعضی نسخه ها: اما مشرکان قربانی می کنند....).

به وسیلهٔ وجودان دیگری داوری شود؟  
 ۱۳۰ اگر با سپاسگزاری سهم خود را  
 برمی‌گیرم، چرا برای آنچه من سپاسگزاری  
 می‌کنم بر من افترا زنند؟<sup>X</sup> ۳۱ پس اگر  
 می‌خورید یا اینکه می‌آشامید و هرچه  
 می‌کنید، همه را برای شکوه خدا بکنید.  
 ۳۲ و برای یهودیان، و یونانیان و برای  
 کلیسا‌ای خدا موجب لغزش نباشد. ۳۳ به  
 مانند من نیز [باشید] که در همه مورد در  
 [پی] خوشایند [همگان هستم]، نه در پی  
 سود خود، بلکه [در پی سود] تعداد زیادی  
 تأثیرات یابند.

فی: ۱۷:۳، ۲ تسا: ۷:۳، ۲

**۱۱** <sup>۱</sup>پیروی کنندگان لا من شوید چنان  
 که من هم از مسیح هستم.

مرد و زن در برابر خداوند  
 ۱۵:۲ تسا: ۲-۲ و شما را ستایش می‌کنم که در همه  
 مورد به یاد من هستید و سنت‌ها را به طوری افس: ۱۵:۴  
 که به شما ابلاغ کرده‌ام حفظ می‌کنید. ۳ با افس: ۲۳:۵  
 این همه می‌خواهم بدانید که: سرِ هر مرد  
 مسیح است؛ و سرِ زن، مرد است؛ و سرِ

شرکت کنید و [هم] در سفرهٔ دیوها. ۲۲ یا  
 ملا: ۱۲، ۷:۱ اینکه می‌خواهیم رشك خداوند<sup>۱۱</sup> را  
 برانگیزیم؟ آیا تواناتر از او هستیم؟

### همه چیز برای شکوه خدا

۱۲:۶ ۲۳ «همه چیز مجاز است»<sup>۷</sup> ولی همه چیز  
 روم: ۱۹:۱۴ تهذیب نمی‌کند.<sup>۷۷</sup> ۲۴ هیچ کس در بی  
 [سود] خودش نباشد، بلکه [در پی سود]  
 دیگری. ۲۵ هر آنچه در بازار فروخته  
 می‌شود، بخورید بدون اینکه هیچ مسئله‌ای  
 به سبب وجودان داشته باشد؛<sup>۲۶</sup> زیرا زمین  
 و محتوای آن از آن خداوند است.<sup>۷</sup> ۲۷ اگر  
 کسی از بین بی‌ایمانان شما را دعوت  
 می‌کند و می‌خواهد [به آنجا] بروید،  
 هرچه در آنجا دارند بخورید بدون اینکه  
 هیچ مسئله‌ای از نظر وجودان باشد.<sup>۲۸</sup> ولی  
 روم: ۱۵-۱۴:۱۴ اگر کسی به شما بگوید: «این را در قربانی  
 ذبح کرده‌اند»، به خاطر کسی که به شما  
 تذکر داده و [به سبب] وجودان از آن  
 روم: ۱۴:۳، ۳:۷، ۲۹ اما وجودان که می‌گوییم  
 [وجودان] خودتان نیست بلکه آن دیگری  
 است؛ زیرا که به چه دلیل آزادی من

۱۱- در نوشته‌های عهد عتیق رشك عبارت از خشم خدا است که بتان را پرستش می‌کنند. (تث ۲۱، ۱۶:۳۲ وغیره.)

۷- ر.ک. ۲۱۲:۶ .۸-

۷۷- در سایر نسخه‌ها، ابتدای این آیه حاوی عبارتی بیشتر است.

۱:۲۴- W

W- مز ۲۴

در برخی نسخه‌ها، عباراتی افرون دارد.

X- بعضی از مفسران می‌پنداشند که آخر بند ۲۹ و بند ۳۰ اعتراضی است که نسبت به پولس کرده بودند و به آن پاسخ نمی‌دهند؛ ولی بهتر است تصور نمود که بین دو عبارت بند ۲۹ نکته‌ای بینی شرح مستتر است: «بین گوئه با مروت و احسان رفتار کنید و نه اینکه خود را تابع داوری کس دیگری نمایید زیرا به چه دلیل آزادی من...». مفسران دیگری چنین استنباط می‌کنند که پولس از قدرتمندان درخواست می‌نماید اجتناب کنند از اینکه مورد داوریهای نامساعد (بند ۲۹) و سرزنشهایی (بند ۳۰) از جانب ناتوانایان قرار گیرند.

Y- ترجمهٔ دیگر: تقليد کنندگان... ر.ک. ۱۶:۴ X.

آیا شایسته است زنی با سر برهنه به خدا نیایش کند؟<sup>۱۴</sup> آیا خود طبیعت به شما نمی‌آموزد که حقیقتاً مرد اگر گیسو بلند باشد برایش شرم آور است؟<sup>۱۵</sup> ولی اگر زنی گیسوی بلند دارد برایش شکوهی است زیرا برای پوشش [به او] داده شده است.<sup>۱۶</sup> اما اگر کسی خود را ستیزه جو می‌شمارد، به هر باره نه ما چنین رسومی داریم، نه کلیساهای خدا.

### شام خداوند

<sup>۱۷</sup> و چون به توصیه می‌پردازم، شما را ستایش نمی‌کنم از اینکه نه برای بهتر بلکه برای بدتر [وضعی]<sup>a</sup> گرد هم می‌آئید.  
<sup>۱۸</sup> زیرا بدوان و قتنی در کلیسا به گرد هم می‌آئید، می‌شنوم در بین شما تفرقه هائی هست و تا حدی باور می‌کنم.<sup>۱۹</sup> زیرا باید هم در بین شما انشعاباتی هم باشد تا آنان که نیز آزمایش خود را داده اند در بین شما به خوبی دیده شوند.<sup>b</sup> <sup>۲۰</sup> پس موقعی که در یک محل به دور هم گرد می‌آئید برای خوردن شام خداوند نیست.<sup>۲۱</sup> زیرا هر کس

مسیح خدا است.<sup>۴</sup> هر مردی که با سر<sup>z</sup> پوشیده دعا می‌کند یا پیامبری می‌نماید سر<sup>z</sup> خود را بی اعتبار می‌کند.<sup>۵</sup> و هر زنی که با سر<sup>z</sup> برهنه دعا می‌کند یا پیامبری می‌نماید، سر<sup>z</sup> خود را بی اعتبار می‌کند؛ زیرا چنان است که [سر]<sup>c</sup> تراشیده باشد.<sup>d</sup> زیرا اگر زنی نیز سر<sup>z</sup> خود را نپوشاند پس سر<sup>z</sup> خود را هم بتراشد!<sup>e</sup> با این همه اگر برای زنی شرم آور است که موهای خود را کوتاه کرده یا بتراشد، پس سر<sup>z</sup> خود را بپوشاند!<sup>f</sup> اما حقیقتاً مرد نباید سر<sup>z</sup> خود را بپوشاند، پید: ۲۷:۱؛ ۱:۵ [زیرا] تصویر و شکوه خدا است؛ وزن شکوه مرد است.<sup>۸</sup> زیرا مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است؛<sup>۹</sup> و همچنین مرد برای زن آفریده نشده است بلکه زن برای مرد.<sup>۱۰</sup> بدین سبب زن باید بر روی سر اقتداری<sup>۱۱</sup> داشته باشد، به خاطر فرشتگان.<sup>b</sup>  
<sup>۱۱</sup> بنابراین در خداوند<sup>c</sup> نه زنی بدون مرد و نه مردی بدون زن.<sup>۱۲</sup> زیرا به همان گونه که زن از مرد می‌آید به همان گونه نیز مرد به وسیله زن<sup>c</sup>:<sup>cc</sup> و همگی از خدا [هستند].<sup>۱۳</sup> خودتان داوری کنید،

Z- در تمام این قسمت (بندهای ۱۶-۱) پولس کلمه یونانی را که هم معنی سرو هم معنی رئیس است به صورت جناس و به مفهوم دوپهلو بکار برده است. به هر صورت نظر پولس مبهم است و استدلالهایی که می‌کند بر مبنای رسوم و عادات دوران او است.

a- ترجمه دیگر: باید بر روی سر خود یک نشانه اقتدار بپوشد. کلمه یونانی را که اقتدار ترجمه می‌شود، مدت‌ها به مفهوم اقداری تفسیر می‌کردند که شوهر نسبت به زن خود اعمال می‌نماید. باری در نوشته‌های عهد جدید این کلمه یونانی هرگز به معنی قدرت و تسليطی نیامده است که کسی تحمل نماید بلکه قدرتی است که کسی اعمال می‌کند (اکنون در مورد شاگردان یسوع، قدرتی است که بوسیله خدا یا مسیح به ایشان تفویض می‌گردد). گرچه منظور واقعی و عملی اندزهای پولس مبهم و نامعلوم است باید گفت که پولس از زنان قرنت دعوت می‌کند لباسی بپوشند که شایسته فعالیت آنان در جمعیت مسیحیان باشد (نیایش، پیامبری).

b- در تث: ۱۵:۱، حضور خدا در میان اردوی اسرائیلیان ایجاب کرده است توصیه شود آراستگی و ادب رعایت گردد. در نوشته‌هایی که از قمران بدست آمده است مشاهده می‌شود برای حفظ احترام به مقام والای الوهیت بجای خدا، فرشتگان ذکر گردیده است. در اینجا هم شاید همین رویه را بکار برده است.

c- ترجمه دیگر: بنابراین در برابر خداوند...  
 cc- زن از مرد می‌آید (ر. ک پید: ۲۲، ۲۱:۲)، به همان گونه مرد بوسیله زن زائیده می‌شود.

d- ترجمه تحت الفظی: تا آنانکه آزمایش شده اند ظاهر شوند.

<sup>۲۷</sup> بدین سان کسی که نان را می خورد یا جام خداوند را ناشایست می آشامد <sup>۶:۶؛ عبر:۲۹:۱۰</sup>

<sup>۵:۱۳؛ ۲</sup> نسبت به جسم و خون خداوند مجرم خواهد بود. <sup>۲۸</sup> اما انسان خود را آزمایش کرده و سپس از این نان بخورد و از این جام بیاشامد. <sup>۲۹</sup> زیرا آنکه می خورد و می آشامد اگر جسم <sup>k</sup> را تشخیص نمی دهد محکومیت خود را می خورد و می آشامد.

<sup>۳۰</sup> بدین سبب در بین شما بسیاری بیمار و علیل هستند و تعدادی زیاد مرده اند. <sup>روم:۱۴:۲۲</sup>

<sup>۳۱</sup> اگر ما خودمان را آزمایش کنیم داوری نخواهیم شد. <sup>۳۲</sup> ما که به وسیله خداوند داوری شده ایم، تعلیم یافته ایم تا با دنیا محکوم نشویم. <sup>۳۳</sup> بنابر این ای برادران، وقتی که برای خوردن به گرد هم می آئید منتظر یکدیگر باشید. <sup>۳۴</sup> اگر کسی گرسنه است در خانه بخورد تا برای محکومیت به گرد هم نیائید و اما چیزهای دیگر را هنگامی که بیایم ترتیب خواهم داد.

قبل<sup>e</sup> شام خودش را می خورد<sup>e</sup> و حقیقتاً یکی گرسنه است و دیگری سرمست<sup>f</sup>. <sup>۲۲</sup> زیرا مگر خانه هائی برای خوردن و آشامیدن ندارید؟ یا اینکه کلیسا<sup>g</sup> خدا را تحقیر می کنید و [می خواهید] آنان را که چیزی ندارند شرمنده کنید؟ به شما چه بگویم؟ آیا در این مورد شما را ستایش کنم؟ ستایش نمی کنم.

<sup>۲۳</sup> زیرا من آنچه را از خداوند دریافت کردم<sup>g</sup> نیز آن را به شما ابلاغ کردم. <sup>۲۴</sup> خداوند بیسوع در شبی که تسلیم کرده شد نان را برگرفت. و شکر کرده تگه نمود و گفت: این جسم من برای شما است.<sup>i</sup> این را به یاد من بکنید.<sup>j</sup> و همچنین خروج: <sup>۸:۲۴؛ آرچ:۳۱:۳؛ زک:۱۱:۹</sup> گفت: این جام پیمان جدید در خون من است. هر بار که بنوشید به یاد من این کار را بکنید. <sup>۲۶</sup> زیرا هر بار که این نان مت: <sup>۲۰:۲۶؛ مکا:۲۰:۲۲</sup> را می خورید و جام را می آشامید مرگ خداوند را اعلام می کنید تا اینکه بیاید.

e- شام خودش در مقابل شام خداوند بند ۲۰ آمده است.

f- بجای اینکه همگی گردهم آمده و آنچه دارند با هم صرف کنند گروههای جداگانه ای تشکیل می شود که بلاشک با طبقات اجتماعی تطبیق می نماید. به این ترتیب در مورد عدم تساوی افراد تأکید می شود در صورتی که مخصوصاً منظور این است که تفاوتها از بین بروند.

g- یعنی سخنی را که دریافت کرده ام منشآن از خداوند است.

h- سخنی را که پولس درباره آخرین شام بیسوع ذکر می کند خیلی نزدیک به لو ۲۰-۱۴:۲۲ است.

i- در نسخه های خطی دیگری: این جسم من، تگه شده برای شما یا این جسم من، داده شده برای شما.

j- ر.ک لو ۱۹:۲۲.i.

k- پولس تصویح نمی کند در اینجا درباره کدام جسم سخن می گوید و چنین به نظر می رسد برای اینکه خوانندگان را به تفکر و تعمق و ادار کنند آن را به طوری ذکر نموده است که هر کس به نوعی که بخواهد تعییر نماید. شاید آن را به معنی کلمه «جسم» یعنی «حقیقتی که سخن درباره آن است» آورده است. در بعضی از نسخه های خطی جسم خداوند نوشته شده که البته جنبه تفسیر دارد.

l- کیفرهایی که در بند ۳۰ ذکر گردیده به این منظور است که موجب توبه و گرایش شوند. اگر فرد ایماندار پیش از آنکه نان و شراب سپاسگزاری را دریافت کند خودش را آزمایش می کرد (بند ۲۸) نیازی به ذکر این کیفرها نبود. کیفرهای الهی به طرز شدیدی و ادار می کنند تا این آزمایش سودمند انجام گردد تا از این محکومیت مسلم و قطعی احتراز گردد (بند ۳۲).

## موهبت‌های روح القدس

<sup>۱</sup> درباره [موهبت‌های] روحی<sup>m</sup>،  
**۱۲** ای برادران، نمی‌خواهم که شما  
 بی خبر باشید. <sup>۲</sup> می‌دانید: در موقعی که  
 شما از امت‌ها بودید، چگونه به طرف بستان  
 زبان بسته<sup>n</sup> بُرده می‌شدید. <sup>۳</sup> بدین سبب به  
 شما اطلاع می‌دهم: هیچکس که بوسیله  
 روم<sup>۹:۱۰</sup>; روح خدا به سخن درآید نمی‌گوید: «لعت  
 فرع<sup>۱۱:۲</sup> بر يسوع»<sup>۰</sup>، و هیچکس نمی‌تواند بگوید:  
 روم<sup>۶:۱۲</sup> «خداوند يسوع» مگر به بوسیله  
 روح القدس.

<sup>۴</sup> البته موهبت‌های مختلف هست<sup>p</sup>، اما  
 روح [القدس] یکی است؛<sup>۵</sup> و خدمت‌های

<sup>m</sup>- در فصلهای ۱۲-۱۴ پولس به سؤالهایی پاسخ می‌دهد که مربوط به وجود بدبده‌های روحی در قرنیزان است (ر.ک ۱:۱۴-۱:۱۳)؛ بدین معنی که در اجتماعات مسیحیان بعضی از مردان و زنان قرنیزان الهام یافته و به سخن گفتن می‌پرداختند تا خدا را ستایش کرده یا دیگران را به راه راست تشویق نمایند. این سخنان را یا به زبان شرکت‌کنندگان در جلسه ادا می‌کردند (بیامیری) و یا به زبانی نامفهوم، با هجاهایی بی‌سر و ته بیان می‌نمودند (که موهبت سخن‌گفتن به زبانهای دیگر می‌نامیدند). پولس پیش از آنکه جنبه مثبت این بدبده را بپذیرد (فصل ۱۴) به ارزیابی هریک از پدبده‌ها پرداخته و می‌گوید آنچه برای جمعیت سودمندتر است موهبت‌های فیض الهی است (ر.ک بندهای ۴ و ۳۱)؛ ضمناً تعداد این موهبت‌ها خیلی بیشتر و متنوع تر از تظاهرات جالی است که مورد علاقه قرنیزان است. بالاخره همه‌این مظاہر فراوان زندگی که بوسیله روح القدس الهام می‌شود باید با محبت شکل گیرد زیرا محبت، در این تنوع، وحدت جمعیت را حفظ خواهد کرد (فصل ۱۲).  
<sup>n</sup>- این عبارت از نظر قواعد دستور زبان مبهم و دشوار بوده به طوری که بعضی از مفسران بر مبنای حدس و گمان در آن تصحیحاتی پیشنهاد کرده‌اند ولی مفهوم کلی آن روشن است: بدین معنی که ممکن است در دنیا بی پرسی شاید بدبده‌های مشابهی باشیم بنابراین هنگامی که الهام می‌شود باید تشخیص داده شود آیا روح القدس در کار است و با نتیجه عمل نیروها و قدرتهای دیگری است. ضمناً برای این تشخیص وجود معیارهای ضرورت دارد؛ در بند ۳ نخستین دلیل را بیان ایمان اعلام می‌نماید.

<sup>۰</sup>- ترجمه دیگر: بر يسوع لعنت باد! ر.ک ۲۲:۱۶.

<sup>p</sup>- ترجمه دیگر: موهبت‌های فیض الهی مختلف وجود دارد. پولس این موهبت‌ها را با انجام (خدمات) و روش‌های اجرا در یک ردیف قرار می‌دهد و مجموعه این فعالیت‌های کلیسا را نه فقط به روح القدس نسبت می‌دهد بلکه به خداوند (يسوع) و خدای (پدر) منسوب می‌داند و از هم اکنون موضوع های مهم تمثیل بدن را که تنوع و وحدت است اعلام می‌نماید (ر.ک تناقض بین تنوع و یکی بودن).

<sup>q</sup>- ترجمه دیگر: به یکی پیامی از حکمت داده شده است.

<sup>۲</sup>- حکمت و دانش، صفات پایدار و دائمی نبوده بلکه موهبتی گذرا از جانب روح القدس می‌باشدند. حکمت به طوری که در ۶:۲ ذکر گردیده به معنی شناخت عمیق مشیت خدا است و مشکل بتوان محتوای دانش را دقیقاً تعیین نمود. حروف اضافه مختلفی که در این مورد بکار برده شده (bossele روح القدس... برطبق... در...) نشان می‌دهد که به اینجا مختلف روح القدس به اعضای جمعیت موهبت‌هایی عطا می‌نماید ولی هیچ یک از این موهبت‌ها، خود روح القدس نیستند و تنها موهبتی که می‌توان آن را با روح القدس یکی دانست محبت است.

<sup>۸</sup>- منظور ایمانی است که به حدّ فوق العاده باشد. ر.ک ۲:۱۳. ایمانی که کوهها را به حرکت درمی‌آورد.

[احیاناً] گوش می‌گفت: «چون من چشم نیستم، از بدن نیستم» با این همه آیا جزو بدن نیست؟<sup>۱۷</sup> اگر تمام بدن چشم باشد، شناوئی کجا است؟ اگر همه شناوئی است، بویائی کجا؟<sup>۱۸</sup> ولی اکنون خدا هریک از آن اعضای را در بدن گذاشته به طوری که خواسته است.<sup>۱۹</sup> و اگر همه فقط یک عضو [بود] بدن کجا؟<sup>۲۰</sup> بلکه اکنون اعضا بسیاری هست و [فقط] یک بدن.<sup>۲۱</sup> پس چشم نمی‌تواند به دست بگوید: «به تو نیازی ندارم» یا اینکه به نوبه خود سر به پاهای بگوید: «به شما نیازی ندارم».<sup>۲۲</sup> بلکه بسیار بیشتر اعضا بدن که به نظر می‌رسد ضعیف ترند<sup>b</sup>، ضروری هستند.<sup>۲۳</sup> و آنهایی را که در بدن پست تر می‌پنداشیم، شریف‌تر می‌شماریم و آنهایی را که قبیح ترند آراستگی بیشتری دارند.<sup>۲۴</sup> و آنچه در ما آراسته است نیازی [به اینها] ندارد اما خدا بدن را طوری ترتیب

دیگری تشخیص ارواح<sup>۱</sup>، به دیگری انواع زبانها، و به دیگری ترجمه زبانها.<sup>۱۱</sup> اما روم ۳:۱۲ همه اینها را همان یک روح [القدس] عمل می‌کند و به هر کس جداگانه چنان که می‌خواهد تقسیم می‌نماید،

### تنوع اعضاء و وحدت جسم

روم ۵-۴:۱۲ زیرا به همان گونه که بدن یکی است و اعضا زیادی دارد، و تمام اعضا بدن که بسیارند یک بدن<sup>۱۱</sup> هستند؛ به همین گونه مسیح<sup>۷</sup> [است].<sup>۱۳</sup> و در واقع ما همگی در یک روح [القدس]، در یک بدن غلام ۲۸:۳ تعمید یافته ایم، چه یهودیان، چه یونانیان، چه برده‌گان، چه [مردان] آزاد و همگی از یک روح [القدس]<sup>w</sup> سیراب شده‌ایم.<sup>۱۴</sup> و در واقع بدن فقط یک عضو نیست بلکه بسیار<sup>x</sup> است. اگر [احیاناً] پا می‌گفت: «چون من دست نیستم، از بدن نیستم» با این همه آیا جزو بدن نیست؟<sup>۱۶</sup> و اگر

t- در اینجا هم فرد ایندادر باید استعداد و قابلیتی به درجهٔ عالی داشته باشد (۲۹:۱۴)؛ ر. ک ۱-تسا ۵:۲۱).

u- پولس در اینجا موضوعی را مطرح می‌نماید که در دوران نفوذ تمدن یونانی شناخته شده بود بدین معنی که معتقد بودند بدن انسان تصویری از بیکر اجتماع است و از اعضا مختلف و متفاوتی تشکیل گردیده که همه اعضا باید برای وصول به هدف مشترک وحدت داشته باشند (ر. ک نظریه «یکی در برابر همه» یا «یکی در برابر بسیار»). ولی پولس با توجه به تجربه مسیحیت خود و اجرای آینین سپاسگزاری «جسم مسیح» این تصویر را کاملاً تغییر می‌دهد.

v- یعنی او (مسیح) یکی است و اعضا متعددی دارد، نظری بدن که قبلاً ذکر شده است.

w- این بند از نظر فحوای مطلب، جمله معتبره‌ای بشمار می‌رود زیرا جزو روایت تمثیل نیست ولی از همین حال و پیشاپیش توضیحی از نظر خداشناسی دربر دارد و از تعمید و آینین سپاسگزاری یاد می‌کند. قسمت اول این بند به موازات مطلب ۲:۱۰ است که گفته شد: «همگی در موسی. در ابر و در دریا تعمید یافتند» و «آشامیدن نوشابه روحی» (۴:۱۰) اشاره‌ای به آینین سپاسگزاری بود.

x- نخستین قسمت تمثیلی که درباره بدن است (بندهای ۱۴-۲۰ الف) لزوم تنوع را تشریح می‌نماید.

y- در اینجا نظری بند بعدی می‌توان درک کرد: با این همه آیا جزو بدن نیست؟

z- خدا که برطبق متن پید ۷:۲ بدن انسان را ساخته و شکل داده است.

a- در دومین قسمت تمثیل بدن (بندهای ۲۰ ب-۲۶) موضوع همکاری اعضا مختلف بدن تشریح می‌شود که هیچ یک از آنها بدون دیگری کاری نمی‌توانند انجام دهند بلکه شادی خود را در وحدت با یکدیگر می‌یابند.

b- منظور پولس در اینچ مسلمان مسیحیانی هستند که در ۸:۷-۱۳ آنان را ناتوانیان خوانده و اصرار نموده است و جدان ایشان رعایت گردد.

موهبت‌های بزرگتر باشید و من به شما باز  
هم راه والاتری نشان می‌دهم.

### محبت برادرانه

۱۳ اگر به زبانهای انسان‌ها و

فرشتگان سخن بگوییم،

اماً اگر محبت ندارم،<sup>h</sup>

چون مفرغی شده‌ام که صدا کند یا <sup>هز ۱۵۰:۵</sup>

سنجه که بانگ برآورده.

و اگر موهبت نبوت داشته

و همه رازها و تمامی معرفت را بشناسم،

و اگر ایمان کامل دارم تا بدانجا که

کوهها را جابجا کنم،

اماً اگر محبت ندارم

و هیچ نیستم.

۳ اگر همه اموال خود را تقسیم کنم،

و اگر بدن خود را به شعله‌های آتش

بسوزانم<sup>k</sup>،

اگر محبت ندارم

داده که به آنچه پست‌تر است شأن بالاتری

داده شود.<sup>۲۵</sup> تا در بدن تفرقه‌ای نباشد

بلکه اعضاء به یک اندازه در اندیشه

یکدیگر باشند. و اگر [ فقط] یک عضو

رنج می‌کشد همه اعضاء با آن رنج می‌برند،<sup>۲۶</sup>

همچنان اگر [ فقط] یک عضو تجلیل شده

است<sup>c</sup> همه اعضاء با آن شاد شوند.<sup>۲۷</sup> باری

شما بدن مسیح هستید و به سهم<sup>d</sup> اعضاء<sup>e</sup> روم ۱۲:۵

قرن ۱۰:۱۷-۱۰:۱۷ افسی ۲:۲۳-۱:۲۳

او.<sup>۲۸</sup> و آنان را که حقیقتاً خدا در کلیسا

مقرر داشته<sup>e</sup>، اول [ به عنوان ] رسولان، دوم

[ به عنوان ] انبیاء<sup>f</sup>، سوم [ به عنوان ]

آموزگاران [ مذهبی<sup>g</sup> ] ... پس معجزه‌ها،

سپس موهبت‌های شفا دادن، کمک‌ها،

حکمرانان، انواع زبانها.<sup>۲۹</sup> آیا همگی

رسول هستند؟ آیا همه نبی اند؟ آیا همه

آموزگارند؟ آیا همه معجزه‌ها [ می‌کنند ]؟

۳۰ آیا همه موهبت‌های شفا دادن دارند؟ آیا

همه به زبانها سخن می‌گویند؟ آیا همه

ترجمه می‌کنند؟<sup>۳۱</sup> اما با جدیت جویای

۴- پولس در اینجا با بکار بردن افعال رنج بردن و شکوهمند شدن موضوع تمثیل را به کنار گذاشته است زیرا این افعال در جای دیگر مرگ و رستاخیز مسیح را بیان می‌کنند.

۵- کلیسا بدن مسیح است زیرا هر فرد مسیحی عضوی از مسیح می‌باشد. عبارت: «هریک به سهم خود اعضای او هستید» را بایستی به مفهوم «اعضای مسیح هستید» درک نمود چنانکه «شما بدن مسیح هستید».

۶- بندهای ۲۸-۳۰ نخستین قسمت تمثیل بدن را در مورد کلیسا بکار می‌برد. به همان‌گونه که خدا اعضایی در بدن قرار داده است (بند ۱۸) آدمیان را در کلیسا آماده کرده است و وظایفی را که آدمیان انجام می‌دهند نمی‌توان منحصر به یکی دانست زیرا نامعقول خواهد بود (بندهای ۲۹-۳۰).

۷- ر. ک ۱:۱۴ .f

۸- منظور کسانی هستند که مسئولیت آموزش مذهبی ایمانداران را بر عهده دارند.

۹- این فصل به صورت سروडی درباره محبت و دومنی قسمت تمثیل بدن است که بحث درباره همکاری اعضای مختلف و وحدت آنها است. به نظر پولس محبت اجازه می‌دهد که اعضای کلیسا برای صلاح عمومی با یکدیگر همکاری نمایند. این سروه فهمت می‌شود: برتری محبت (بندهای ۱-۳)، اعمال محبت (بندهای ۴-۷)، همیشگی بودن محبت (بندهای ۸-۱۳). در تمام این فصل گرچه سخن درباره محبت برادرانه است و از محبت خدا مستقیماً ذکری نشده است ولی به طور ضمنی همواره وجود دارد، مخصوصاً در بند ۱۳ که محبت را در ارتباط با ایمان و امیدواری آورده است.

۱۰- ترجمه دیگر: چون فلزی ... hh

i- ر. ک مر ۱۱:۲۳ .i

j- ترجمه تحتاللفظی: اگر همه اموال خود را لقمه لقمه تقسیم کنم.

k- ترجمه تحتاللفظی: تا سوخته شوم. ولی در بعضی از نسخه‌های خطی که خیلی تأیید شده است و برخی از ناشران آن را ترجیح

۱۰ و چون کامل بباید، جزء از بین خواهد رفت.

۱۱ و هنگامی که کودک بودم، چون کودکی سخن می‌گفتم، چون کودکی می‌اندیشیدم، چون کودک استدلال می‌کردم؛ هنگامی که مردی شدم، چیزهای کودکی را از بین بردم.

۱۲ زیرا اکنون از ورای آینه، به طور ابهام می‌بینم<sup>۹</sup>،

اما در آن وقت روبه رو [خواهیم دید]:  
اکنون جزئی می‌شناسم؛ اما در آن وقت کاملاً خواهم شناخت همان طور که نیز کاملاً شناخته خواهم شد.

۱۳ و اکنون ایمان و امیدواری و محبت باقی می‌مانند<sup>p</sup> و بزرگترین این سه، محبت است.

هیچ بهره‌ای نمی‌برم.

<sup>۴</sup> محبت شکیبا است<sup>۱</sup>؛ محبت مهربان است،

محبت حسادت ندارد، به خود نمی‌بالد، باد نمی‌کند؛ روم ۱۰:۱۳ <sup>۵</sup> [رفتار] ناروا نمی‌کند، در پی سود خود نیست،

برا آشته نمی‌شود، به بد نمی‌اندیشد<sup>m</sup>؛ روم ۹:۱۲ <sup>۶</sup> از بی عدالتی شاد نمی‌شود،

<sup>۷</sup> بلکه حقیقت موجب شادی است. همه چیز را تحمل می‌کند<sup>n</sup>، همه چیز را باور می‌کند، به همه چیز امیدوار است، به همه چیز صبر می‌کند.

<sup>۸</sup> محبت هرگز ساقط نمی‌شود. چه آنکه نبوت‌ها، از بین خواهد رفت.

آنچه زبانها است، پایان خواهد یافت. آنچه معرفت است، از بین خواهد رفت.

<sup>۹</sup> زیرا ما جزئی دانش داریم، و جزئی نبوت می‌کنیم.

می‌دهند چنین آمده است: تا بدان مباراکات کنم. در این صورت مفهوم عبارت چنین خواهد بود: حتی اگر خود را تسليم می‌کردم (یعنی همچون برده‌ای فروخته می‌شدم تا ثمرة فروش من به مستمندان داده شود) اگر برای آن است که بدان مباراکات کنم، بدون محبت بهره‌ای نمی‌برم.

۱- در اینجا محبت به صورت مجرد و اسم معنی ذکر نشده بلکه بوسیله یک سلسله افعال که آمده است نشان داده می‌شود که محبت واقعاً منشأ چه اعمالی می‌باشد.

<sup>m</sup>- ترجمه دیگر: کینه به دل نمی‌گیرد.

<sup>n</sup>- ترجمه تحت الفظی: همه چیز را می‌پوشاند.

۰- به جای اینکه خدا را به طور غیرمستقیم و مhem و از ورای آینه ای که همان مخلوقات هستند بشناسند در زندگی جاویدان او را مستقیماً (رو به رو) و به طور روش خواهد شناخت. فلاسفه کهن برای اینکه از شناخت حقیقت سخن گویند تصاویر مشابهی بکار می‌برند (ر. ک غار افلاطون). توضیح آنکه افلاطون در جلد چهارم کتاب جمهوریت وضع انسان را در برابر طبیعت چنین توصیف می‌کند: در داخل غاری آتش بزرگی افروخته شده و زندانیانی که به زنجیر هستند، پشت به آتش نشسته اند. در فاصله بین زندانیان و آتش کسانی عبور می‌کنند و چیزهایی را با خود حمل می‌نمایند و سایه این افراد و اشیاء بر روی دیوار می‌افتد. زندانیان که هرگز غیر از این سایه‌ها چیزی ندیده اند آنها را به عنوان حقایق تصوّر می‌کنند ولی الیه این داشت سطحی و ظاهری است. حال اگر یکی از زندانیان را از غار بیرون آورده، به روشنی درآورند میهوت شده، یقین خواهد کرد آنچه را که قبل ام دیده واقعی تراز چیزهایی است که به او نشان می‌دهند ولی کم کم عادت می‌کند و پس از اینکه بتواند اشیاء را تشخیص دهد خورشید را به عنوان مرکز و منشأ روشی ها خواهد شناخت.

<sup>p</sup>- برخلاف حقایقی که از بین خواهد رفت (بندهای ۱۰-۸)، ایمان، امیدواری و محبت از هم اکنون ما را در حیطه حقایقی وارد

بگویم؟<sup>۷</sup> حتی چیزهای بی جان که صدایی می دهند، چه نی لبک، چه چنگ: اگر در صداها فرق نکند، چگونه دانسته خواهد شد نی لبک یا چنگ [نوخته شده] است؟<sup>۸</sup> و حقیقتاً اگر شیپور صدایی میهم بدهد، چه کسی برای نبرد آماده خواهد شد؟<sup>۹</sup> پس اگر شما هم به زبان سخنی نامفهوم بگویید، چگونه آنچه می گویید درک خواهد شد؟ زیرا به هوا سخن خواهید گفت.<sup>۱۰</sup> اگر چه بسیار انواع تکلم در جهان وجود دارد، حتی هیچ یک بدون معنی نیست.<sup>۱۱</sup> پس اگر من قدرت تکلم را ندانم، برای آنکه سخن می گویید بیگانه<sup>۱</sup> خواهم بود، و آنکه سخن می گویید برای من بیگانه[است].<sup>۱۲</sup> پس شما هم: که مشتاق موهبت های روحی هستید، در پی ان باشید که برای تهذیب کلیسا به فرزونی داشته باشید.<sup>۱۳</sup> بدین سبب آنکه به زبان سخنانی می گوید، دعا کند که بتواند ترجمه نماید.<sup>۱۴</sup> زیرا اگر به زبان نیایش می کنم، روح من نیایش می کند، اما فراست من بی ثمر است.<sup>۱۵</sup>

**نبوت کردن و به زبانها سخن گفتن**  
**۱۴** <sup>۱</sup> محبت را جستجو کنید؛ و مشتاق [موهبت های]<sup>۶</sup> روحانی باشید، و مخصوصاً که نبوت نمایید.<sup>۷</sup> زیرا آنکه به زبان سخنانی می گوید به انسان ها سخن نمی گوید، بلکه به خدا است؛ چون کسی نمی فهمد: با اینکه روحًا از رازهایی سخن می گوید.<sup>۸</sup> اما آنکه نبوت می کند، به انسان ها از تهذیب و از تشویق و از تسلی سخن می گوید.<sup>۹</sup> آنکه به زبان سخنانی می گوید خود را تهذیب می کند، اما نبوت کننده کلیسا را تهذیب می نماید.<sup>۱۰</sup> البته اعد ۲۹:۱۱ می خواهم که شما همگی به زبانها سخن بگویید، اما بیشتر اینکه نبوت نمایید: چونکه نبوت کننده برتر<sup>۱۱</sup> از آن است که به زبانها سخن می گوید، مگر اینکه ترجمه نماید تا کلیسا تهذیب یابد.<sup>۱۲</sup> اما اکنون، ای برادران، اگر به نزد شما بیایم و به زبانها سخن گوییم، چگونه برایتان سودمند خواهم بود، اگر به شما نه به مکاشغه یا به دانش یا به نبوت یا به آموزش سخن

می کنند که هرگز از بین نرفته، جاودانی می مانند. کسان دیگری چنین نفسیر می کنند: در زندگی فعلی (یعنی هم اکنون) ایمان، امیدواری و محبت حقایقی هستند که ملاً به حساب می آیند.

۹- ر.ک ۱:۱۲ .m

۱۰- در نوشته های عهد جدید، نظری عهد عتیق وقتی سخن از نبوت است، منظور اصلی پیشگویی درباره حوادث آینده نیست (اع w ۲۸:۱۱، x ۱:۱۱-۱:۱۱)؛ پیامبر، مرد یا زنی است (ر. ک ۱-قرن ۵:۱۱) که تحت تأثیر روح القدس بنام خدا سخن می گوید و در اوضاع کنونی راز نیست خدا را ابراز می نماید (۲:۱۳)، پیامبر تهذیب می کند، اندزد می دهد، تشویق می کند (بند ۳)، رازهای دلها را مکشف می سازد (بند ۲۵).

۱۱- ترجمه تحتاللفظی: وی رازهایی بوسیله روح می گوید. منظور روح آدمی است که مرکز ظاهرات موهبت زبانهای غیرفعال انتقال می باشد و در برابر آن، فراست تنها وسیله انتقال و ارتباط با دیگران است. ولی این روح بوسیله روح القدس به فعالیت درمی آید.

۱۲- ترجمه تحتاللفظی: بزرگ تر.

۱۳- کلمه یونانی که بیگانه ترجمه شده به کسانی اطلاق می گردید که زبان یونانی نمی دانستند.

۱۴- ر. ک بند ۲. ۱۵- ترجمه تحتاللفظی: روح من دعا می کند، اما فراست من بی ثمر است. در این بند برخلاف روم ۸:۱۶؛ غالباً و فی ۴:۳۲ فراست من در مقابل روح من آمده است، زیرا در روح کسی که به زبانها سخن می گوید روح القدس جای

[تورات] نوشته شده است: خداوند می‌گوید: به وسیله کسانی که زبان دیگری دارند و به وسیله لب‌های بیگانگان به این قوم سخن خواهم گفت، و حتی بدین‌گونه سخن مرا نخواهند شنید.<sup>a</sup>

<sup>۲۲</sup> پس بدین‌سان، زبانها نشانه‌هایی هستند نه برای ایمان‌داران بلکه برای ناباوران؛ اما نبوت برای ناباوران نیست، بلکه برای ایمان‌داران.<sup>۲۳</sup> پس اگر تمام کلیسا جایی جمع شده و همگی به زبانها سخنانی بگویند، و افراد ناوارد یا بی ایمان وارد شوند، آیا نخواهند گفت که شما دیوانه‌اید؟<sup>۲۴</sup> اما اگر همه نبوت کنند و فرد بی ایمان یا ناواردی داخل شود، همگی او را مجاب کرده، همگی او را داوری خواهند کرد.<sup>۲۵</sup> اسرار قلب او آشکار می‌شود، و بدین‌سان، به روی درافتاده خدا را پرستش خواهد کرد و اعلام خواهد نمود که حقیقتاً خدا در میان شما است.<sup>b</sup>

۲۱:۱-۲ پطر

<sup>۱۵</sup> پس چه باید کرد؟<sup>uu</sup> با روح نیایش افس: ۱۹:۵ خواهم کرد، اما با فراتست هم نیایش خواهم کرد؛ سرودى با روح خواهم گفت، اما سرودى هم بوسیله<sup>v</sup> فراتست خواهم گفت.<sup>۱۶</sup> دیگر اگر تو، روح<sup>w</sup> [دعای] تبرکی می‌گویی<sup>x</sup>، آنکه در مقام یک ناوارد<sup>y</sup> جای دارد، چگونه به ۲۰:۱ [دعای] سپاسگزاری تو «آمين» خواهد گفت، چونکه نمی‌داند تو چه می‌گویی؟<sup>۱۷</sup> البته، حقیقتاً [تو آئین] سپاسگزاری خوبی می‌کنی، اما آن دیگری تهذیب نشده است.<sup>۱۸</sup> خدا را سپاسگزارم که بیشتر از همه شما به زبانها سخن می‌گوییم؛<sup>۱۹</sup> اما در یک کلیسا ترجیح می‌دهم پنج کلمه با فراتست خود بگوییم<sup>۲۰</sup>، تا دیگران را نیز آموزش دهم، تا اینکه ده هزار کلمه به زبانی.

۱۹:۱۶ روم: ۱۴:۴ افس: ۱۵:۳ نیاشید؛ البته برای شیطنت چون کودکان خردسال<sup>z</sup> رفتار کنید، اما برای فهم [مردان] کامل باشید.<sup>۲۱</sup> در قانون

گرفته است ولی آنچه را که روح القدس به روح او الهام می‌کند باید بوسیله فراتست خود به صورت مفهوم و قبل انتقال درآورد. شکی نیست که پولس به همین منظور عمل «مترجمی» را یادآوری کرده است و برمی‌انگیزد.

<sup>uu</sup>- ترجمه تحتاللفظی: پس، چه هست؟<sup>v</sup>- ترجمه تحتاللفظی: بوسیله روح دعا خواهیم کرد، اما بوسیله فراتست هم دعا خواهیم کرد؛ بوسیله روح آواز خواهیم خواند، اما

<sup>w</sup>- ترجمه تحتاللفظی: اگر در روح تبریک می‌کنی.

<sup>x</sup>- ترجمه تحتاللفظی: آنکه جای ناوارد را بر می‌کند (کلمه یونانی که ناوارد ترجمه شده از اصطلاحات فلسفی و مذهبی آن دوران بوده است) و منظور کسانی هستند که فقط به گوش دادن اکتفا کرده، کاملاً به عضویت در جمیعت درینامده، هنوز به طور قطعی مسیح را انتخاب نکرده بودند (بندهای ۲۴-۲۳) و بدليل بالاتر سخن گفتن به زبانها را نمی‌دانستند.

<sup>y</sup>- ترجمه دیگر: پنج سخن خردمندانه بگویند.

<sup>z</sup>- اطفال هنوز نیزروی قضاوتش ندارند و نمی‌توانند عمل بد انجام دهند. پولس از مسیحیان دعوت می‌کند از کودکان تقلید نمایند. در مورد نکته دوم، نه در مورد اولی، ر. ک مر ۱۰:۱۴ و مطالب مشابه در انجیلها دیگر.

<sup>a</sup>- اش ۱۱:۲۸. این نقل قول با متن عبری و ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتادتنان) تطبیق نمی‌کند. اوریزن که در قرن سوم میلادی می‌زیسته اظهار می‌کند این متن ترجمه دیگر یونانی کتاب مقدس است که در زمان او وجود داشته است.

<sup>b</sup>- ارتباط بین نکته اساسی که در بند ۲۲ ذکر شده و نتیجه گیری آن را در بندهای ۲۳-۲۵ به دشواری می‌توان درک کرد و چنین می‌نماید که نتیجه گیری با اصلی که اظهار شده است مغایرت دارد. درحقیقت سخن گفتن به زبانها نشانه‌ای برای ناباوران سخت گیر و متupsّب است (بندهای ۲۲-۲۳) که ایشان را در بی ایمانی خود سختگیرتر می‌کند (بند ۲۱: خداوند می‌گوید سخن مرا نخواهند شنید؛ بند ۲۳: آیا نخواهند گفت که شما دیوانه‌اید؟)؛ درصورتی که پیامبری نشانه‌ای برای آنان است که

۳۲ و ارواح انبیاء تابع انبیائند.<sup>e</sup> ۳۳ زیرا خدا، [خدای] بی نظمی نیست، بلکه [خدای] صلح است.

به مانند تمام کلیساها مقدسان<sup>f</sup>، ۳۴ زنان در کلیساها ساکت بمانند، زیرا به ایشان اجازه داده نشده است سخن بگویند؛ بلکه باید فرمانبردار باشد، چنانکه قانون [تورات] هم [این را] می‌گوید.<sup>g</sup> ۳۵ اما اگر می‌خواهند چیزی بگیرند، در خانه از شوهر خودشان بپرسند؛ زیرا برای یک زن شرم آور است که در کلیسا سخن بگوید.<sup>h</sup> ۳۶ آیا سخن خدا از [نzd] شما بیرون آمده است؟ یا اینکه تنها به شما رسیده است؟<sup>i</sup>

۳۷ اگر کسی می‌پندارد که نبی است یا روحانی است، [باید] چیزهایی را که به

شما می‌نویسم به عنوان فرمان خداوند و مت ۲۱:۱۶ و متومن موارزی ۲۴:۲۴؛<sup>j</sup> لومت ۲۴:۲۴؛<sup>k</sup> اما اگر کسی نمی‌پذیرد،

به ایمان دست یافته و از وضعیت بی ایمانی (بند ۲۴) به وضع ایماندارانی می‌رسند (بند ۲۲) زیرا به ایشان دلیلی برای باور کردن ارائه می‌شود (بند ۲۴). کلمه یونانی که در بند ۲۲ نایاور ترجمه شده در مورد کسی است که در بی ایمانی خود سختگیر و خیره سر است؛ ولی همین کلمه یونانی که در بندهای ۲۳-۲۴ آمده است بی ایمان ترجمه شده و به مفهوم کسی است که هنوز ایماندار نشده است.

- ترجمه تحت الفظی: پس، ای برادران، چه هست؟

- ترجمه تحت الفظی: و دیگران تشخص دهند. ر.ک ۱۰:۱۲

- ترجمه تحت الفظی: اگر مکشوف شده (چیزی) به کس دیگری که نشسته است، اولی ساكت شود.

- ترجمه دیگر: پیامبر بر روح پیامبری که او را می‌انگیزد حکمفرما است. این نشانه ای است که به وسیله آن می‌توان پیامبر واقعی را از هذیان گویی پیامبران دروغی تشخیص داد، که در آنها استدلال بکار برده نمی‌شود.

- ر.ک روم ۱:۷؛ ۲۵:۱۵؛ ۲۵:۱۵؛ ۱:۶ قرن ۱۶:۳

- بعضی از مفسران تصوّر می‌کنند اشاره به پید ۱۶:۳ است.

- در بعضی از نسخه‌های خطی بندهای ۳۳-۳۵ پس از بند ۴۰ قرار دارند. بدین سبب بعضی از مفسران تصوّر می‌کنند نکته‌ای است که احتمالاً جای آن تغییر داده شده است زیرا در اینجا موضوع بحث درباره پیامبران را قطع می‌کند (بندهای ۲۹-۳۳-۳۷ الف...۴۰-۴۷)؛ و انگهی این بندها با مطالب ۱۱:۵ مغایرت دارند و چنین به نظر می‌رسد که این فصل ها خارج از موضوع هستند و اصولاً نقش زنان در کلیسا مطرح نشده است. مضافاً بر اینکه پولس عادت ندارد در مورد ترتیب و انصیباط در کلیسا به قانون تورات اشاره نماید. ممکن است وقتی نامه‌های پولس را به صورت مجموعه گردآوری می‌کرددند، این نکته جزو آنها وارد شده و شاید تحت تأثیر ۱-تیمو ۱۱:۱۱-۱۲ بوده است.

- ترجمه دیگر: آیا منشأ سخن خدا از نزد شما است؟ و تنها شما آن را یافته اید؟ پولس با این سخنان به مخاطبان خود یادآوری کرده و می‌فهماند: اگر عبارت بیشتری دارند در این صورت نظر خود را به کلیساها دیگر تحمل نمایند.

- ر.ک ۱۰:۷، ۱۰:۱۲ که در آنها پولس نظریات خود را از فرمانهای خداوند متمایز کرده است. در اینجا پولس متوجه است که به نام خداوند سخن می‌گوید. ر.ک لو ۱۰:۱۶.

## ترتیب نیایش و نظم در کلیسا

۲۶ پس، ای برادران، چه باید کرد؟<sup>bb</sup>  
هنگامی که به دور هم گرد می‌آید، هر کدام سروهی دارد، اموزشی دارد، مکاشفه‌ای دارد، سخنی دارد، تفسیری دارد؛ همه روم ۱۴:۱۹؛<sup>cc</sup> افس ۱۲:۴ به منظور تهذیب باشد.<sup>dd</sup> ۲۷ اگر کسی به زبانی سخن می‌گوید، دو نفر یا حداقل سه نفر، و به نوبت باشد؛ و کسی ترجمه نماید. ۲۸ اما اگر مترجمی نیست، در کلیسا ساكت بمانند؛ و هر کس به خود یا به خدا سخن بگوید.<sup>ee</sup> ۲۹ در مورد انبیاء، دو یا سه نفر از ایشان سخن بگویند، و دیگران داوری کنند.<sup>ff</sup> ۳۰ و اگر به کس دیگری که نشسته است مکاشفه‌ای برسد، [نفر] اولی ساكت شود.<sup>gg</sup> ۳۱ شما، همگی می‌توانید، یکی پس از دیگری نبوت کنید، تا همه آموزش یافته و همه تشویق شده باشند.

به ایمان دست یافته و از وضعیت بی ایمانی (بند ۲۴) به وضع ایماندارانی می‌رسند (بند ۲۲) زیرا به ایشان دلیلی برای باور

و خیره سر است؛ ولی همین کلمه یونانی که در بندهای ۲۳-۲۴ آمده است بی ایمان ترجمه شده و به مفهوم کسی است که هنوز ایماندار نشده است.

- ترجمه تحت الفظی: پس، ای برادران، چه هست؟

- ترجمه تحت الفظی: و دیگران تشخص دهند. ر.ک ۱۰:۱۲

- ترجمه دیگر: پیامبر بر روح پیامبری که او را می‌انگیزد حکمفرما است. این نشانه ای است که به وسیله آن می‌توان پیامبر

واقعی را از هذیان گویی پیامبران دروغی تشخیص داد، که در آنها استدلال بکار برده نمی‌شود.

- ر.ک روم ۱:۷؛ ۲۵:۱۵؛ ۲۵:۱۵؛ ۱:۶ قرن ۱۶:۳

- بعضی از مفسران تصوّر می‌کنند اشاره به پید ۱۶:۳ است.

- در بعضی از نسخه‌های خطی بندهای ۳۳-۳۵ پس از بند ۴۰ قرار دارند. بدین سبب بعضی از مفسران تصوّر می‌کنند

نکته‌ای است که احتمالاً جای آن تغییر داده شده است زیرا در اینجا موضوع بحث درباره پیامبران را قطع می‌کند (بندهای

۲۹-۳۳-۳۷ الف...۴۰-۴۷)؛ و انگهی این بندها با مطالب ۱۱:۵ مغایرت دارند و چنین به نظر می‌رسد که این فصل ها خارج از

موضوع هستند و اصولاً نقش زنان در کلیسا مطرح نشده است. مضافاً بر اینکه پولس عادت ندارد در مورد ترتیب و انصیباط در

کلیسا به قانون تورات اشاره نماید. ممکن است وقتی نامه‌های پولس را به صورت مجموعه گردآوری می‌کرددند، این نکته جزو

آنها وارد شده و شاید تحت تأثیر ۱-تیمو ۱۱:۱۱-۱۲ بوده است.

- ترجمه دیگر: آیا منشأ سخن خدا از نزد شما است؟ و تنها شما آن را یافته اید؟ پولس با این سخنان به مخاطبان خود یادآوری

کرده و می‌فهماند: اگر عبارت بیشتری دارند در این صورت نظر خود را به کلیساها دیگر تحمل نمایند.

- ر.ک ۱۰:۷، ۱۰:۱۲ که در آنها پولس نظریات خود را از فرمانهای خداوند متمایز کرده است. در اینجا پولس متوجه است که به

نام خداوند سخن می‌گوید. ر.ک لو ۱۰:۱۶.

خودش پذیرفته نمی شود.<sup>k</sup>

۲۰:۵ تسا ۳۹ پس ای برادران، مشتاق نبوت کردن باشید، و مانع از سخن گفتن به زبانها نشوید. <sup>۴۰</sup>اما همه با شایستگی و با ترتیب بگذرد.

### رستاخیز مسیح

۱۵ <sup>۱</sup>ای برادران، به شما اعلام می کنم انجیلی را که به شما نوید داده ام و دریافت کرده اید و در آن پا بر جا هستید. <sup>۲</sup>که به وسیله آن نیز نجات یافته اید، اگر با کلماتی که به شما نوید داده ام حفظ نمایید؛ و گرنه بیهوده ایمان آورده اید.<sup>۱</sup> <sup>۳</sup>زیرا نخست آنچه را نیز دریافت کرده بودم به شما سپردم<sup>m</sup>: که مسیح برطبق نوشه ها[ای مقدس]<sup>n</sup> [به خاطر گناهان ما<sup>۰</sup> مرده است،

- ترجمه دیگر: اگر کسی آن را در ک نمی کند بدین سبب است که خدا او را نمی شناسد. در بعضی از نسخه های خطی فعل به صورت امر می باشد: اگر کسی نمی خواهد پذیرد، آن را نپذیرد.

۱- در این فصل با اشتباه آنانکه منکر رستاخیز مردگان هستند مبارزه می کند (بند ۱۲). بدین منظور از اظهارات اساسی اعلام انجیل آغاز کرده (بندهای ۳-۴) و توضیح از ظاهر شدن های مسیح از مرگ برخاسته را می شمارد (بندهای ۱۱-۵) و اظهار می کند نظریه ای که با آن مخالف است چه نتایجی در بردارد (بندهای ۳۴-۱۲) سپس به مخالفت هایی که درباره «چگونگی رستاخیز» ابراز شده است پاسخ می دهد (بندهای ۳-۵).

- کلماتی که در اینجا بکار برده شده: (دریافت کردن، حفظ کردن، سپردن) کلمات فی است که در سخنان کاهان بکار می رود و در اینجا در مورد سخن زنده انجیل آمده است (بند ۱) و در موضوع اساسی اظهاراتی است (بند ۱۱) که پولس و ساور رسولان اعلام کرده و پیروان به آن ایمان آورده اند (بندهای ۲، ۱۱) و بوسیله آن نجات خواهند یافت (بند ۲). ر.ک ۱۱، ۲۳.

۲- عبارت های مشکل به این صورت از همین زمان معمول گردیده است. این عبارات هستند مرکزی بیان ایمان را در کلیسای اولیه تشکیل خواهند داد.

۳- ارزش نجات بخشی مرگ مسیح نکته ای است که در اعلام انجیل ذکر شده و قبل از پولس اظهار گردیده است (ر. ک روم ۸:۳-۶). ر.ک. ۰۰.

۴- منظور این است که هنوز زنده اند و می توانند آنچه را دیده اند گواهی دهند. پولس بدین وسیله به مخاطبان خود می گوید که عقیده ایشان در مورد رستاخیز مینا و پایه محکمی دارد.

۵- ترجمه تحتاللفظی: بخواب رفته اند. این طرز بیان در بندهای ۱۸، ۲۰، ۵۱ نیز بکار برده شده است. این اصطلاح که در دنیا مشرکان معمول بوده متنفسن هیچ گونه امیدی به رستاخیز نبوده است ولی چون در زبان یونانی یک کلمه هم به معنی بیدار شدن و هم به معنی رستاخیز است بدین سبب نویسنده به جای کلمه مرده اند کلمه به خواب رفته اند را بکار می برد تا در مقابل بیدار شدن و رستاخیز باشد. ر. ک ۱-سسا ۱۳:۴.

۶- چنین به نظر می رسد که کلمه رسولان در اینجا شامل عده ای بیش از دوازده نفر باشد (بند ۵). در مورد ظاهر شدن های مسیح دشوار و شاید بیهوده است که بتوان آنها را با ظاهر شدن های مذکور در انجیلها تطبیق داد.

۷- کلمه یونانی که در این مورد بکار رفته به معنی طفلی است که قبل از موعده، مثلاً ششمراه بدینیا آمده و ناقص باشد پولس

مسیح هم برنخاسته است.<sup>۱۷</sup> و اگر مسیح  
برنخاسته است، ایمان شما بیهوده است،  
هنوز شما در گناهان خود هستید.<sup>x</sup> <sup>۱۸</sup> پس  
آنان نیز که در مسیح خوابیده اند، نیست  
شده اند.<sup>۱۹</sup> اگر فقط به خاطر این زندگی،  
امید خود را در مسیح گذاشته باشیم، قابل  
ترحیم ترین تمام انسان ها هستیم.<sup>y</sup> <sup>۲۰</sup> اما  
اکنون مسیح از میان مردگان برخیزانیده شده  
است، نوبیر<sup>z</sup> آنان که مرده اند.<sup>۲۱</sup> زیرا چون  
به وسیله یک انسان مرگ [آمده است]  
به وسیله یک انسان هم رستاخیز مردگان  
[می آید].<sup>۲۲</sup> زیرا به همان گونه که همگی کو<sup>۱</sup>  
در آدم [ابوالبشر] می میرند، پس نیز همگی  
در مسیح زندگی بازخواهند یافت.<sup>a</sup> <sup>۲۳</sup> اما  
هر کدام به مرتبه خود؛ مسیح به عنوان نوبر،  
بعداً آنانکه از مسیح هستند، به هنگام آمدن  
او.<sup>b</sup> <sup>۲۴</sup> و سپس پایان خواهد بود، هنگامی  
۱-تسا:۴  
۱۸-روم:۵  
۱۱:۸ روم  
۱۵:۴ ۴:۳ کو<sup>۱</sup>  
۹:۴ فرن:۲  
۳۶:۸ روم  
۱۱:۴ فرن:۲

با من است.<sup>۱۱</sup> پس چه من و چه ایشان  
چنین اعلام می کنیم و شما چنین ایمان  
آورده اید.<sup>c</sup>

### \_RSTAXIZ MARDGAN

اما اگر اعلام شده که مسیح از میان  
مردگان برخاسته است چگونه بعضی از بین  
شما می گویند که رستاخیز مردگان وجود  
نمی دارد؟<sup>d</sup> <sup>۲۳:۲۲</sup> اما اگر رستاخیز مردگان وجود  
نمی دارد و نه حتی مسیح برخاسته است.<sup>e</sup> <sup>۲۲:۲:۴</sup> و  
اگر مسیح برنخاسته است پس نیز اعلام ما  
بیهوده است همچنین ایمان شما بیهوده  
است.<sup>f</sup> <sup>۱۵</sup> و نیز گواهان دروغی<sup>w</sup> خدایم،  
زیرا درباره خدا گواهی داده ایم که مسیح را  
برخیزانیده است حال آنکه او را  
برنخیزانیده، بعد در صورتی که مردگان  
برنی خیزند.<sup>۱۶</sup> زیرا مردگان برنی خیزند،

بدین وسیله یادآوری می کند که تولد او به آین مسیحیت جنبه غیرعادی داشته و چون قبلًا کلیساي مسیح را تعقیب و شکنجه  
می کرده است شایستگی ندارد.

t- این اظهارات از نظر اتحاد و یگانگی کلیساها ارزشمند است. تمام کلیساها مسیح برخاسته را گواهی کرده و یک پیام را اعلام  
می نمایند و همه پیروان مسیح ایمان واحدی را بیان می کنند. بنابراین غیرممکن است که در جستجوی اتحاد و یگانگی از  
دست رفته برپیایم.

u- اگر رستاخیز مردگان غیرممکن است پس در این مورد مخصوص که مسیح از میان مردگان برخاسته است نیز غیرممکن است.  
تفسیر دیگر: رستاخیز مسیح معنی و مفهوم ندارد مگر اینکه آن را نوبیر رستاخیز خودمان بدانیم و اگر آن را بپذیریم رستاخیز ما  
مفهوم خواهد داشت؛ ولی این نظریه از بند ۲۰ به بعد اظهار شده است.

v- در ایمان مسیحیت و سخنانی که درباره آن موضعه می شود موضوع اصلی رستاخیز مسیح است و تمام جنبه های دیگر سخنرانیها  
و ایمان مفهومی ندارند مگر در صورتی که در ارتباط با آن باشند. اگر این موضوع وجود ندارد همه چیز در هم فرو می ریزد.

w- ترجمه تحت الفظی: ما علیه خدا گواهی داده ایم.

x- به نظر پولس آنچه گناه را از بین می برد، زندگی جدید فرد مسیحی در محبت و شرکت او در زندگی مسیح برخاسته از مرگ  
است (ر.ک روم ۴:۷، q، r). اگر مسیح از میان مردگان برخاسته است گناه باقی مانده و نتیجه آن هلاک است (بند ۱۸).

y- ترجمه دیگر: اگر در این بند زندگی فقط امید در مسیح گذاشته ایم قابل ترجم ترین تمام آدمیان هستیم که مفهوم آن مالاً همان است.

z- ر.ک روم ۲۳:۸ و p ۱۶:۱۱ n ۲۳:۸

a- نظریه ای که در بندهای ۲۱-۲۰ آمده است مجدداً در روم ۵:۱۲-۲۱ ذکر شده و پولس آن را تشریح خواهد کرد (ر.ک  
توضیحاتی که در ذیل این قسمت داده شده است). پولس نشان خواهد داد که ذکر آدم ابوالبشر در مقابل مسیح فقط از نظر  
مادی و جسمی نیست (یعنی مرگ در مقابل رستاخیز جسمانی) بلکه این مقایسه و مقابله از نظر انسان به طور کلی است (یعنی

مرگ جاودانی در گناه در مقابل زندگی جاودان در عدالت است). این نظریه در اینجا به طور ضمنی اراوه گردیده است.

b- توجه نمایید که پولس در اینجا رستاخیز گناهکاران را در نظر نمی گیرد چنانکه در یو ۲۹:۵:۲۴ اع ۱۵:۲۴ ذکر شده است. ر.ک  
دان ۱۲.

شما] در مسیح یسوع خداوند ما دارم، من هر روز می میرم. <sup>۱۳۲</sup> اگر برطبق انسانی در افسس <sup>۱</sup> با وحوش مبارزه کرده ام، برایم چه فایده ای دارد؟ اگر مردگان برتری خیزند، بخوریم و بیاشامیم، چون فردا خواهیم مرد.<sup>k</sup> <sup>۳۳</sup> گمراه نشوید: هم نشیان بدعادات خوب را فاسد می کنند!<sup>۳۴</sup> بیدار شوید چنانکه شایسته است، و گناه مکنید، زیرا بعضی ها معرفت خدا را ندارند، این را برای شرمدار کردن شما می گوییم.

### بدنهای رستاخیز کرده

<sup>۳۵</sup> اما بعضی خواهند گفت: چگونه مردگان برتری خیزند؟ و با چه جسمی باز <sup>۱۲:۲۴</sup> می آینند؟ <sup>۳۶</sup> ای سفیه! آنچه را که تو می کاری، اگر نمیرد جان نمی گیرد، <sup>۳۷</sup> و آنچه تو می کاری نه همان جسمی<sup>m</sup> که خواهد شد، میکاری بلکه، [فقط] <sup>۳۸</sup> از گندم ساده ای است خواه ممکن است که از گندم یا [گیاه] دیگری؛ <sup>۳۹</sup> و خدا به او جسمی می دهد که خواسته است، و به هریک از

که مملکوت را به خدا و پدر تسلیم خواهد کرد پس از آنکه هر تسلط و هر اقتدار و قدرتی را از بین برده باشد.<sup>c</sup> <sup>۲۵</sup> زیرا باید سلطنت کند تا هنگامی که همه دشمنان را لو <sup>۱۹:۲۷</sup> به زیر پاهای او بگذارد.<sup>d</sup> <sup>۲۶</sup> آخرین دشمن، مکا <sup>۲۰:۱۴</sup> نابود می شود.<sup>e</sup> <sup>۲۷</sup> زیرا همه را به زیر پاهای او گذاشته است.<sup>f</sup> <sup>۲۸:۲</sup> عرب

اما وقتی گفته می شود<sup>f</sup> همه چیز تابع است، روشن است به استثنای آن کسی است که همه چیز را به تبعیت او درآورده است. <sup>۲۸:۲</sup> اما وقتی که همه چیز تابع او شدند، آنگاه پسر نیز، خود را در تبعیت آن کسی قرار می دهد که همه چیز را به تبعیت او درآورده است، تا خدا همه در همه کول <sup>۳:۱۱</sup> باشد.

<sup>۲۹</sup> و گرنه آنانکه به جای مردگان تعیید می یابند چه بهره ای دارند؟ <sup>۲۸:۱</sup> اگر مردگان تماماً برتری خیزند، چرا نیز به جای آنان تعیید می یابند<sup>h</sup>? <sup>۳۰</sup> و ما، چرا هر ساعت با خطر روبه رو هستیم؟ <sup>۳۱</sup> [ای برادران، اطمینان می دهم به وسیله افتخاری که [از

c- سه کلمه تسلط، اقتدار و قدرت تمام نیروهای دشمن خدا را اعم از انسانی یا کروپی شامل می شود (ر. ک ۱-قرن ۶:۲؛ کول ۱۵:۲).

d- به طوری که از محتوای مطلب برمی آید (بندهای ۲۷-۲۸) باید چنین درک کرد: تا هنگامی که خدا همه دشمنانش را به زیر پاهای مسیح بگذارد. ر. ک مز ۱:۱۱۰.

e- مز ۷:۸.

f- یسوع در برابر پدرش حاضر خواهد شد تا تحقیق و انجام مأموریت خود را اعلام نماید، ترجمه دیگر وقتی که او خواهد گفت.

ترجمه دیگر: وقتی که نوشته قدس می گوید که همه چیز تابع شده است.

g- ترجمه تحت الفظی: چه خواهد کرد؟

h- معلوم نیست منظور از این عمل چه بوده و چگونه انعام می شده است. پولس درباره ارزش این اقدام داوری نمی کند ولی می گوید در موردی که مردگان رستاخیز نمی کنند این عمل نامعقول و نامربوط است.

i- ترجمه تحت الفظی: اگر در افسس به روش انسانی علیه وحوش مبارزه کرده بودم به چه درد من می خورد؟

j- مبارزه با وحوش را که پولس ذکر می کند بایستی به معنی مجازی درک کرد زیرا پولس عنوان همشهری دومی داشته و ممکن نیست او را به جلو حوانهای وحشی انداده باشد.

k- اش ۱۳:۲۲.

l- این جمله نقل قول از شاعر یونانی ماناندر (قرن چهارم پیش از میلاد) است.

m- ترجمه دیگر: همان گیاهی نیست.

زنده<sup>۱</sup> پدید آمد؛ و آخرین آدم از روحی که  
جان می بخشد.<sup>۲</sup> ولی در اول [جنبه]<sup>۳</sup>  
روحی نیست بلکه نفسانی است و سپس  
روحی.<sup>۴</sup> نخستین انسان که از خاک گرفته  
شد زمینی است، دومین انسان از آسمان  
می اید.<sup>۵</sup> به مانند آنکه خاکی است،  
خاکیان نیز چنان هستند؛ و به مانند آنکه  
آسمانی است آسمانی ها نیز چنان هستند.

<sup>۳</sup> پید:۵  
<sup>۴</sup> قرن:۶  
<sup>۵</sup> قرن:۹  
<sup>۶</sup> به همان گونه که ما تصویر خاکی  
برداشته ایم تصویر آسمانی هم خواهیم  
داشت.<sup>۷</sup> اما ای برادران، این را  
می گوییم: گوشت و خون<sup>۸</sup> نمی توانند  
ملکوت خدا را به ارث ببرند، نه فساد  
[نمی تواند] فسادناپذیری را به ارث برد.  
<sup>۹</sup> اینک رازی<sup>۱۰</sup> به شما می گوییم: ما  
همگی خواهیم خوابید، بلکه همگی تغییر  
خواهیم یافت.<sup>۱۱</sup> در یک لحظه، به یک  
چشم به هم زدن، به آخرین شیپور<sup>۱۲</sup>، زیرا  
شیپور نواخته خواهد شد و مردگان،  
فسادناپذیر بپا خواهند خاست و ما تغییر  
خواهیم یافت.<sup>۱۳</sup> زیرا این فسادناپذیر باید  
مت:۲۸ و متون موازی

بذرها جسمی مخصوص<sup>n</sup>.<sup>۱۴</sup> تمام جسم  
ها [تن ها]<sup>۱۵</sup> یکی نیستند، بلکه جسم انسان  
ها، حقیقتاً دیگر، و جسم [تن] دام ها دیگر،  
و جسم [تن] پرندگان دیگر و از آن ماهیان  
دیگر.<sup>۱۶</sup> همچنین جسم های<sup>۱۷</sup> آسمانی  
هست و اجسام زمینی، اما حقیقتاً درخشش  
[جسم های]<sup>۱۸</sup> آسمانی دیگر است و از آن  
[جسم های] زمینی دیگر.<sup>۱۹</sup> درخشش<sup>۲۰</sup>  
خورشید دیگر است، و درخشش ماه دیگر،  
و درخشش ستارگان دیگر. زیرا ستاره، از  
ستاره در درخشش متفاوت است.  
<sup>۲۱</sup> رستاخیز مردگان نیز به همین گونه  
است: در فسادناپذیری کاشته شده و در  
فسادناپذیری برمی خیزند؛<sup>۲۲</sup> در ذلت  
فی<sup>۲۳</sup> کاشته شده و در شکوه برمی خیزند؛ در  
ناتوانی کاشته شده و در توانایی  
برمی خیزند؛<sup>۲۴</sup> با جسم نفسانی<sup>۲۵</sup> کاشته  
شده، با جسم روحی برمی خیزند. اگر  
جسمی نفسانی هست، [جسمی]<sup>۲۶</sup> روحی هم  
هست.<sup>۲۷</sup> پس چنین نوشته شده است:  
نخستین انسان، آدم [ابوالبشر]، از روحی

n- برطبق نظریه عمومی آن دوران جوانه زدن و رویندگی بذر یک پدیده طبیعی نبوده بلکه نتیجه عمل معجزه‌آسای الهی است.  
ر. ک- ۲- مک: ۷- ۲۰: ۲۳-۲۰.

o- کلمه جسم ها در اینجا به مفهوم حقایق مادی است.

p- ترجمه دیگر: اجسام آسمانی و اجسام زمینی وجود دارد و درخشش یکسانی ندارند.

pp- کلمه یونانی که در بندهای ۴۰ و ۴۱ آمده و به فارسی درخشش ترجمه شده است همان کلمه‌ای است که جاهای دیگر کتاب  
مقدس به شکوه برگردانده می شود.

q- ترجمه دیگر: جسم حیوانی. منتظر انسانی است که فقط از امکانات طبیعی برخوردار بوده و محکوم به مرگ باشد.

r- پید:۷. ترجمه دیگر: آدم ابوالبشر موجودی حیوانی واجد جان بود. این عبارت را هم می توان در مورد انسان و هم در مورد  
حیوانات بکار برد (پید: ۱: ۲۰).

s- ترجمه دیگر: به همان گونه که تصویر انسان خاکی بوده ایم همچنین به تصویر انسان آسمانی خواهیم بود.

t- در اینجا هم منظور انسانی است که فقط از امکانات طبیعی برخوردار بوده و وضعیف و فناپذیر است.

u- ر. ک- ۱- قرن ۱:۴ n: ۱۱: ۲۵:۱۱: روم ۷

v- شیپور یکی از وسائلی است که در روایات مکاشفه ای تصویر می شود: مت ۲۴: ۳۱: ۲۴- ۱- تسا: ۴: ۱۶. و نشانه اعلام رسمی اراده  
خدایی است. ر. ک هفت شیپور که در مکاشفه یوحنای ذکر گردیده است: مکا: ۸: ۶- ۱۱: ۱۹.

w- پولس به عنوان کسی سخن می گوید که فکر می کند در لحظه بازگشت مسیح زنده خواهد بود ولی این اعتقاد را جزو پیام خود  
اعلام نمی نماید. ر. ک- ۱- تسا: ۴: ۱۵.

دیده. <sup>۲</sup> اول هر هفته، هریک از شما [در] <sup>۷:۲۰</sup>  
خانه خود] آنچه توانسته است صرفه جویی  
کند به کنار بگذارد، نه اینکه وقتی من  
آمدم [اعانه] جمع آوری شود.<sup>۳</sup> و وقتی  
<sup>۲</sup> قرن ۲۰:۸-۲۱ را که شما شایسته بدانید با  
نامه های خواهم فرستاد تا بخشش های شما  
را به اورشلیم ببرند.<sup>۴</sup> و اگر مناسب باشد  
که من هم [به آنجا] بروم با من خواهند  
رفت.<sup>۵</sup>

اع ۱۹:۲۱

### طرح های مسافرت

<sup>۶</sup> و چون از مقدونیه عبور کنم، نزد شما  
خواهم آمد زیرا از مقدونیه عبور می کنم<sup>۶</sup> و  
احتمالاً نزد شما اقامت کرده، یا حتی  
زمستان را خواهم گذراند، تا هر جا اگر  
خواهم رفت، شما مرا همراهی کنید.<sup>۷</sup>  
<sup>۷</sup> چونکه الآن نمی خواهم شما را فقط در  
ضمن عبور ببینم زیرا امیدوارم مدت زمانی  
نزد شما بمانم، اگر خداوند اجازه دهد.  
<sup>۸</sup> اما تا عید پنجماهه در افسس خواهم ماند.  
<sup>۹</sup> زیرا دری بزرگ و مؤثر برایم باز شده  
است<sup>b</sup> و رقیبان متعددند.<sup>۱۰</sup> و اگر  
تیموتاوس بباید<sup>c</sup> مواظب باشید که

فسادناپذیری برگیرد و این فناپذیر،  
فناپذیری برگیرد.

<sup>۱۱</sup> اما هنگامی که این فسادپذیر،  
فسادناپذیری برگرفته و این فناپذیری  
فناپذیری برگیرد آنگاه سخنی که نوشته  
شده است روی خواهد داد: مرگ در  
پیروزی فرو خورده شده است<sup>WW</sup>.<sup>۱۲</sup> ای  
مرگ، پیروزی تو کجا است؟ ای مرگ،  
نیش<sup>X</sup> تو کجا است؟<sup>۱۳</sup> اما نیش مرگ  
[همان] گناه است و قدرت مرگ، قانون  
[تورات است].<sup>y</sup>

<sup>۱۴</sup> اما سپاس خدا را که به وسیله خداوند  
ما یسوع مسیح به ما پیروزی می دهد!  
<sup>۱۵</sup> سپس ای برادران محبوب من، پابرجا،  
کول ۲۳:۱ تزلزل تاپذیر باشید، همواره در عمل  
خداوند بیفزایید و بدانید که زحمت شما  
در خداوند بیهوده نیست.

### جمع آوری اعانه برای کلیساي اورشليم

<sup>۱۶</sup> اما در مورد جمع آوری اعانه برای  
مقدسان<sup>Z</sup>، شما هم به مانند آنچه به  
کلیساهاي غلطیه دستور داده ام انجام

- کلمه یونانی را که در اینجا فرو خورده شده ترجمه گردیده است می توان غرقه شده، بلعیده شده، فرو برد شده، نابود شده  
ترجمه کرد.

- اش ۸:۲۵؛ هو ۱۴:۱۳ که به طرز آزاد نقل شده است.

- y- این عبارت خلاصه نظریه ای است که در فصلهای ۷-۵ نامه به رومیان تشریح خواهد شد و با عبارات سپاسگزاری نظری عبارات  
سپاسگزاری اینجا پایان خواهد یافت (ر. ک روم ۷: ۲۵ و ۱- قرن ۱۵:۱۵).

- Z- ر. ک روم ۱: ۷ و m ۱: ۱۵ h. ۱: ۲۵- ۲: ۲۶- ۲: ۲۵- ۲: ۲۶- ۸- قرن ۹: ۲- غلا ۲: ۱۰- اع ۲۴: ۱۷- ۲۴: ۱۵ f. a-  
پولس برای این امر اهمیت شایانی قائل بوده و آن را نشانه همیستگی بین کلیساي اورشليم و کلیساهايی که از دنیايش مشرکان  
آمده بود می دانست چونکه کلیساي اورشليم به عنوان کلیساي اصلی (مادر) بشمار می آمد. در مورد این جمع آوری اعانه ر. ک  
روم ۱: ۱۵- ۲: ۲۶- ۸- قرن ۹: ۲- غلا ۲: ۱۰- اع ۲۴: ۱۷- ۲۴: ۱۵ f. a-

- b- این اصطلاح مورد علاقه پولس بوده و آن را بارها بکار برد است: ۲- قرن ۱: ۲- کول ۱۲: ۲؛ اع ۳: ۴؛ مکا ۸: ۳ و عملی را  
نشان می دهد که حاکی از مشیت خدا بوده و برای رسول زمینه رسالت غیرمنتظره ای را می گشاید.

- c- ر. ک ۱۷: ۴.

می کشد.

<sup>۱۷</sup> و از آمدن استیفان و فرتانوس و اخاییکوس خوشوقتم زیرا غیبت شما را جبران کرده اند؛ <sup>۱۸</sup> زیرا ایشان روح من و [همچنین از آن] شما را آرامش بخشیده اند. پس [قدراً] چنین [کسانی] را بشناسید.

روم ۳:۱۶

روم ۵:۱۶

<sup>۱۹</sup> کلیساهاي آسیا<sup>h</sup> به شما سلام می کنند. آکیلا و پرسیکا با کلیسايی که در خانه ایشان [جمع می شوند] در خداوند به شما خیلی سلام می کنند. <sup>۲۰</sup> همه برادران به شما سلام می کنند. به یکدیگر با بوسه ای مقدس سلام کنید.

روم ۱۶:۱۶

فرن ۱۲:۱۳

تسا ۱:۶:۵

پطر ۱۴:۵

فیل ۱۹

<sup>۲۱</sup> سلام به دست خود من، پولس است.

<sup>۲۲</sup> اگر کسی به خداوند محبت ندارد ملعون باد! «ماراناتا»<sup>j</sup>.

<sup>۲۳</sup> فيض خداوند یسوع با شما باد.

<sup>۲۴</sup> محبت من با همه شما در مسیح یسوع است.<sup>k</sup>

بی دغدغه در نزد شما باشد زیرا مثل من نیز برای عمل خداوند کار می کند؛ <sup>۱۱</sup> بنابراین هیچ کس او را تحقیر نکند<sup>d</sup>. بلکه او را همراهی کنید<sup>e</sup> تا به راحتی به نزد من بیاید؛ زیرا او را با برادران انتظار می کشم. <sup>۱۲</sup> اما در مورد برادر آپلس، او را خیلی تشویق کرده ام تا با برادران به نزد شما بیاید اما به هیچ وجه نخواسته است اکنون بیاید، اما وقتی فرصتی بیابد خواهد آمد<sup>f</sup>.

### آخرین توصیه‌ها و سلام‌ها

<sup>۱۳</sup> بیدار باشید، در ایمان پایدار باشید، مردان باشید، نیرومند باشید. <sup>۱۴</sup> همه چیز به نزد شما در محبت انجام شود. <sup>۱۵</sup> و ای برادران، توصیه ای دارم: می دانید که خانواده استیفان اولین نوبر اخاییه<sup>g</sup> هستند و خویشن را به خدمت مقدسان سپرده اند، <sup>۱۶</sup> روم ۵:۱۶ تا شما هم از چنین کسانی پیروی کنید و از جمله هر کس که با ایشان کار کرده و زحمت

<sup>d</sup>-۱- تیمو ۱۲:۴ شاید اشاره به این متن است (هیچ کس سن تو را تحقیر نکند). ولی در موقعی که پولس این نامه را می نوشته است تیموتاوس ۱۵ سال با او همکاری داشته است. احتمال دارد که تیموتاوس قدرت سخنوری نداشته است و از نظر فرهنگ فلسفی ضعیف بوده در صورتی که قرنیان شایق به این امور بودند.

<sup>e</sup>- همین اصطلاح: همراهی کنید در بند ۶ آمده است.

<sup>f</sup>- آپلس که همکار امین و مورد اعتماد پولس بوده است میل ندارد با حضور خود در قرنیت مسیحیانی را که طرفدار و وابسته به او بودند تقویت نماید.

<sup>g</sup>- ر.ک ۱:۱۶.

<sup>h</sup>- منظور ایالتی در ساحل مدیترانه در آسیای صغیر است که شهر افسس حاکم نشین آن ایالت بوده و پولس نامه خود را در آنجا نوشته است.

<sup>i</sup>- کلمه ای که در اینجا ملعون ترجمه شده و معمولاً نفرین شده ترجمه می شود در نوشته های عهد عتیق به معنی قتل عام دشمنان به فرمان خدا است (تث ۲:۷ و غیره). ولی به مفهوم وسیع تر به کسی یا چیزی اطلاق می شود که پلید و شنیع باشد (تث ۲۶:۷).

<sup>j</sup>- ماراناتا اصطلاحی در زبان آرامی و به معنی: ای خداوند ما، بنا است. این اصطلاح جزو عبارات آئین سپاسگزاری در کلیسا اولیه وارد شده بود (ر.ک کتاب دیداکه ۶:۱۰)؛ ر.ک مکا ۲۲:۲۰. این عبارت را می توان: ماران آتا نیز خواند که در این

صورت به معنی: خداوند می آید است.

<sup>k</sup>- ترجمه دیگر: به همه شما محبت دارم در یسوع مسیح. در برخی نسخه ها، در انتهای «آمین» آمده است.